

# روش‌ها و فنون تدریس

DownloadTest.ir

جزوات آمادگی در آزمون های استخدامی آموزش و پرورش

آموزگار ابتدایی

**نکته مهم**

کاربر گرامی، این تنها یکی از جزوات آمادگی در آزمون  
استخدامی آموزش و پرورش می باشد. جهت دانلود سایر  
دفترچه سوالات عمومی و تخصصی و جزوه های عمومی و  
تخصصی در قالب یک بسته جامع به آدرس ذیل مراجعه  
کنید:

<http://downloadtest.ir/post/276>

## روش های آموزش

مجموعه تدابیری که با استفاده از امکانات موجود برای رسیدن به هدفی مورد استفاده قرار میگیرد، روش گفته می شود که نهایتاً به یادگیری در فراگیران منجر می شود. هر روش آموزشی و تدریس دارای معیارها و شرایط خاصی است که در زیر به برخی از این معیارها اشاره می شود. یک روش مطلوب، اولاً و قبل از هر چیز باید با پایه های بیولوژیکی و روانی رفتار انسانها هماهنگی داشته باشد. ثانیاً دارای اعتبار و ارزش منطقی و همسو و هم جهت با روشهای معتبر کسب دانش باشد، ثالثاً با اصول و ایده ال های انسانی همدم و سازگار باشند و بالاخره دارای ارزش و اعتبار تربیتی باشد.

هدف این قسمت، معرفی روش های متداول آموزش است. ممکن شما مربیان در مورد سلامت مطالب زیادی بدانید ولی روش آموزشی مناسب برای دستیابی به اهداف آموزشی و انتقال مطالب و دانش به فراگیران را بخوبی ندانید. غالباً روش آموزش بر اساس میزان دستیابی فراگیران به مطالب و بهره گیری آنها از دوره تعیین می شود فراگیران با گوش کردن، دیدن، پرسش و پاسخ و اجرای آموخته ها مطالب را یاد می گیرند و بر همین اساس هم روش آموزشی مناسب انتخاب می شود. روش های تدریس فراوان و متعدد هستند که هر کدام شرح مفصل و طولانی دارد هر یک از روش های آموزشی به تنهایی مزایا و معایبی دارد و از اینروست که غالباً بکارگیری مجموعه ای از روش های تدریس و آموزش توصیه می شود تا کارایی و اثربخشی بیشتری به همراه داشته باشد.

همیشه به خاطر داشته باشید:

هنگامی که گوش می کنید، فراموش می کنید؛

هنگامی که می بینید؛ به خاطر می آورید؛

و هنگامی که انجام می دهید؛ یاد می گیرید؛

پژوهش ها در زمینه "گوش دادن" نشان می دهد که:

۶۰٪ از وقت فراگیران در مدارس ابتدایی و ۹۰٪ در دوره های بالاتر و دانشگاه ها صرف گوش دادن می شود. شاگردان تنها قسمت ناچیزی از آنچه را که شنیده اند حدود (۱/۳ تا ۱/۵٪) به خاطر می سپارند. افراد بالغ به طور متوسط قادر به حفظ کردن ۵۰٪ مطالب در ذهن خود هستند حدود دو ماه بعد، این میزان به نصف نیز کاهش خواهد یافت.

نتیجه اینکه با وجود صرف وقت زیاد در کاربرد حس شنوایی، این حس تاثیر ناچیزی در یادگیری انسان دارد.

یادگیری

گوش کردن				٪ ۲۰
گوش کردن	دیدن			٪ ۵۰
گوش کردن	دیدن	صحبت کردن		٪ ۷۰
گوش کردن	دیدن	صحبت کردن	عمل کردن	٪ ۱۰۰

آشنایی با روش های آموزش می تواند در برنامه ریزی آموزش و نیل به اهداف آموزش کمک بسیار مؤثری نماید از اینرو سعی داریم شما را با تعدادی از روش های آموزش موجود آشنا سازیم .

قبل از آنکه روش خاصی را برای آموزش انتخاب کنید به چند سوال در ذهنتان پاسخ دهید :

۱. تعداد فراگیران
۲. مدت زمان اجرای آموزش
۳. سطح آگاهی و دانش فراگیران
۴. تجهیزات آموزشی مورد نیاز
۵. انتظار شما از میزان مشارکت فراگیران در طول دوره آموزش

و به خاطر داشته باشید که روش آموزشی مورد استفاده باید با توجه به اهداف آموزش مورد نظر در انتقال دانش ، تغییر نگرش و مهارت های عملی و علمی رفتارهای فراگیران انتخاب شود . چنانچه روش آموزشی ، مناسب با دوره مورد نظر انتخاب شود ، شما به اهداف آن دوره دسترسی پیدا می کنید و تدریس موفق را احساس می کنید . روش آموزشی منتخب شما باید به فراگیران اجازه شرکت فعال در کلاس و برنامه های درسی را بدهد و فراگیران بتوانند با ابعاد فرهنگی جامعه ای که می خواهند در آن خدمت کنند ارتباط برقرار نمایند.

### انواع روش های آموزشی

۱. روش حفظ و تکرار
۲. روش سخنرانی
۳. روش بارش فکری و ابتکارات ذهنی (brain storming)
۴. روش نمایش و اجرای تمرین های عملی ( Demonstration )
۵. روش مباحثه
۶. روش پرسش و پاسخ
۷. روش ایفا نقش در نمایش ( Role Plying )
۸. روش بازدید از صحنه های واقعی
۹. روش داستان گویی و نمایش
۱۰. روش آموزش چهره به چهره

همانطور که ذکر شد هر یک از روش های آموزش ما را در رسیدن به اهداف آموزشی کمک می کند و بر اساس انتخاب این روش ها درجاتی از کسب دانش ، مهارت های عملی و رفتار و عملکرد را در فراگیران ایجاد می شود . جدول زیر راهنمای خلاصه ، برای انتخاب روش آموزشی در مراحل مختلف می باشد .

روش آموزشی	دانش	مهارت های عملی	رفتار و عملکرد
۱ سخنرانی	خیلی مؤثر ++	مؤثر نیست	مؤثر نیست
۲ داستان و شعر گفتن	خیلی مؤثر ++	مؤثر +	مؤثر +
۳ نمایش	خیلی مؤثر ++	خیلی مؤثر ++	مؤثر +
۴ بازدید از صحنه های واقعی	مؤثر +	خیلی مؤثر ++	خیلی مؤثر ++
۵ مباحثه	مؤثر +	خیلی مؤثر ++	خیلی مؤثر ++
۶ ابتکارات فکری	مؤثر +	مؤثر نیست	مؤثر نیست
۷ پرسش و پاسخ	مؤثر +	مؤثر نیست +	می تواند مؤثر باشد یا نباشد +/-
۸ تکرار نمایش عملی توسط فراگیر	مؤثر +	شدیداً مؤثر +++	مؤثر +
۹ ایفای نقش	مشخص نیست	می تواند مؤثر باشد یا نه +/-	بسیار بسیار مؤثر ++++

## روش حفظ و تکرار:

### سخنرانی :

این نوع آموزش بر اساس کلام و صحبت مربی یا سخنران می باشد و یادگیری از طریق گوش کردن و یادداشت برداشتن از طرف فراگیر انجام می گیرد . سخنرانی با انواع سخنرانی فی البداهه، حفظ سخنرانی و سخنرانی با آمادگی قبلی قابل اجرا است. موثرترین روش در انتقال اطلاعات روش سخنرانی است . بدیهی است مربی باید از اطلاعات وسیع و فن بیان خوبی برخوردار باشد و مطالب را به گونه ای ارائه دهد که نیازهای شنوندگان را بر آورده سازد .

درصد یادگیری در یک سخنرانی بر حسب پیام های کلامی و غیر کلامی سخنران عبارتند از :

زبان و حرکات بدن (۵۵٪) ، کلمات (۷٪) ، لحن صدا (۳۸٪)

مزایای این روش :

۱. توانایی مربی در برنامه ریزی و هدایت فراگیران در راستای اهداف آموزشی
۲. آرایه مطالب زیاد در مدت کوتاه
۳. آموزش فراگیران زیاد در مدت کوتاه
۴. هزینه بر نمی باشد و سود و زیانی مطرح نمی باشد .

### معایب این روش

۱. مشارکت و فعالیت کم فراگیران
۲. دشواری در یادداشت برداری و توجه و گوش دادن همزمان به سخنران
۳. خمودگی و خواب آلودگی در فراگیران اگر مربی فعال و محرک نباشد
۴. این روش قادر به تغییر نگرش و نهایتاً ایجاد رفتار جدید نمی باشد
۵. آموزش عملی کمتر وجود دارد
۶. دشواری در ارزیابی فراگیران در درک و فهم مطالب
۷. یادگیری مشکل در زمانی که مربی مهارت کلامی موفق و جذاب نداشته باشد.

### نحوه ارتقای توانایی این روش :

۱. محدود کردن زمان سخنرانی ( ۲۰ دقیقه )
۲. تشویق به مشارکت فراگیران با طرح سوال
۳. بکار بردن وسایل کمک آموزشی به منظور افزایش حافظه فراگیران و کمک به تفهیم موضوع و ایجاد فضای مطلوب آموزشی ( نظیر اورهد ، اسلاید ، رایانه و ... )
۴. از اطاله کلام بپرهیزید و فقط نکات ضروری را آرایه کنید و نکات مهم را تکرار کنید.
۵. مثال هایی مرتبط با فراگیران بزنید و از کلمات ساده استفاده کنید
۶. در ابتدا و انتهای جلسه ، خلاصه ای از موضوع را ذکر کنید
۷. در صورت امکان اجازه تمرین عملی به فراگیران بدهید
۸. بلند و واضح صحبت کنید اجازه دهید فراگیران یادداشت بردارند
۹. برای اطمینان از فهم مطالب به صورت فراگیران نگاه کنید و سوالاتی از آنها بپرسید. به تک تک افراد حاضر در کلاس نگاه کنید .

روش سخنرانی به تنهایی روش کافی و خوبی نیست و باید آن را همزمان با سایر روش های آموزشی استفاده کرد.

### الگوریتم اجرای روش سخنرانی :



## ابتکارات فکری (طوفان فکری)

این روش یک نوع فعالیت سریع است، که در جمع آوری نظرات فراگیران به مربی کمک می کند و یک روش پرتحرک می باشد.

### مزایای این روش :

۱. برقراری ارتباط آزاد بین فراگیران
۲. آرایه نظرات و عقاید جدید
۳. بیان آزادانه افکار
۴. تحریک خلاقیت فکری فراگیران
۵. شرکت در فعالیت های ذهنی

### معایب این روش :

۱. سردرگمی فراگیران در شناخت موضوعات مورد نیاز
۲. عدم احساس امنیت و راحتی در فراگیران
۳. اتلاف وقت
۴. عدم فایده در فراگیران با تحصیلات مختلف و رشته های گوناگون
۵. سردرگمی و گیجی فراگیران در برخورد با ابتکارات فکری مختلف

### نحوه ارتقای این روش :

۱. شناسایی مشکلات و آگاه کردن کامل فراگیران نسبت به موضوع
۲. مشارکت دادن همه فراگیران در خلاصه گویی و تشویق به پاسخ های سریع
۳. اجتناب از ارزیابی فکرهای هر فرد
۴. مطلع نمودن فراگیران از مراحل مختلف که پس از مشاهده فهرست نظرات باید طی کنند
۵. بکار بردن انواع چارت، تصاویر و تخته سیاه و گچ به منظور تفهیم دستورات و نظارت بر مشارکت همه فراگیران
۶. ترکیبی نظرات و جمع بندی تفکرات و بسط و گسترش نتایج
۷. چیدمان مناسب فراگیران و تجهیزات

## نمایش و اجرای تمرین های عملی

### ( Demonstration )

این روش در واقع نوعی تمرین مهارت عملی است که به وسیله شخص مربی نشان داده می شود ، مربی باید قبل از اجرای نمایش تجهیزات لازم را تدارک دیده باشد و به عنوان یک مربی آماده ، مهارت های لازم عمل را مرور و اجرا نماید . ( مانند نمایش احیاء قلبی - ریوی ) غالباً پس از اینکه فراگیران دانش و تئوری های لازم را آموختند ، خواهند توانست برای یادگیری مهارت های عمل آماده شوند . پس باید ابتدا دانش منتقل شود تا مربی بتواند مهارت های عملی را به فراگیران یاد دهد.

#### مزایای این روش

۱. یادگیری آسان و عینی و مصور
۲. لمس واقعیت توسط فراگیر و درک حقیقی
۳. امکان ارزشیابی و بررسی مهارت های عملی فراگیران
۴. امکان تکرار و تمرین توسط فراگیران
۵. ایجاد فرصت برای فراگیران به منظور شرکت در یادگیری

#### معایب این روش

۱. وقت گیر است
۲. عدم درک صحیح فراگیران و برداشت غلط
۳. احتمال یادگیری اشتباه در صورت اجرای غیر اصولی و صحیح توسط مربی
۴. اگر تعداد فراگیران زیاد باشند احتمال رویت دقیق نمایش برای همه مهیا نمی شوند
۵. فراگیر ارتباط بین نمایش و اهداف یادگیری را درک نکند

#### نحوه ارتقای این روش

۱. آمادگی کامل قبلی در مربی
۲. وجود تجهیزات کافی و لازم
۳. وجود فضای کافی برای تمرین عملی و به حداقل رساندن شلوغی و سر و صدا
۴. امکان مشاهده آسان برای همه فراگیران
۵. ارائه توضیح علمی همزمان با نمایش عملی توسط مربی
۶. تفکیک مراحل تمرین عملی و شرح آن
۷. امکان مشاهده نمایش از زوایای مختلف
۸. ارائه کامل نمایش یکبار با توضیح و یکبار بدون وقفه و بدون توضیح



۹. اجرای آهسته نمایش به منظور آموزش مهارت های عملی پیچیده
۱۰. اجازه اجرای نمایش توسط هر یک از فراگیران برای مربی و راهنمایی توسط مربی
۱۱. وقت کافی برای تمرین بدهید . همیشه مدت زمان بیشتری برای روش نمایش عملی و تمرین در نظر بگیرید .
۱۲. وقتی همه فراگیران تمرین کردند ، خلاصه ای از مراحل را مجدداً بیان و مرور کنید.

### مثال :

ارایه کمک های اولیه و اجرای CPR توسط مربی در کلاس

الف - انتقال دانش و اطلاعات

ب - توصیف مهارت های عملی

ج - اجرا و نمایش توسط مربی

د - تمرین و اجرا توسط فراگیران

به خاطر داشته باشید :

تمرین کردن تنها شرط یادگیری نیست ، اما تمرین کامل و درست ، دانش را کامل تر می کند.

سلسله مراتب آموزش مهارت های عملی عبارتند از : ( توصیف ، نمایش و تمرین )

DownloadTest.ir

## مباحثه

در این روش فراگیران بیش از مربی صحبت می کنند، اغلب خوب است که فراگیران بصورت گروهی مباحثه کنند. اینگونه مباحثات را میتوان در گروههای کوچک و یا بزرگ رهبری نمود و به ۲ صورت انجام می شود.

۱. مباحثه در گروه کوچک

۲. مباحثه در گروه های بزرگ

یک مباحثه در گروه کوچک یا بزرگ این امکان را به هر یک از فراگیران می دهد که از برنامه درسی برداشت مشخصی داشته باشد. مربی باید در برنامه مداخله و شرکت نموده و بحث را با تسهیلاتی که ایجاد میکند آسانتر و روانتر کرده و آنرا هدایت کند و مراقب باشد تا بحث از مسیر خود خارج نشود. غالباً در این روش آموزشی برای فراگیران فرصتی فراهم میشود تا دیدگاهها و نقطه نظرات شخصی خود را وسعت داده و با مربی و سایر فراگیران ارتباط موثر برقرار کند.

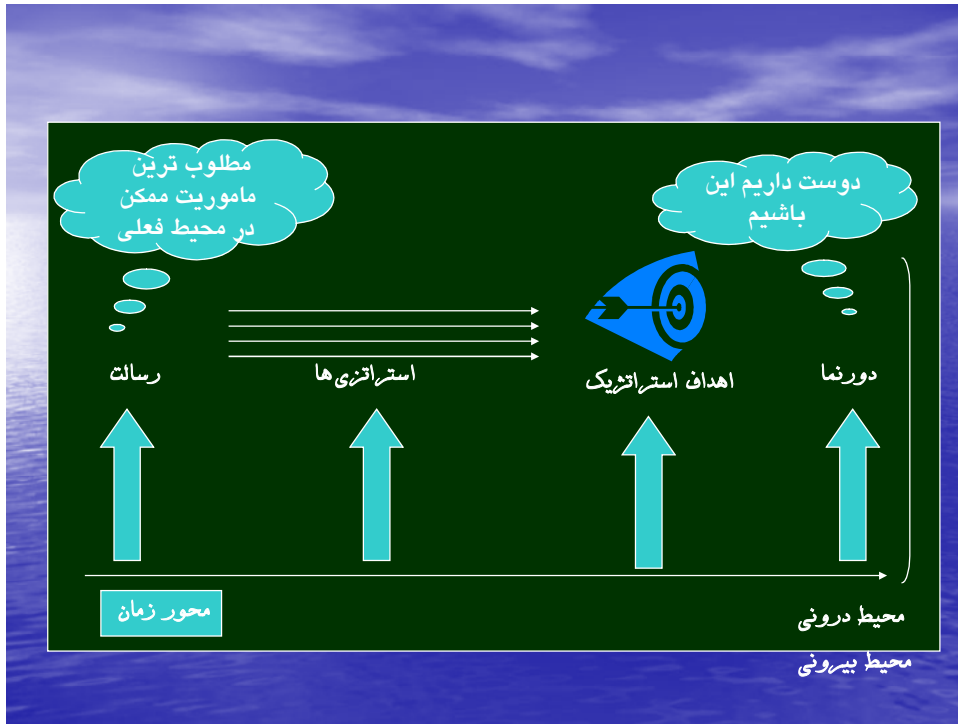
### مزایای این روش :

- انتقال مطالب آموزشی زیاد در زمان کم
- بروز نظرات و ایده های جدید و خلاقیت فکری و امتحان عقاید
- مشارکت فعالانه همه فراگیران در فرآیند یادگیری
- ارتقای مهارتهای برقراری ارتباط و مهارتهای کلامی در فراگیران
- تثبیت دانش در ذهن فراگیران بواسطه تکرار و مداخله در موضوع درسی

### معایب این روش:

- ممکن است وقت گیر شود
- ممکن است بدون نظارت، هدایت و راهنمایی مربی فراگیران از بحث و موضوع خارج شوند
- برخی از فراگیران بخصوص فراگیران خجالتی در بحث شرکت نکنند
- برتری یابی برخی از افراد گروه

کار گروهی: تصور کنید قصد دارید برای انجام کاری و دستیابی به هدف مشخصی به محل مورد نظر بروید، بالطبع برای رسیدن به آن محل راهها و روشهای مختلفی وجود دارد که هر چه هر یک به نوبه خود محاسن و معایبی دارد ولی مجموع آنها شما را به هدفتان می رساند. با این رویکرد برای هر یک از مباحث کتاب (بسیجی الگوی زندگی سالم) با توجه به اهداف آموزشی که برای آن تعیین شده است در مورد روش آموزشی مناسب بحث نموده و محاسن و معایب هر روش را در گروه بررسی و در جمع بندی روشهای تلفیقی مورد نظر و توافق گروه را ارائه کنید.



DownloadTest.ir

## ایفای نقش : « Role Playing »

ایفای نقش ، نوعی روش آموزشی است که مشکلات و مسائلی در آن عنوان می شود و مورد بحث و بررسی قرار می گیرند که ممکن است برای فراگیران مبهم و سوال برانگیز باشد . در این روش فراگیران نقش را ایفاء می کنند درحالیکه در روش نمایش و اجرای تمرین عملی مربی نقش را ایفاء می کند . ( تفاوت Role و Demonstration playing ) .

### مزایای این روش :

- ◀ مربی میتواند از قدرت عملکرد و شناختی که توسط فراگیران بدست آمده، آگاهی پیدا کند.
- ◀ فراگیران قادر به تمرین در موقعیتی بسیار نزدیک به واقعیت می باشند .
- ◀ فراگیران اعتماد به نفس بیشتری در زمان مواجهه با واقعیت پیدا می کنند .
- ◀ فراگیران یاد می گیرند در موقعیت های مختلف واکنش های عملی و مختلف از خود نشان دهند .
- ◀ فراگیران می توانند بطور مستقل کارکنند و با فراگیری قواعد و نقش خود متکی به غیر نباشند .
- ◀ این روش باعث تداوم علاقه فراگیران به حضور در برنامه درسی می شود .
- ◀ این روش موجب ایجاد حس همکاری و ارتباط و واکنش متقابل میان فراگیران می شود .
- ◀ فراگیران فرصت استفاده از تصورات و بروز تفکرات و خلاقیت را پیدا می کنند .

### معایب این روش:

- ◀ اگر فراگیر نتواند نقش خود را خوب ایفا کند موجب شر مساوی و از بین رفتن اعتماد به نفس وی می شود .
- ◀ ممکن است فراگیران این روش را به چشم سرگرمی نگاه کنند و آن را جدی نگیرند و اثر یادگیری کمی داشته باشد .
- ◀ وقت زیادی می گیرد و باعث طولانی شدن بیش از حد برنامه درسی می شود
- ◀ اگر تمرکز روی روش های ایفاء نقش متمرکز شود ، می تواند اهداف آموزشی را تحت الشعاع قرار دهد و از اهداف دور شوید .
- ◀ ممکن است همه فراگیران فرصت ایفاء نقش و شرکت در فعالیت را نداشته باشند .

### افزایش توانایی این روش:

- ◀ راهنمایی و آموزشهای لازم به طور واضح و شفاف ارائه شود
- ◀ ایفاء نقش توسط فراگیران بطور داوطلبانه باشد .
- ◀ هدف از ایفاء نقش بیان شود و آرام سازی ذهنی برای فراگیران ایجاد شود .
- ◀ فراگیران نسبت به ارتباط موقعیت ها با یکدیگر آگاه و توجیه باشند .
- ◀ زمان کافی برای ایفاء نقش داده شود .

- ◀ روی نکات آموزشی توجه نموده و آنها را پررنگ تر نمایش دهند .
- ◀ تجربیات ایفاء کنندگان نقش پس از اجرا مورد بررسی و بحث قرار گیرد .
- ◀ از تجربیات ایفاکنندگان نقش باز خورد (فیدبک) تهیه شود و مورد بحث قرار گیرد .

## داستان گویی و نمایش

این روش در بسیاری از جوامع آسیایی و آفریقایی راه متداول و مناسبی برای آموزش مردم می باشد مانند تعزیه خوانی و شاهنامه خوانی و... . ذکر داستانهایی از بزرگان ، حکما ، پهلوانان روش های خوبی برای انتقال اطلاعات و آشنایی کودکان با شیوه های صحیح زندگی است . داستان ها معمولاً پیرامون مسایل شایع و جریانات مهمی که مردم در جامعه خود با آن روبرو می شوند خلق می گردند . این روش قرن های یکی از روش های با ارزش انتقال دانش و علوم ، ارزش ها و آداب و رسوم در ایران بوده است .

### مزایای این روش:

- ◀ قدرت زیاددر ایجاد انگیزه، نگرش جدید و پیدایش و بروز رفتارهای مطلوب
- ◀ درک بهتر ارزش ها و تایید باورهای درست و نفی باورهای غلط
- ◀ فراهم آمدن شرایط مناسب برای فراگیران در فهم باورهای فرهنگی و اجتماعی
- ◀ مدنظر قرار دادن باورهای خوب و تشویق فراگیران و مردم برتکیه به نکات و باورهای خوب
- ◀ توسعه خلاقیت در فراگیران
- ◀ کمک به شکل گیری، تغییر یا استحکام انگیزه ها و نگرش فراگیران و نهایتاً ایجاد رفتار مطلوب.

### معایب این روش:

- ◀ وقت گیر است .
- ◀ نیاز به آمادگی قبلی دارد .
- ◀ بیان داستان اگر ضعیف باشد و خوب روی آن فکر نشده باشد ممکن است موجب گیجی و تحیر فراگیران شود .
- ◀ ممکن است داستان برای فراگیران جذاب نباشد و علاقه پیدا نکنند .
- ◀ نیاز به قدرت مربیان در داستان گویی و داستان پردازی و قدرت تحلیل و تصور زیاد در مربیان دارد .

### توانمندسازی این روش :

- ◀ ارتباط نزدیک موضوع آموزشی با داستان و نمایشنامه .
- ◀ در صورت داشتن زمان ، داستان دو مرتبه تکرار و بازگو شود .
- ◀ نمایشنامه و داستان را طوری انتخاب کنید که فراگیران بتوانند خود را بجای قهرمانان قرار دهند و به نوعی خود را در داستان بگنجانند .

- ◀ از داستانهای محلی و بومی برای قابل فهم بودن درس استفاده کنید .
- ◀ ابتدا عنوان و موضوع مورد بحث را ارائه دهید و بعد داستان را بگویید و در آخر آنرا به نمایش درآورید .

### بازدید از صحنه های واقعی :

در این روش فراگیران قادر می شوند موقعیت های حقیقی را تجربه کنند و از نزدیک با آن آشنا شوند و آنرا تجربه نمایند . برای مثال اعزام راهیان نوره مناطق جنگی و مشاهده آثار و صحنه های باقیمانده از ۸ سال دفاع مقدس که این مسئله آنها را نسبت به مسایل دفاع مقدس آشنا می کند و اطلاعات و دانسته های آنها بطور عینی مرور می شود و آنها را درک می کنند .

همیشه از ارتباط صحنه های واقعی با تجربیات و آموخته های فراگیران و جامعه اطمینان حاصل کنید و از فراگیران انتظار داشته باشید بعداً بتوانند در جامعه بکار ببندند . بازدید از صحنه به فراگیران فرصت کسب تجربیات فراوانی از زندگی می دهد و می توانند اطلاعات خوبی جمع آوری نموده و با تلفیق و انطباق این اطلاعات جدید با دانش قبلی ، به درک واقعی موضوع برسند .

### مزایای این روش :

- ◀ ایجاد اعتماد به نفس بالا در فراگیران
- ◀ رویارویی فراگیران با مردم و واقعیت جامعه
- ◀ افزایش مهارت های عملی و ایجاد نگرش عمیق و بروز رفتارهای مطلوب
- ◀ تماس نزدیک و ملموس با واقعیت ها
- ◀ فراگیران با فعالیت و کار کردن انس می گیرند و تجربیات خود را وسعت می بخشند .
- ◀ ایجاد تشویق و علاقه در فراگیران نسبت به درس و تحریک و علاقه مندی در پذیرش بیشتر دانش و اطلاعات
- ◀ افزایش درک و فهم بهتر مشکلات و مسایل جامعه

### معایب این روش :

- ◀ گاهی امکان بازدید از صحنه های واقعی وجود ندارد .
- ◀ ترتیب دادن بازدید از صحنه ها وقت گیر و هزینه بر است و مشکلات زیادی من جمله هماهنگی، همکاری و مراقبت به همراه دارد .
- ◀ به علت آزادی این روش ممکن است فراگیران آن را جدی نگیرند .
- ◀ تعداد فراگیران کمی را می توان به همراه برد .
- ◀ دشواری در نقل و انتقال
- ◀ بازدید صحنه های مختلف ممکن است انتظارات زیادی را در مردم آن منطقه ایجاد کند
- ◀ دشواری ایجاد ارتباط میان اهداف آموزش و تجربیات حاصله در صحنه

◀ عدم سازماندهی و برنامه ریزی مناسب می تواند موجب اتلاف وقت، سرخوردگی فراگیران و خستگی و دلزدگی از آموزش شود .

◀ مسئولین و مردم حاضر در صحنه و منطقه ممکن است الویت ها و مشکلاتی را مطرح کنند که به اهداف آموزش و جامعه ارتباط نداشته باشد و موجب انحراف مسیر آموزش شود .

### افزایش توانمندسازی این روش :

- ◀ برنامه ریزی صحیح برای بازدیدها و حضور فعال مربیان و کمک مربیان
- ◀ فراگیران را در خلال بازدید از صحنه ها ، به دنبال کردن روش های دیگر آموزشی تشویق کنید .
- ◀ اهداف بازدیدها برای فراگیران و مسئولین جامعه روشن شود .
- ◀ فراگیران را برای جمع بندی پرسش و پاسخ هایی که در بازدید صحنه های واقعی پیش می آید کمک کنید .
- ◀ افراد که در صحنه حاضر هستند ( مردم ، مسئولین ، راهنماها ) را تشویق کنید که فراگیران را در جمع آوری اطلاعات کمک کرده و به سوالات آنها به روشنی پاسخ دهند .
- ◀ دیدار مجدد از صحنه ها به منظور پیگیری فعالیت های ویژه امکان پذیر باشد .
- ◀ خلاصه هایی از بازدید تهیه کنید تا فراگیران بتوانند بین ادراکات و یافته های خود با اهداف آموزشی رابطه برقرار کنند .
- ◀ قبل از اینکه به منطقه بروید ، نقشه محل مزبور و عکس و فیلم ( خصوصاً تصاویر هوایی ) تهیه کنید و برای فراگیران پخش کنید و یا جریان حادثه بوجود آمده را با استفاده از تصاویر برای آنها نمایش دهید و مسیر حرکت ذهنی آن ها را کاملاً هدایت و رهبری کنید .
- ◀ درباره آنچه اتفاق افتاده و آنچه که می توان انجام داد ، پس از مراجعت از منطقه و صحنه بازدید شده ، صحبت نمایید و از فراگیران بخواهید راه حل ارائه نمایند .

### پرسش و پاسخ

در این روش آموزشی ، مربی با پرسیدن سوالاتی از فراگیران و گرفتن پاسخ از آنها ، شرایط پویایی و یادگیری فعال را درکلاس ایجاد می نماید و بدین طریق می تواند بطور سریعی به بررسی وضعیت علمی و میزان یادگیری آنها پرداخته و می فهمد که فراگیران چه چیزهایی را می دانند و چه چیزهایی را نمی دانند . نکته جالب اینکه فراگیران همزمان که در سوال و جواب شرکت می کنند ، یاد می گیرند ولی نباید در جواب گرفتن عجله به خرج داد و فراموش نکنید که فراگیران برای شرکت در روش سوال و جواب باید احساس آزادی و آرامش نموده و نباید احساس کنند در صورت غلط بودن جواب مورد مواخذه قرار می گیرند .

هدف از این روش کمک و تشویق فراگیران به تفکر است و نباید روشی در پیش بگیریم که فراگیران دچار شرمساری شوند . درجریان سوال و جواب اگر مربی جواب سوالی را نمی داند ، قبول کند و بگوید نمی داند ولی بعداً وقتی جواب سؤال را پیدا کرد به آنها پاسخ دهد .

## مزایای این روش :

- ◀ افزایش سرعت یادگیری
- ◀ شروع خوب برای یک مباحثه
- ◀ هشیار سازی فراگیران نسبت به مطلب و موضوع کلاس
- ◀ سنجش یادگیری نسبت به آموخته ها و آنچه از قبل می دانند
- ◀ تشویق به تمرین کردن و مهارت‌های فکری
- ◀ مرور مفاد درسی
- ◀ تشویق فراگیران به مطالعه بیشتر

## معایب این روش :

- ◀ کناره گیری برخی از فراگیران عقب مانده از درس
- ◀ هدر رفتن زمان
- ◀ دلسردی و ناامیدی فراگیران در زمان پاسخ غلط
- ◀ خجالت کشیدن عده ای از فراگیران و ترس از تحقیر شدن
- ◀ طولانی شدن سوال و جواب و خارج شدن کلاس از کنترل مربی
- ◀ ارائه پاسخ های حدسی و بدون تفکر به سوالات و ایجاد شبهه در فراگیران

## توانمندسازی این روش :

- ◀ پیروی از یک الگوی مناسب برای سوال کردن از فراگیران ( از همه سوال شود )
- ◀ صبر و حوصله در زمان جوابگویی فراگیر
- ◀ جنبه های مثبت جواب را گرفته و فراگیر را تشویق کنید .
- ◀ تحسین رفتار فراگیر در زمان پاسخ درست و راهنمایی و تشویق در زمان تلاش به پاسخگویی
- ◀ سوالات را طوری طراحی کنید که به سمت چیزهایی که نمی دانند حرکت کنند .
- ◀ مربی نباید وانمود کند همه چیز را می داند و صداقت داشته باشد .
- ◀ بیش از حد از این روش استفاده نکنید ، پس از پاسخ فراگیران حتماً جواب صحیح و نهایی را به طور مختصر و مفید و قاطع ارائه کنید .



## آموزش چهره به چهره (face to face)

آموزش چهره به چهره جزء بهترین روشهای آموزش از نظر ایجاد تغییر رفتار در فراگیران می باشد. در این نوع آموزش مربی و آموزش گیرنده به طور مستقیم و رودر رو با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و فراگیر آزادانه اجازه صحبت، پرسش و ارائه نظر دارد. بزرگترین مزیت آموزشی انفرادی بودن آن است که می توان با افراد بحث و گفتگو کرد و آنها را تشویق نمود که رفتار خود را دگرگون سازند. آموزش انفرادی فرصتی پیش می آورد تا پرسشهایی در مورد علائق ویژه فراگیر مطرح شود. محدودیت آموزش انفرادی چهره به چهره آن است که شمار گیرندگان آموزشی محدود است و تنها کسانی آموزش می بینید که با آموزشگر در تماس باشند.

در آموزش چهره به چهره اصولی باید رعایت شود:

۱- احترام به فراگیر

۲- وقت کافی جهت مشکل مطرح شده از طرف فراگیر

۳- اجازه سوال به فراگیر در حین آموزش

۴- ارائه توصیه های مشخص و دقیق و مرتبط با شرایط فراگیر

۵- به کاربردن کلمات ملموس و متناسب با سطح سواد و درک فراگیر

۶- واضح و شمرده صحبت کردن و استفاده از افعال معلوم به جای افعال مجهول

۷- نگاه کردن به فراگیر هنگام صحبت کردن با او

۸- سوال از فراگیر به منظور کسب اطمینان از درک صحیح او از مطالب

۹- تعیین قرار ملاقات بعدی با فراگیر برای پیگیری مشکل او

مهارتهای پایه ای در آموزش چهره به چهره

الف- ارتباط غیر کلامی

ارتباط کلامی شامل تمام شیوه‌هایی است که مردم از طریق آن با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند که مقوله‌های اصلی ارتباط غیر کلامی عبارتند از :

۱. جهت‌یابی: قرارگیری مربی و فراگیر در جهت مناسبی برای انتقال دانش
۲. سطح: تفاوت در میزان ارتفاع بین فراگیر و مربی در انتقال دانش موثر است. بنابراین بنظر می‌رسد که مثلاً با یک کودک، در حالت هم‌قامت با او بهتر می‌توان گفتگو کرد
۳. حالت (ژست): وضعیت، چگونگی ایستادن و نشستن افراد را بیان می‌کند. حالت می‌تواند یک پیام اضطراب و یا حالت خوشحالی را منتقل کند.
۴. جلوه‌ظاهری: بدلیل پیامی که به فراگیران منتقل می‌کند دارای اهمیت است.
۵. بیان‌چهره: به وضوح احساساتی همچون شادی، خشم، تعجب و سردرگمی را نشان دهد.
۶. حرکات دست و سر: می‌تواند بطور واضحی توافق یا عدم توافق را بیان کند.
۷. جهت‌خیره‌شدن و تماس چشمی (eye to eye contact)

ارتباط غیر کلامی قلمرو بسیار جذاب و پیچیده‌ای است که مطالعات بیشتری را می‌طلبد.

#### ب- گوش کردن فعال

یک مهارت اساسی مورد نیاز مربیان، گوش کردن موثر به منظور آموزش بهتر به فراگیران و مراجعان است، گوش کردن یک فرایند فعال است و صرفاً شنیدن کلمات نیست. بعضی از کارها باعث انحراف از گوش دادن شنونده می‌شوند مثل قطع سخنان گوینده، تفکر در مورد یک تجربه مشابه، برنامه‌ریزی در مورد آنچه بعداً می‌خواهد بگوید. دعوت به صحبت کردن، توجه نشان دادن، تشویق کردن، انعکاس احساسات و معانی و جمع‌بندی از اصول، آموزشهای چهره به چهره می‌باشد که باید از طرف مربی و آموزش دهنده رعایت شود.

#### ج- ارتباط کلامی

همواره برای رسیدن به هدف گفتگو نیازمند متقاعد کردن و درک متقابل هستیم. برای آن که بتوانیم از عهده متقاعد سازی و رسیدن به درک متقابل در یک جلسه آموزشی برآیم این سه ویژگی دارای اهمیت بسیاری است:

۱. منش
۲. منطق
۳. شور و علاقه

۱- منش : حسی که شما آن را با نوع رفتار و عادات خود به مخاطب منتقل می کنید، یکی از بخشهای مهمی است که میتواند مخاطب را جلب کند. منش و نحوه برخورد می تواند زمینه مناسبی از اعتماد و اطمینان برای آغاز و ادامه گفتگو فراهم کند.

۲- منطق: روشی است که اندیشه هایمان به طور منظم روی آن سوار می شود.

۳- شور و علاقه : معمولاً نوعی تعهد و احساس است که در ارتباط برقرار کردن آنها را نشان میدهیم. اگر اندیشه و فکری در ما شور و حرارتی بر نیانگیزد، نمی توانیم انتظار داشته باشیم دیگران را نیز تحت تاثیر قرار دهد. اما فراموش نکنیم که شور و علاقه را نمیتوان جعل و یا به گونه ای تقلید کرد. هر چقدر این شور و علاقه مندی درونی تر باشد به نوعی مسری تر نیز هست.

### مزایای این روش :

۱. قابلیت بحث و گفتگو و تشویق
۲. طرح پرسشهای مورد علاقه
۳. محدودیت تعداد فراگیران
۴. انفرادی بودن
۵. دریافت بازخوراند
۶. پایش و ارزشیابی مناسب

### معایب این روش:

۱. وجود زمینه شکاف اجتماعی و فرهنگی بین فراگیران و مربیان
  ۲. گیرندگی محدود فراگیر، پریشانی فکر، عدم اهمیت به مسایل
  ۳. نگرش منفی نسبت به مربی و آموزش دهنده
  ۴. پیامهای متناقض
  ۵. عدم تاکید کافی مربی بر آموزش: کمبود اعتماد به نفس نسبت به مهارتها و دانش در مربیان ، بی حوصلگی مربیان و اکراه داشتن مربی در آموزش فراگیران
- وضعیت هائی که در ارتباط چهره به چهره با آن روبرو می شوید:

آمادگی و ذهنیت افراد از خود و فرد پیام دهنده نقش مهمی در برقراری ارتباط دارد و موجب ایجاد موقعیتهای مختلفی در پذیرش یا رد ارتباط میگردد. به عنوان مثال پذیرش پیام سلامت در خصوص مضرات سیگار از سوی فرد غیر سیگاری به مراتب موثرتر از فرد سیگاری است.

#### وضعیت اول: «من خوب هستم - تو خوب هستی»

این افراد احساس خوبی نسبت به خودش داشته و در کارش اعتماد به نفس دارد این یک وضعیت سالم، خوش بینانه و مطمئن است. پذیرش این است که مردم علی رغم اختلافات جرئی و ناکامی هایشان، اساساً خوب هستند (این گروه قابلیت پذیرش آگاهی و آموزش را دارد)

#### وضعیت دوم: «من خوب هستم - تو خوب نیستی»

افرادی که این وضعیت را اتخاذ می کنند اغلب از دیگران انتقاد می کنند و در حال تحقیر دیگران و سرزنش آنها می باشند. با این همه افرادی که مایلند کارها را برای دیگران انجام دهند نیز چنین حالتی را دارند.

#### وضعیت سوم «من خوب نیستم - تو خوب هستی»

افراد دارای این دیدگاه اغلب خود را دست کم می گیرند و در برابر سایرین احساس حقارت می کنند و در نتیجه بشدت افسرده شوند و براحتی آموزش پذیر می باشند.

#### وضعیت چهار «من خوب نیستم - تو خوب نیستی»

افراد دارای این دیدگاه، بسیار آسیب پذیر بوده و ممکن است قبلاً به مشکلاتی در سطوح بهداشتی و سلامت و مواجهه با اعتیاد به الکل و مواد مخدر یا بیماریهای مزمن دچار شده باشند. کار با آنها مستلزم هوشیاری است و لازم است که شخص آموزش دهنده بدانند چگونه با این گروه ارتباط برقرار کند تا ضمن ارائه آموزش مناسب از بازیچه قرار گرفتن در دست این گونه فرد اجتناب کند.

**فنون تد ریس**

واژه فن که معادل واژه تکنیک به کار رفته است در زبان فارسی به راه، روش، شیوه و مهارت معنی شده است. در امر تدریس مجموعه تمهیدات و وسایلی که به منظور ارائه روش و تسهیل روند یادگیری به کار می روند فن تدریس گفته می شود. فنون تدریس مهارتهایی هستند که در اجرای روشهای تدریس مورد استفاده قرار می گیرند. به عبارت ساده تر باید گفت هر یک از روشهای تدریس به کمک چند فن اجرا می گردد مثلا در روش سخنرانی از فنونی چون فن بیان تحریر و پرسش و پاسخ استفاده می شود. بنابر این مربی باید از فنون مختلف اطلاع داشته باشد و در بکار گیری آنها مهارتهای لازم را کسب کند.

در تدریس و مربی گری بعد از اصول اعتقادی و ارزشی دو عامل موثرند: یکی علم و دانش مربی و دیگری هنر او. منظور از علم تسلط داشتن به محتوای درسی و اطلاع کامل از نتایج تجارب صاحب نظرانو دست اندر کاران تعلیم و تربیت در گذشته و حال است و منظور از هنر ذوق و سلیقه و ابتکار عمل در انتقال مفاهیم درسی است و این همان مهارت بکارگیری فنون مختلف تدریس است.

مهمترین فنون تدریس عبارتند از:

فنون کلامی:

فن پرسش و پاسخ، فن بیان، فن تکلیف، فن تمرین، فن شروع درس، فن تشویق و تنبیه، فن مطالعه، فن برقراری انضباط، فن رشد بهداشت روانی، فن ارتباط، فن ارزشیابی، فن توضیح و جمع بندی.

فنون غیر کلامی:

حالت چهره، کوبیدن روی میز، حرکات مختلف مربی در کلاس.

به عنوان نمونه چند فن تدریس مختصرا توضیح داده می شود.

۱. فن پرسش و پاسخ:

هدف از این فن برانگیختن حس کنجکاوی، ایجاد علاقه، ایجاد تفکر خلاق در فراگیران، سنجش میزان کارآیی مربی و فراگیران، ارتباط دادن درس با تجارب قبلی فراگیران و مسایل روزمره زندگی، رفع یکنواختی در کلاس درس و تثبیت یادگیری می باشد. این فن در کلیه روشهای تدریس کاربرد دارد.

۲. فن تمرین:

در این فن مربی فراگیران را به تکرار یا کاربرد مفاهیم مورد نظر تشویق می کند تا تبحر کافی پیدا و عادت لازم را کسب کنند. این فن به صورت فردی یا گروهی قابل استفاده است.

۳. فن شروع درس :

مربی باید آمادگی ذهنی فراگیران را برای فراگیری موضوع جدید فراهم کند. شروع تدریس ممکن است با پرسش چند سوال از فراگیران یا اشاره مختصری به درس گذشته توسط خود مربی انجام شود.

۴. فن بیان : یکی از مهمترین ابزار کار مربی سخن گفتن و فن بیان است. صدای معلم باید از این ویژگیها برخوردار باشد.

الف : صدا باید رسا باشد.

ب : صدا باید دارای زیر و بم مناسب باشد و یکنواخت نباشد.

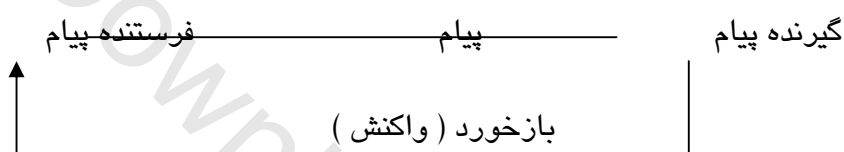
ج : کلمات باید به فارسی و سلیس باشد.

د : صدا باید با توجه به موقعیت و شرایط شمرده و در خور درک فراگیران باشد.

۵. فن ارتباط کلاسی :

همطور که می دانید در هر ارتباط ۴ عامل دخالت دارند که عبارتند از : پیام دهنده، پیام گیرنده ، پیام و بازخورد

( هرگز در کلاس متکلم وحده نباشید و اجازه دهید ارتباط دو طرفه باشد )



( نمایش ساده ارتباط و مکالمه )

۶. فن رشد بهداشت روانی در کلاس

مربی باید در کلاس محیطی به وجود آورد که فراگیران را جذب کند و فراگیران باید در انجام امور یادگیری افرادی منضبط و منظم به بار آیند نوعی ترس منطبق بر توان و تحمل خود را در این زمینه بپذیرند. د رجهت رشد بهداشت روانی معلم باید به نکات زیر توجه کند :

- شاد بودن در کلاس
- تاکید بر نقاط قوت فراگیران
- پرهیز از هر نوع تبعیض

- جلب همکاری والدین
- ایجاد اعتماد به نفسدر فراگیر
- درک نیازها و استعدادهای فراگیر
- کاربرد یافته های علمی در تعدیل رفتار فراگیران

۷. فن تشویق و تنبیه :

تنبیه گاعا موجب حذف یک رفتار نامطلوب می شود . تنبیه بدنی جایز نیست و باید متناسب با سن و کار اشتباه فراگیر صورت گیرد .

۸. فن برقراری انضباط :

عوامل بی نظمی در کلاس یا ناشی از رفتار مربی به صورت سرزنش کردن، تهدید، ایجاد تبعیض، عدم توجه به تفاوت های فردی و بی نظمی است و یا ناشی از رفتار فراگیر به صورت رفتارهای تهاجمی، رفتارهای کلامی نابجا و بی اعتنائی به دستورات مربی می باشد .

۹. فن جمع آوری مطالب

در پایان هر درس مربی باید با این فن و بیان رئوس مطالب با هدف نتیجه گیری از مطالب ، تمرکز حواس فراگیران بر مطالب درسی ، پایان دادن به کلاس و... جمع بندی به عمل آورد .

۱۰. فن ارزشیابی نهایی

ارزشیابی نهایی به منظور اطلاع از نقاط قوت و ضعف تدریس انجام می شود .

ماخذ: راهنمای تربیت مربی دفتر ارتباطات و آموزش سلامت معاونت سلامت وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی

## بخش دوم

اکرم سادات قربی

صفحه	عنوان
۲	پیشگفتار
۳	فصل اول - مفاهیم و واژه شناسی
۳۱	فصل دوم - ارتباط و اثر آن در فرایند تدریس
۳۷	فصل سوم - شناخت و تدوین هدفهای آموزشی
۴۳	فصل چهارم - الگوهای تدریس
۴۵	فصل پنجم - تحلیل آموزشی
۵۰	فصل ششم - محتوا و روش وسیله
۵۵	فصل هفتم - ارزشیابی
۶۶	فصل هشتم - پاور پوینت
۶۷	منابع و ماخذ

DownloadTest.ir



پرورش یا تربیت جریانی است منظم و مستمر که هدف آن هدایت رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، و اجتماعی و رشد همه جانبه شخصیت فراگیران در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعداد آنان است.

انسان موجودی متفکر و عالم است. او تنها موجودی است که قابلیت تعلیم آگاهانه را دارد و با ایمان به اصل فراشناخت (که یادگیری فی نفسه مطلوب است) در پی افزایش آگاهی و شناخت خویشتن است. در این مسیر عده ای فرادهنده هستند و به عنوان معلم و استاد به مبارزه با جهل می پردازند. عده ای فراگیر هستند و با آموختن دانش، افق روشنی فراروی خویش قرار می دهند. بدیهی است که آموزگاران جایگاهی والا و بالاتر دارند. در این چرخه ی علم و تعلیم و تعلم مسایلی چون فقدان اداره و تشکیلات صحیح برای بکار گرفتن منابع و استفاده از روش های کهنه و قدیمی برای آموزش و تعلیم نیز از موانع و مشکلاتی هستند که بر سر راه سیستمهای آموزشی قرار گرفته اند پاره ای از این مشکلات کمتر به معلمین مربوط میشوند. با این همه، از آنجایی که هر معلمی جزئی از یک سیستم آموزشی است بی تردید تأثیرات این موانع و مشکلات در کار او نیز مشهود خواهد بود. به همین دلیل لازم است که با راههای از میان بردن و یا لا اقل تخفیف آنها آشنا باشند. راههایی که به کمک آنها مسؤلان سیستم های آموزشی می توانند به جنگ بحران یاد شده بروند، فراوان و متفاوت هستند. پاره ای از این راهها معمولی و به اصطلاح سنتی هستند. به طور مثال معلمین را میتوان بهتر آماده تدریس نمود. در سالهای اخیر مسؤلان پاره ای از سیستم های آموزشی متوجه شده اند که بکار گرفتن طرق جدید تر و بهره مند شدن از فواید تکنولوژی آموزشی و روشهای نوین تدریس می تواند تا حدودی مارا در رفع مشکلات یاد شده یاری نماید.

طراحی آموزشی فرایندی پویاست و عناصر تشکیل دهنده آنها دائماً با یکدیگر در تعاملند. تعیین و تنظیم هدفهای کلی؛ تعیین محتوا، روش و وسیله؛ تحلیل و تعیین نظام ارزشیابی چهار مرحله اساسی در این فرایند هستند. اگرچه صاحب نظران و متخصصان طراحی آموزشی با بنیانی بودن این چهار مرحله موافقت، کسانی نیز با تقدم و تأخر آنها به ترتیبی که در این بخش مطرح شده چندان موافق نیستند. بعضی معتقدند که گزینش هدفهای کلی و تعیین محتوا باید با هم صورت بگیرد و برخی دیگر معتقدند که نظام ارزشیابی باید بلافاصله پس از تدوین هدفهای رفتاری تعیین شود؛ اما نکته قابل ذکر این است که هر یک از مرحله ها در مرحله پیشین و پسین خود و در نتیجه در کل فرایند تأثیر می گذارند. هدفهایی مناسب، کیفیت عناصر دیگر را مثل انتخاب محتوا، روشها، رسانه ها و نظام ارزشیابی متأثر می کند، چنانچه روش های آموزش نیز بر میزان تحقق هدفها اثر می گذارد. برای حصول اطمینان از مطلوب بودن طرح باید تأثیر دو یا چند جانبه عوامل را در طرح مورد توجه قرار داد و هنگام روبرو شدن با اشکال، به تحلیل تک تک آن عوامل پرداخت و آنها را اصلاح کرد.

اکنون که با ضرورت آگاهی از تکنولوژی آموزشی در حد مختصر آشنا شدیم، به بررسی کلیات روش تدریس یا همان تکنولوژی آموزشی می پردازیم. ابتدا با مفاهیم تخصصی این بحث آشنا می شویم و سپس به تحلیل آموزش می پردازیم و نوشتار را با مهارت های معلم قبل از تدریس و ضمن تدریس و پس از تدریس پی می گیریم. و سپس به معرفی نحوه کاربرد مواد و تجهیزات خواهیم پرداخت.

چهارچوبها و راهبردهای ارائه شده در این کتاب سر مشق مفیدی برای تدریس منظم مهارتها و تواناییهای تفکر و نیز تجزیه و تحلیل سازه هایی که تفکر را شکل می دهند در فرایند تدریس محتوا های مختلف آموزشی است. امید است مطالعه و به کار گیری این مجموعه موجب رضایت مدرسین واقع شود.

اکرم سادات قربی

مردادماه ۱۳۹۴

## فصل اول

### مفاهیم و واژه شناسی

در هر مقوله‌ی علمی و تخصصی آشنایی با واژه‌های تخصصی ضروری است، زیرا در طول فعالیت علمی با این واژه‌ها به گونه‌ای کاربردی سروکار داریم. در روش تدریس نیز آشنایی با واژه‌های زیر ضرورت دارد:

۱. روش: تلاش برنامه‌ریزی شده جهت دستیابی به مطلوب را روش گویند. بنابراین اگر تلاشی بدون برنامه‌ریزی صورت گیرد، آن کار روشمند نخواهد بود. همچنین برنامه‌ریزی بدون تلاش و کوشش جهت دستیابی به مطلوب نیز تحت مقوله‌ی روش‌ها قرار نمی‌گیرد.

۲. تدریس: فعالیت دوجانبه یا کنش متقابل را بین فرادهنده و فراگیر با هدف یادگیری تدریس گویند. نکته‌ی اساسی این نوع فعالیت، دو جانبه بودن آن است که روانشناسی ارتباط، زمینه‌ساز این مسأله خواهد بود. گفته شده است، مجموعه‌ی اعمال سنجیده‌ی منطقی و پیوسته که معلم به منظور آرایه درس انجام می‌دهد، فرآیند تدریس نامیده می‌شود.

۳. یادگیری: فرآیندی است که به موجب آن تغییرات نسبتاً پایدار و مبتنی بر تجربه و آگاهانه انجام می‌شود. از آنجا که اساس آموزش و پرورش را یادگیری تشکیل می‌دهد، در مبحثی جداگانه به آن خواهیم پرداخت و عوامل، موانع و مراحل آن را بیان خواهیم کرد.

۴. انگیزش: مهارت و قدرت معلم در توانایی برانگیختن فراگیر را انگیزش می‌گویند، کلید یادگیری، انگیزش است و هنر معلم در ایجاد انگیزه مندی بین فراگیران نمود می‌کند. مفهوم انگیزش را آن‌گاه به کار می‌بریم که می‌خواهیم از علت یا علت‌ها یا تعیین‌کننده رفتارها یا رفتارهای شخصی و یا گروهی بحث کنیم و دریابیم که چه عامل درونی و برونی باعث پیداشدن چنان رفتار و یا باعث هدایت آن رفتار شده است.

### تعریف تدریس

از تدریس، همانند یادگیری، تعریف‌های متعددی ارائه شده است. بعضی تدریس را " بیان صریح معلم درباره آنچه باید یاد گرفته شود " می‌دانند و گروهی دیگر تدریس را " هموزی متقابل می‌دانند که بین معلم و شاگرد و محتوا در کلاس درس جریان دارد. " گروه زیادی از مربیان، متخصصان تعلیم و تربیت " فراهم آوردن موقعیت و اوضاع و احوالی که یادگیری را برای شاگردان آسان کند " تدریس نامیده‌اند. از بررسی مجموعه تعاریف ارائه شده در این زمینه می‌توان نتیجه گرفت که تدریس یک فعالیت است. اما نه هر نوع فعالیتی، بلکه فعالیتی که آگاهانه و بر اساس هدف خاصی انجام می‌گیرد، فعالیتی که بر پایه وضع شناختی شاگردان انجام می‌پذیرد و موجب تغییر آنان می‌شود. عمل تدریس یک سلسله فعالیت‌های مرتب، منظم، هدفدار و از پیش طراحی شده است؛ فعالیتی که هدفش ایجاد شرایط مطلوب یادگیری است، فعالیتی که به صورت تعامل و رفتار متقابل بین معلم و فراگیر جریان دارد. این تعریف دو ویژگی خاص برای تدریس مشخص می‌کند:

۱- وجود تعامل یا رابطه متقابل بین معلم و شاگرد

## ۲- هدفدار بودن فعالیت های معلم

بنابراین، اگر فعالیت معلم در کلاس به صورت رفتار متقابل و بر اساس هدف خاص صورت نگیرد به هیچ وجه مفهوم تدریس به آن اطلاق نخواهد شد. ممکن است معلمی در کلاس درس صحبت کند یا تمرین حل کند، اما به مفهومی واقعی، تدریس نداشته باشد؛ زیرا به فعالیت های پراکنده و یک جانبه معلم که هیچ گونه تغییری در شاگردان ایجاد نکند، تدریس گفته نمی شود. تحقیق، اکتشاف، بررسی و پژوهش، آزمایش و خطا، گوش کردن و خواندن، همه تجربه های متفاوتی هستند که منجر به یادگیری می شوند و ممکن است در فرایند تدریس اتفاق بیافتند، ولی شرایط لازم برای کسب چنین تجاربی یکسان نخواهد بود. به طور کل توجه به سه نکته زیر در جریان تدریس لازم و ضروری است:

### ۱- تدریس باید هدف داشته باشد

۲- روش تدریس باید متناسب با هدف و مقصود باشد، یعنی بیان کننده آن چیزی باشد که قرار است یاد گرفته شود.

۳- مفاهیم به طریقی ارائه شود یا شرایط تغییر به طریقی فراهم گردد که مطابق فهم و توانایی شاگردان باشد.

## محتوای درس

محتوای درس دربرگیرنده نیازهای معین و خاصی از شاگردان است که معلم باید هنگام طراحی برنامه درسی و انتخاب روش تدریس در نظر داشته باشد.

تجزیه و تحلیل محتوای درس و ساخت برنامه درسی

هدف های کلی تدریس را می توان به اهداف جزئی تجزیه کرد. در چنین حالتی فرد نه تنها می تواند به هدف کلی برسد، بلکه احتمالاً می تواند به هدف های مختلف دیگر نیز ارتباط آنها با اهداف کلی است دست یابد که این مطلب در تهیه برنامه درسی قابل توجه است.

## کنش های تدریس

در عمل تدریس، با توجه به ویژگی های فراگیران، کنش های معینی وجود دارد. بدین معنی که تدریس بر جریاناتی که در فراگیران رخ می دهد اثر می گذارد. این کنش ها را می توان از طریق تحقیق و بررسی کشف و تعیین کرد.

۶ شرط لازم و ضروری (کنش تدریس) که باید در جریان تدریس در نظر گرفته شوند به شرح زیر می باشد:

۱- انگیزش : یکی از نکات بسیار مهم در یادگیری ، وجود محرک برای یادگیری است . اگر شاگرد انگیزه ای برای یادگیری نداشته باشد به ندرت یاد خواهد گرفت .

۲- اطلاعات : یکی از اهداف تدریس ، کسب اطلاعات توسط شاگردان است . اطلاعات ممکن است به اشکال مختلف عنوان شود ، مانند دانش و آگاهی در مورد موضوعات مختلف ، اعمال و فرآیندها ، تدابیر عملی و سرانجام حل مساله ، شاگرد باید برای دریافت اطلاعات آمادگی و دقت لازم را دارا باشد .

۳- به جریان انداختن اطلاعات ( پردازش داده ها ):

اطلاعات کسب شده توسط شاگردان باید در سه مسیر جریان یابند :

الف - تمام اطلاعات بدست آمده باید روشن و آشکار باشند .

ب - شاگرد باید قادر به تجزیه اطلاعات جدید به قسمتهای کوچکتر و ترکیب این قسمت ها با هم نیز بازسازی اطلاعات اصلی و اولیه باشد .

ج - شاگرد باید از طریق مقایسه قسمت های کوچکتر با هم ، نسبت به ساخت و ترکیب اطلاعات جدید بینش و شناخت پیدا کند تا از اطلاعات ، یک ساخت کلی دریافت و کشف کند .

۴- ذخیره سازی و اصلاح مجدد :

شاگرد باید از طریق کشف تشابه ها و تفاوت ها و یکپارچگی اطلاعات جدید و قدیم ساختی جدید به وجود آورد یا ساخت قبلی را اصلاح کند .

۵- انتقال اطلاعات : شاگردان باید قادر باشند آنچه را آموخته اند به موارد و مسائل جدید انتقال دهند . منظور از انتقال کاربرد قانون اصل یا قاعده در فرآیند فعالیت جدید و یا مقایسه میان اطلاعات و بیان آن ها در موارد خاص می باشد .

### کاربرد کنش های تدریس

۱- کنش تدریس برای برانگیختن مطالعه و تحقیقی که دارای آثار و پیامدهای تعلیم و ترتیب باشد بسیار مفید است . بودن کنش های تدریس ، امکان یادگیری در مدرسه وجود نخواهد داشت . شناخت کنش های تدریس نه تنها در نوع و فعالیت معلمان مؤثر است بلکه در به کارگیری مواد آموزشی ، شرایط تدریس و نوع فعالیت شاگردان تاثیر خواهد داشت .

۲- کنش های تدریس در طراحی آموزشی ، کاربرد مؤثر دارد .

۳- از کنش های تدریس می توان در انتخاب روش ها و شیوه های تدریس استفاده کرد .

## تعریف یادگیری

یادگیری را مهارتهای خاصی می دانند و عده ای دیگر آن را انتقال مفاهیم علمی از فردی به فرد دیگر تصور می کنند. در این تعاریف مربی یا معلم نقش اساسی دارد و شاگرد چندان فعالیتی از خود نشان نمی دهد که باعث اختلال در امر یادگیری معنی دار میشود. رفتارگرایان یادگیری را تغییر در رفتار قابل مشاهده و اندازه گیری تعریف می کنند و از دیدگاه مکتب گشتالت یادگیری کسب بینشهای جدید یا تغییر در بینشهای گذشته است. آنچه در این دو تعریف مشترک است بحث تغییر است. کاملترین تعریفی که تا کنون از یادگیری توسط هیلگارد و مارکوئیز ارائه شده عبارت است از فرآیند تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد بر اثر تجربه. آنچه این تعریف را متمایز کرده است در بر گرفتن موضوعات فرآیند، تغییر، نسبتاً پایدار، رفتار بالقوه و تجربه است که مختصراً هر کدام را تحلیل می کنیم.

۱- یادگیری یک فرآیند است چون مانند فرآیند، بر اثر تعامل دائم فرد با محیط، همیشه و در همه جا به طور پیوسته و مستمر صورت می گیرد. ۲- یادگیری نوعی تغییر است اما نه هر تغییری بلکه تغییری که بتدریج حاصل شود و نسبتاً ثابت و پایدار باشد. تغییرات و رفتار موردی، لحظه ای و تصادفی به هیچ وجه یادگیری نامیده نمی شود. ۳- بالقوه بودن عمل یادگیری اشاره به این موضوع دارد که همیشه یادگیری به یک رفتار بالفعل تبدیل نمی شود و قابل اندازه گیری نیست. ۴- یادگیری محصول تجربه است (تأثیر متقابل فرد و محیط در یکدیگر) در واقع در این فرآیند کل شخصیت فرد در تمام ابعاد خود در فرآیند تعامل قرار می گیرد و تغییر پیدا می کند.

## تفاوت بین تدریس و یادگیری

تدریس و یادگیری دو فرآیند جدا هستند و هر کدام باین نظریه خاص خود را داشته باشند. یادگیری در همه جا و همیشه و حتی بدون تدریس صورت نخواهد گرفت. از طرف دیگر هر تدریسی نیز همیشه منجر به یادگیری نخواهد شد. نظریه های یادگیری تبیین کننده چگونگی یادگیری و توصیف کننده شرایطی است که با حصول آن ها یادگیری می گیرد، در حالی که نظریه های تدریس باید بیان کننده، و پیش بینی کننده و کنترل کننده موقعیتی باشد که در آن، رفتار معلم موجب تغییر رفتار شاگرد می شود. برونر در بحث درباره تفاوت نظریه های تدریس و یادگیری، نظریه های یادگیری را توصیفی و نظریه های تدریس را تجویزی می خواند. یاد دادن عبارت است از واداشتن دیگران به توجه و مشاهده، ایجاد ارتباط، به یاد آوردن و سرانجام استدلال کردن. برای درس دادن، کوشش کمتری نسبت به یاد دادن صرف می شود، چنانچه صحبت کردن با مردم آسانتر از علاقمند کردن آنها به صحبت های ماست، به نمایش درآوردن یک مهارت ساده تر از تزیین آن در افکار دیگران است.

## تفاوت بین یادگیری و عملکرد

عملکرد تجلی تغییرات ناشی از یادگیری در قالب رفتارهای آشکار شده و قابل مشاهده، به عبارتی تبدیل رفتار بالقوه به رفتار بالفعل است. لازم به ذکر است که عملکرد شاخصی است که گاه یادگیری را به درستی و نسبتاً واقعی و گاه به طریق نادرست نشان می دهد. ارزشیابی و عملکرد بندرت یادگیری شاگردان را به تمامی منعکس می کند. با چنین محدودیتی تنها راه اندازه گیری میزان یادگیری، مقایسه رفتار یادگیرنده پیش از تجربه و پس از آن است که اگر این رفتار گویای تغییر باشد یادگیری صورت گرفته است. باید توجه داشت تا حالت طلب و کشش و نیاز به یادگیری در یادگیرنده بوجود نیاید یادگیری به وقوع نمی پیوندد.

## عوامل مؤثر در یادگیری

یادگیری زمانی برای شاگرد مفید خواهد بود که :

۱- از هر نظر آمادگی لازم را داشته باشد. برای شاگردی که برای نوشتن، اعصاب و عضلات دست و انگشتانش به قدر کافی رشد نکرده باشد یا شاگردی که دلهره و اضطراب و پریشانی فکرداد و یا شاگردی که رشد و آمادگی ذهنی کافی نداشته باشد و غیره، تدریس و فعالیت معلم تأثیری در یادگیری اش ندارد.

۲- انگیزه و هدف:

یادگیری نیازمند انگیزه های متفاوتی است از جمله میل و رغبت شاگرد به آموختن که در واقع این میل و رغبت محرکی است که نیروی فعالیت را افزایش می دهد. یکی دیگر از عوامل ایجاد انگیزه هدف است که به فعالیت انسان جهت و نیرو می دهد. برای اینکه در مدارس یادگیری شاگردان عمیقتر و مؤثرتر باشد، هدفهای تربیتی باید انعکاسی از احیاجات و تمایلات شاگردان باشد و به طور مشخص و واضح بیان شود. مشخص بودن هدفها در مدرسه، سبب هماهنگی بین فعالیتهای معلم و شاگرد می شود.

۳- تجارب گذشته

آموخته ها و تجربه های گذشته شاگرد، ساخت شناختی وی را تشکیل می دهد. فرد زمانی می تواند مفاهیم مسائل جدید را درک کند که مفهوم و مسأله جدید با ساخت شناختس او مرتبط باشد. در واقع فرآیند یادگیری همچون روند رشد، جریانی است که تجارب گذشته پایه و اساس وضع فعلی را تشکیل می دهد.

۴- موقعیت و محیط یادگیری

موقعیت یادگیری و محیط آن از عوامل بیار مؤثر در یادگیری است. در مدرسه ای که دارای فضای مناسب، کتابخانه و منابع مختلف آموزشی می باشد و محیط از نظر عاطفی و روانی سالم باشد و محبت و احترام متقابل رعایت شود، یادگیری آسانتر و عمیقتر صورت می گیرد. ناگفته نماند که محیط و موقعیت یادگیری باید متناسب با آمادگی، استعداد، نیاز و گرایش شاگردان باشد. باعث برانگیختن و ایجاد سؤال در ذهن او و توانمند ساختنش جهت حل مسأله گردد.

۵- روش تدریس معلم

موقعیت و امکانات و تجهیزات موقعی می تواند در یادگیری مؤثر باشد که معلم محیط و امکانات آموزشی را سازماندهی کند و موقعیت آموزشی مناسب را بوجود آورد و با شناخت استعداد، علایق و توانایی شاگردان، آنان را در طریق صحیح یادگیری هدایت کند که چنین نقشی به دانش و اعتقادات معلم بستگی دارد. معلم بایستی با نظریه های و اصول یادگیری آشنا باشد و در تدریس، انتقال واقعیتهای علمی نداند بلکه بایستی بتواند فرصت حرکت و جنبش را به دانش آموز بدهد و به جای انتقال اطلاعات، روش کسب تجربه را به شاگردان بیاموزد و بداند که یادگیری بدون تلاش و فعالیت و تعامل با محیط صورت نخواهد گرفت.

جهت دانلود بسته جامع استخدامی آموزش و پرورش برای آموزگار ابتدایی و سایر خوشه های شغلی به وبسایت دانلود تست - [downloadtest.ir](http://downloadtest.ir) مراجعه کنید.

## ۶- رابطه کل و جزء

طبق نظر گشتالت، در فرآیند یادگیری حرکت از کل به جزء، یادگیری بهتر و فهم مطلب آسانتر می شود. طرح یا کل قابل انتقال و تعمیم است اما اجزاء و کیفیت خاص آنها این خصوصیت را ندارند. کل عبارت است از نحوه ارتباط و پیوند اجزاء با هم و تا این ارتباط مشخص نشود، اجزاء قابل فهم نیستند. معلم در تدریس خود بایستی در حد امکان، ابتدا مطالب درسی را بصورت کل بیان کند و ارتباط اجزاء با کل را مشخص کند و پس از آن به بررسی و تحلیل اجزاء بپردازد.

## ۷- تمرین و یادگیری

تأثیر تمرین و تکرار در فرآیند یادگیری انکار ناپذیر است ولی کیفیت اجرای تمرین، مقدار و زمان آن نقش بسیار مهمی در تثبیت یا عدم تثبیت رفتار دارد. تمرین و تکرار مؤثر باید شرایط و ویژگی خاصی داشته باشد. از جمله اینکه باید منظم و مرتب و طول دوره های آن مناسب باشد و در شرایط واقعی و طبیعی انجام پذیرد.

## نظریه های یادگیری

نظریه: عبار است از تعبیر و تفسیر حوزه یا جنبه ای از شناخت.

۱- نظریه هایی با جنبه فلسفی: انتظام ذهنی، شکوفایی طبیعی و اندریافت که متکی به روش درون نگری است.

۲- نظریه های معاصر: نظریه شرطی (رفتارگرایی)،

۳- نظریه شناختی

-نظریه شرطی: این شامل نظریه های پاولف، واستون، ثرندایک و اسکینر است که یادگیری را در ایجاد و تقویت رابطه و پیوند بین محرک و پاسخ در سیستم عصبی انسان می دانند. این نظریه پردازان معتقدند در فرآیند یادگیری، ابتدا وضع یا حالتی در یادگیرنده اثر می کند، سپس او را وادار به فعالیت می نماید و در واقع یادگیری عبارت از ارتباط بین محرک (S) و پاسخ (R) است.

-نظریه شناختی: صاحبان این نظریه (گشتالت، پیاز، برونر، آزوبل و بلوم و...) یادگیری را ناشی از شناخت، ادراک و بصیرت می دانند. از نظر این افراد یادگرفته های جدید فرد با ساختهای شناختی قبلی او لقیق می شود. بنابراین به معلمان توصیه می شود که محیطهای آموزشی را به گونه ای سازماندهی کنند که شاگردان بتوانند به بصیرت و اکتشافات جدید دست یابند.

## تفاوت بین نظریه های شناختی و نظریه های شرطی

۱- رفتارهایی را که از ترکیب اجزاء کوچکتر یا جنبشهای عضلانی بوجود می آیند، میانجی های پیرامونی و واسطه های عقیدتی خاص شناختی را، میانجیهای مرکزی نامیده اند. نظریه پردازان شرطی معقدند میانجیهای پیرامونی سبب یادگیری است ولی نظریه پردازان شناختی، یادگیری را تأثیر پذیر فرآیندهای مرکزی مغز از قبیل خاطره ها و انتظارها (میانجیهای مرکزی) می دانند.

۲- پیروان نظریه شرطی یادگیری را نتیجه عادت می دانند در حالی که پیروان نظریه شناختی معقدند که یادگیری در نتیجه کسب ساختهای شناختی حاصل می شود.

۳- در نظریه شرطی، یادگیرنده برای حل مسأله آن دسته از عادهای قبلی خود را که مناسب برای حل مسأله تازه هستند، انتخاب می کند و اگر نتوانست راه حل را پیدا کند به کوشش و خطا روی می آورد و با استفاده از خزانه ی پاسخ خود (تجربیات) پی در پی پاسخهایی را ارائه می دهد تا سرانجام مسأله را حل کند در حالی که پیروان نظریه شناختی علاوه بر موارد فوق معتقدند که فرد برای حل مسأله نیازمند درک روابط اساسی نهفته میان اجزاء و کل است و تجربه های قبلی نمی تواند ضامن موفقیت او در حل مسأله باشد. قابل توجه است که هیچ کدام از دو نظریه ی ذکر شده به تنهایی نمی توانند در امر یادگیری مفید باشند.

## آشنایی با اهداف آموزشی

معلم نیز همچون هر فرد هدفمندی باید پیش از ورود به عرصه ی تدریس و آموزش، اهداف خود را مشخص کرده، با برنامه ریزی صحیح و دقیق مشغول تدریس شود. از این رو، ابتدا باید با اهداف آموزشی آشنایی کامل داشته، سپس آنها را تعیین کند.

اهداف آموزشی ماهیتاً مثبت هستند، زیرا آموزش به ویژه در کشور ما برای «انسان سازی» و «تربیت نیروهای مثبت» صورت می گیرد. اهداف آموزشی را می توان به سه دسته تقسیم نمود:

الف) هدف کلی

ب) اهداف جزئی یا مرحله ای

ج) اهداف رفتاری

**هدف کلی:** عبارت است از این که فراگیر کلیه ی معلومات و توانایی هایی را که در آغاز دوره ی آموزش فاقد آنها بوده، در پایان آموزش فراگیرد. این هدف قابل اندازه گیری نبوده و بسیار کلی است

هدفهای کلی آموزشی اهدافی هستند که در پایان یک دوره آموزشی تحقق یابند. و معمولاً به صورت عبارتهای کلی مطرح می شوند. این اهداف دلی دوره قابل ارشیابی نیستند. با افعال کلی تدوین می شوند مانند: یاد بگیرد، آشنا شود، بفهمد، بداند و.....

دانشجو مهارتهای مقدماتی بالینی را کسب نماید



روشهای پیشگیری از بارداری را بشناسد

با آناتومی تنه آشنا شود

و سایر افعال کلی مانند: لذت بردن دانستن

آشنا شدن فهمیدن

ارزشگزاری درک کردن

تصدیق کردن کسب کردن

دوست داشتن باور کردن

تمایل داشتن قدردانی کردن

از عهده بر آمدن فکر کردن

بشناسد

### اهداف جزئی یا مرحله ای: تبدیل هدفهای کلی به اهداف میانی

هدفهای میانی از هدفهای کلی سرچشمه میگیرند، اما نسبت به آنها محدود تر و مشخص تر، و نسبت به هدفهای عینی جامعیت و شمول بیشتری دارند.

### اجزاء مختلف فرمولاسیون فرآورده های دارویی

#### آناتومی دستگاه تنفس

عبارت است از مسیرها و مواردی که برای رسیدن به هدف کلی آموزش و به عنوان پیش نیاز باید پیموده شود. و پله هایی است که فراگیر باید پشت سر گذارد تا به یادگیری موردنظر برسد. برای مثال، وقتی هدف ما آموزش جمله سازی به کودک است، یکی از اهداف جزئی آموزش، کلمه می شود و هدف جزئی تر، آموزش حروف. بنابراین، هدف کلی معلم ایجاد یادگیری یک موضوع و یا متن خاص است و اهداف جزئی او که سلسله مراتب دارد، ایجاد یادگیری و یا ارزشیابی برای یادگیریهای پیشین فراگیر نسبت به پیش نیازهای همان موضوع است

#### اهداف رفتاری:

### تبدیل هدفهای جزئی به هدفهای عینی و قابل مشاهده

هدفهای آموزشی عینی به آن دسته از هدفها گفته می شود که نوع رفتار و قابلیت‌هایی را که انتظار داریم دانش جو پس از یک فعالیت آموزشی به آنها برسند، مشخص می کنند. اولین پیش نیاز برای نوشتن یک هدف عینی صراحت و قابل فهم بودن آن است، برای نوشتن هدفهای عینی باید از افعالی استفاده کرد که نتوان بیش از یک معنا از آنها استنباط کرد.

تحلیل کردن

صحبت کردن

پیش بینی کردن

فهرست کردن

تعیین کردن

انتخاب کردن

توضیح دادن

نوشتن

مجزا کردن

محاسبه کردن

استنباط کردن

آزمایش کردن

تقسیم کردن

کشیدن

عبارت است از اعمال، رفتارها، حرکات و آثاری که قابل مشاهده، شنیدن و لمس کردن هستند و می توان آنها را سنجید. در واقع تغییراتی که معلم انتظار دارد در آغاز هر درس و قبل شروع هر درس جدید و یا پس از پایان آموزش در رفتار دانش آموز مشاهده کند. به عبارت دیگر، رفتارهای عینی و قابل اندازه گیری که در رفتار فراگیر مشاهده می شود.

### ویژگی های هدفهای عینی خوب تعریف شده

۱- رفتار مورد انتظار باید صریح دقیق و قابل مشاهده باشد.

۲- موقعیتی که رفتار باید در آن مشاهده شود(انجام گیرد) مشخص شده باشد.

۳- سطح اجرا(درجه موقعیت) باید دقیقاً مشخص باشد.

ترکیبات پیشتاز گلیکوزیدها را نام ببرد

عوارض و فواید مینی پیل را مقایسه کند.

معرفها و واکنشهای مهم را لیست کند

عروق اصلی قلب را بر روی مو لاژ نشان دهد.

خواص فیزیکی و شیمیایی گلیکوزیدها را شرح دهد

PID را تعریف نماید.

برخی از روانشناسان تربیتی اهداف را به دو بخش کلی و رفتاری (عینی) تقسیم می کنند، ولی تقسیم بندی فوق دقیق تر است . پس از تعیین اهداف آموزشی، یک معلم موفق باید گام هایی جهت طراحی آموزش و تحلیل بردارد و آنها عبارتند از:

۱. تبدیل هدف کلی به اهداف جزئی (مرحله ای) آموزشی.

۲. تبدیل اهداف جزئی به هدف های رفتاری.

۳. تعیین نوع ارتباط بین هدف کلی و اهداف جزئی.

۴. تعیین رفتار ورودی فراگیران و آگاهی از مهارت هایی که آنان از قبل داشتند.

۵. ارزشیابی جهت سنجش رفتار خروجی، یعنی آگاهی های جدیدی که برای آنها ایجاد شده است.

به نظر می رسد معلمان متعهد و متدین دو هدف کلی و ان تحلیل آموزشی در سه حوزه ی محتوا، ابزار و روش

روش تدریس از محدوده ی علوم «روش شناختی» است که بیشتر جنبه ی کاربردی دارد و براساس خلاقیت و نوآوری فرادهنده شکل می گیرد، اما در نوشتار حاضر مواردی جهت بهینه سازی تدریس مطرح می شود که حاصل تجارب مدرّسان موفق بوده و با قوانین کلی علمی و عقلی سازگار است. از جمله موارد مهم در امر تدریس «تحلیل آموزش» است به این معنا که معلم پیش از آغاز سال تحصیلی در سه نکته ی مهم و اساسی متمرکز شده و مطابق آ تحلیل آموزشی در سه حوزه ی محتوا، ابزار و روش

روش تدریس از محدوده ی علوم «روش شناختی» است که بیشتر جنبه ی کاربردی دارد و براساس خلاقیت و نوآوری فرادهنده شکل می گیرد، اما در نوشتار حاضر مواردی جهت بهینه سازی تدریس مطرح می شود که حاصل تجارب مدرّسان موفق بوده و با قوانین کلی علمی و عقلی سازگار است. از جمله موارد مهم در امر تدریس «تحلیل آموزش» است به این معنا که معلم پیش از آغاز سال تحصیلی در سه نکته ی مهم و اساسی متمرکز شده و مطابق آنها برنامه ریزی کند:

الف) تحلیل محتوای متن آموزش و تنظیم و دسته بندی مطالب براساس محتوا و زمان.

ب) تحلیل ابزار کمک آموزشی با توجه به امکانات موجود و محتوای موردنظر.

ج) تحلیل روش تدریس با توجه به شناخت سطح مخاطب، زمان تعیین شده و محتوای آموزش.

از مجموعه ی این عملیات در روانشناسی تربیتی و فنون تدریس با عنوان «مهارت های پیش از تدریس» یاد می شود. معلم با بررسی محتوا و ابزار کمک آموزشی موجود و متناسب با محتوا و انتخاب روش تدریس متناسب با محتوا و ابزار موجود می تواند سال تحصیلی را با اعتماد و اطمینان کامل آغاز کرده، از ابتدای دوره ی آموزش به رفع نواقص آن بپردازد.

در مورد تحلیل محتوایی باید به دو نکته ی اساسی توجه شود:

۱. بررسی محتوای متن آموزشی و تنظیم مطالب براساس تقدّم و تأخّر و سختی و آسانی مفاهیم.

۲. زمان بندی منطقی با توجه به محتوای مذکور (با در نظر گرفتن تعطیلی های رسمی) و هماهنگی با برنامه های کلان در سیستم آموزشی مؤسسه ی مربوط.

پس از آن که متن آموزشی در مورد تحلیل قرار گرفت، به ابزار کمک آموزشی می پردازیم. در سطوح پایین تحصیلی بیشتر از ابزار سمعی - بصری استفاده می شود و با توجه به نوع درس، ابزار آن نیز متفاوت می شود. لوح های آموزشی، فیلم ها و عکس های

آموزشی، اردوها و... می توانند ابزار کمک آموزشی ما باشند که با توجه به سطح علمی مخاطب و امکانات مؤسسه ی آموزشی انتخاب می شوند.

در بخش تحلیل روشی باید به انواع روش های تدریس اعم از روش های کهن و نو آشنا بوده، با در نظر گرفتن موقعیت سنی فراگیران و نوع متن آموزشی، روش متناسب و شایسته ای را انتخاب کرد

نها برنامه ریزی کند:

الف) تحلیل محتوای متن آموزش و تنظیم و دسته بندی مطالب براساس محتوا و زمان.

ب) تحلیل ابزار کمک آموزشی با توجه به امکانات موجود و محتوای موردنظر.

ج) تحلیل روش تدریس با توجه به شناخت سطح مخاطب، زمان تعیین شده و محتوای آموزش.

از مجموعه ی این عملیات در روانشناسی تربیتی و فنون تدریس با عنوان «مهارت های پیش از تدریس» یاد می شود. معلم با بررسی محتوا و ابزار کمک آموزشی موجود و متناسب با محتوا و انتخاب روش تدریس متناسب با محتوا و ابزار موجود می تواند سال تحصیلی را با اعتماد و اطمینان کامل آغاز کرده، از ابتدای دوره ی آموزش به رفع نواقص آن بپردازد.

در مورد تحلیل محتوایی باید به دو نکته ی اساسی توجه شود:

۲. بررسی محتوای متن آموزشی و تنظیم مطالب براساس تقدّم و تأخّر و سختی و آسانی مفاهیم.

۲. زمان بندی منطقی با توجه به محتوای مذکور (با در نظر گرفتن تعطیلی های رسمی) و هماهنگی با برنامه های کلان در سیستم آموزشی مؤسسه ی مربوط.

پس از آن که متن آموزشی در مورد تحلیل قرار گرفت، به ابزار کمک آموزشی می پردازیم. در سطوح پایین تحصیلی بیشتر از ابزار سمعی - بصری استفاده می شود و با توجه به نوع درس، ابزار آن نیز متفاوت می شود. لوح های آموزشی، فیلم ها و عکس های آموزشی، اردوها و... می توانند ابزار کمک آموزشی ما باشند که با توجه به سطح علمی مخاطب و امکانات مؤسسه ی آموزشی انتخاب می شوند.

در بخش تحلیل روشی باید به انواع روش های تدریس اعم از روش های کهن و نو آشنا بوده، با در نظر گرفتن موقعیت سنی فراگیران و نوع متن آموزشی، روش متناسب و شایسته ای را انتخاب کرد

سانی دارند:

الف) پاسخگویی به نیازهای فطری فراگیران.

ب) ایجاد یادگیری و آشنا ساختن فراگیران با دانش روز.

### تحلیل آموزشی در سه حوزه ی محتوا، ابزار و روش

روش تدریس از محدوده ی علوم «روش شناختی» است که بیشتر جنبه ی کاربردی دارد و براساس خلاقیت و نوآوری فرادهنده شکل می گیرد، اما در نوشتار حاضر مواردی جهت بهینه سازی تدریس مطرح می شود که حاصل تجارب مدرّسان موفق بوده و با قوانین کلی علمی و عقلی سازگار است. از جمله موارد مهم در امر تدریس «تحلیل آموزش» است به این معنا که معلم پیش از آغاز سال تحصیلی در سه نکته ی مهم و اساسی متمرکز شده و مطابق آنها برنامه ریزی کند:

الف) تحلیل محتوای متن آموزش و تنظیم و دسته بندی مطالب براساس محتوا و زمان.

ب) تحلیل ابزار کمک آموزشی با توجه به امکانات موجود و محتوای موردنظر.

ج) تحلیل روش تدریس با توجه به شناخت سطح مخاطب، زمان تعیین شده و محتوای آموزش.

از مجموعه ی این عملیات در روانشناسی تربیتی و فنون تدریس با عنوان «مهارت های پیش از تدریس» یاد می شود. معلم با بررسی محتوا و ابزار کمک آموزشی موجود و متناسب با محتوا و انتخاب روش تدریس متناسب با محتوا و ابزار موجود می تواند سال تحصیلی را با اعتماد و اطمینان کامل آغاز کرده، از ابتدای دوره ی آموزش به رفع نواقص آن بپردازد.

در مورد تحلیل محتوایی باید به دو نکته ی اساسی توجه شود:

۳. بررسی محتوای متن آموزشی و تنظیم مطالب براساس تقدّم و تأخّر و سختی و آسانی مفاهیم.

۲. زمان بندی منطقی با توجه به محتوای مذکور (با در نظر گرفتن تعطیلی های رسمی) و هماهنگی با برنامه های کلان در سیستم آموزشی مؤسسه ی مربوط.

پس از آن که متن آموزشی در مورد تحلیل قرار گرفت، به ابزار کمک آموزشی می پردازیم. در سطوح پایین تحصیلی بیشتر از ابزار سمعی - بصری استفاده می شود و با توجه به نوع درس، ابزار آن نیز متفاوت می شود. لوح های آموزشی، فیلم ها و عکس های آموزشی، اردوها و... می توانند ابزار کمک آموزشی ما باشند که با توجه به سطح علمی مخاطب و امکانات مؤسسه ی آموزشی انتخاب می شوند.

در بخش تحلیل روشی باید به انواع روش های تدریس اعم از روش های کهن و نو آشنا بوده، با در نظر گرفتن موقعیت سنی فراگیران و نوع متن آموزشی، روش متناسب و شایسته ای را انتخاب کرد

طراحی برنامه درسی؛ مهارت پیش از تدریس

طراحی برنامه‌ی تدریس، فرایندی است که طی آن برنامه‌ی کار معلم در طول سال تحصیلی مشخص می‌شود. برای طراحی یک دوره‌ی تحصیلی باید آن را به اجزای کوچک‌تر تجزیه کرد و در قالب زمان‌بندی مشخص و از پیش طراحی شده، ارائه نمود. این بخش با تحلیل محتوایی که پیش از این بیان شد، شباهت بسیاری دارد، اما جزئی‌تر و خاص‌تر است.

طراحی برنامه‌ی تدریس در یک نگاه کلی به دو بخش تقسیم می‌شود:

#### الف) طرح و برنامه‌ی عملی

تدریس شامل نحوه‌ی تدریس معلم است و روش عملی او اعم از کیفیت بیان درس و برنامه‌های جانبی همچون درخواست تحقیق‌های فردی و گروهی، کنفرانس، ارزیابی روزانه، امتحان هفتگی است. خلاقیت و نوآوری معلم در این بخش بسیار مؤثر است و معلم با پشتکار و اراده‌ی قوی می‌تواند طرح و برنامه‌ی درسی عملی را به صورت منظم و پیوسته انجام دهد و آنگونه شخصیت خویش را در ذهن فراگیر شکل دهد. برای مثال، معلم می‌تواند برای هر جلسه درس، یک حدیث اخلاقی کوتاه بگوید و پرورش اخلاقی را مقدم بر آموزش علمی کند. قابل ذکر است که معلم مخیر است در همان ابتدای سال موارد فوق را بیان کند و یا با انجام دادن منظم این رفتارها، به صورت عملی طرح خود را نشان دهد.

ب) طرح و برنامه‌ی درستی که در دو مقطع مطرح می‌شود.

#### ۱. طرح و برنامه‌ی درسی سالانه (دراز مدت)

معلم در نخستین روز از دوره‌ی آموزشی با نوشتن کلیات مباحث روی تابلو و اشاره‌های کلامی به برخی از جزئیاتی که در ایجاد انگیزه جهت حضور در کلاس‌ها مؤثر است، این طرح را ارائه می‌دهد. در واقع، او قبل از حضور در کلاس باید مطالب را متناسب با زمان‌بندی خاص تنظیم کرده، بعداً ارائه دهد تا در اجرای این طرح علمی با تغییر و جابه‌جایی مواجه نشود. این عمل، افق روشنی از انتهای این دوره‌ی آموزشی برای فراگیران مشخص می‌کند و آنها می‌توانند برای خود مطابق با این طراحی سالانه‌ی معلم برنامه‌ریزی کنند.

شایان توجه است که هرگز برای طراحی سالانه به فهرست کتاب‌ها اکتفا نشود، بلکه معلم باید به متن آموزشی رجوع نماید و برخی از مطالب را که در فهرست نیامده است، ولی با مطالب طرح سالانه‌ی معلم پیوستگی و یا در جاذبه‌ی مطالب تأثیر شگرف دارد، انتخاب کند و در طرح جای دهد. تعطیلات رسمی کشور در نظر گرفته شود و هرگز متن آموزشی برای یک ثلث به سه قسمت و برای یک نیمه به چهار قسمت تقسیم نشود، بلکه با رجوع به تقویم، این زمان‌بندی صورت می‌گیرد. باید سال را با اجزای کوچک‌تر مثل ماه و هفته و روز تقسیم کرد و محتوای آموزشی را در این قالب‌های زمانی ریخت. همواره و در هر سال باید بین هدف و سایر فعالیت‌های آموزشی هماهنگی لازم وجود داشته باشد.

#### طرح و برنامه‌ی درسی روزانه (کوتاه مدت)

افزون بر طرح سالانه که در بردارنده‌ی کلیات متن آموزشی مورد نظر است، معلم باید برای هر روز درسی نیز طرح و برنامه‌ی درسی بنویسد. به عبارت دیگر، باید طرح مدون و سنجیده برای یک جلسه نوشته شود. در این طرح درسی، کلیات مطالبی که در یک روز درسی مورد تدریس قرار می‌گیرد، نوشته می‌شود و جزئیات و مثال‌ها و نکات ضروری به صورت رمزی و بسیار خلاصه در گوشه‌ای از این طرح نگاشته می‌شود تا در سال‌های بعد مورد استفاده قرار گیرد و از طرفی، در کلاس نیز برای معلم، صورت

گیرد، بدیهی است که در نخستین سال های تدریس به خاطر سپردن مطالب برای معلم میسر نیست و این طرح درس، یاریگر او در به یاد آوردن مطالب است و در ضمن، تقدم و تأخر مطالب نیز منطقی خواهد بود. طرح درس موجب جلب اعتماد فراگیر می شود و او به این وسیله می فهمد که معلم برای تدریس وقت می گذارد و نظم و اعتدال رفتاری معلم در کلام، مرهون همین طرح درس روزانه است که موجب صرفه جویی در وقت و استفاده ی بهینه می شود.

اجزای طرح درس روزانه عبارتند از:

۱. تعیین هدف درس جدید؛ معلم باید با استفاده از اصول و فنون طبقه بندی هدف ها که پیش از این به اختصار بیان کردیم، اهداف جدید درس مورد نظر را مشخص کند.
  ۲. تعیین رفتار ورودی؛ معلم باید آموخته ها و توانایی های شاگردان را قبل از شروع درس جدید معین کند تا به تناسب آموخته های پیشین آنها طرح درس جدید را بریزد.
  ۳. تهیه ی آزمون رفتار ورودی؛ معلم با طرح پرسش هایی که مبتنی بر توانایی ها و مهارت های قبلی و پیش دانسته های فراگیر هستند، می تواند به آگاهیهای دانش آموز پی ببرد. بنابراین سؤال ها باید از قبل تعیین شود تا در مدت کوتاه به نتیجه برسد.
  ۴. تعیین مراحل و روش های تدریس؛ این مراحل می تواند به صورت ذهنی مورد توجه قرار گیرد و یا روی کاغذی که با عنوان طرح درس معین شده، یادداشت شود. این مراحل به طور فهرست وار عبارتند از:
    - الف) فعالیت های مقدماتی قبل از تدریس همچون حضور و غیاب شاگردان، اطمینان از سلامت روانی و جسمی شاگردان و تذکر برای یادداشت درس جدید.
    - ب) آماده سازی و ایجاد انگیزه برای دانش پژوهان که باید از قبل نحوه ی انگیزش مشخص شده باشد.
    - ج) ارایه ی درس جدید براساس هدف هایی که قبلاً تعیین شده است و توجه به عدم تداخل کلیات مطالب با جزئیات و یا مطالب اصلی با فرعی.
    - د) فعالیت های تکمیلی یعنی معلم پس از ارایه ی درس جدید با جمع بندی و یا ارایه ی خلاصه ی درس و یا درخواست تکرار مطالب از سوی فراگیران، تدریس را به کمال برساند و با در نظر گرفتن تمرین و یا تحقیق برای آنها روند یادگیری را سرعت بخشد. کلیه ی این موارد باید در طرح درس مشخص باشد.
    - ه) انتخاب وسایل کمک آموزشی به تناسب موضوع مورد بحث و امکانات موسسه ی آموزشی و یا مسایل اقتصادی و جانبی. در این بخش نباید ایده آلی برخورد کرد و وعده هایی داد که قابلیت اجرا ندارند و موجب خلف وعده می شوند.
- نکات قابل توجه

۱. طرح درس را روی یک طرف کاغذ بنویسید و از کاغذهای مرغوب استفاده کنید تا چندین سال بتوان آنها را به کار برد.

۲. با شماره ی صفحه ای که روی این کاغذهاست، زودتر می توان طرح درس مورد نظر را یافت.

۳. هر بار که به کلاس می‌روید، یک طرح درس دیگر را که در جلسه‌ی بعد مورد استفاده قرار می‌گیرد بخوانید؛ زیرا مطالب به هم پیوستگی داشته، در پاسخ به پرسش‌ها آرامش بیشتری خواهید داشت.

۴. طرح درس‌ها را تمیز نگاه دارید و از نوشتن جمله‌های طولانی بپرهیزید و بیشتر به نگارش رمزی یا جمله‌های مصدری بپردازید. شخصیت منظم و منضبط معلم را می‌توان از نوع کاغذهایی که به عنوان طرح درس از آنها استفاده می‌کند، یافت.

۵. ابتدای هر صفحه درس، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بنویسید تا هم در ایجاد آرامش برای شما تأثیر گذارد و هم یادآوری شود که بدون نام خدا درس را آغاز نکنید.

۶. برای پرورش اخلاقی از لطایف و ظرایف بزرگان و داستان‌ها و یا خاطرات بسیار کوتاه اما کوبنده و اثرگذار استفاده کنید، و برای این که طرح درس شما با جمله‌بندی‌ها شلوغ نشود و دسترسی به مطالب آسان باشد، برای هر قضیه یا لطیفه‌ای، نمادی انتخاب کنید و آن را در سمت چپ طرح بنویسید.

مهارت‌های معلم در کلاس

بنا بر مطالب پیش گفته، طراحی آموزشی و تحلیل موارد سه‌گانه (محتوا، ابزار و روش) از جمله مهارت‌های پیش از تدریس است. پس از موارد مذکور به مهارت‌های ضمن تدریس می‌پردازیم که جنبه‌ی اجرایی و عملیاتی دارد و در کلاس صورت می‌گیرد، اما باید با مطالعه و برنامه‌ریزی قبلی همراه باشد. در غیر این صورت، فاقد سیر منطقی خواهد بود و موجب آسیب زدگی در کیفیت آموزش می‌شود. این مهارت‌ها عبارتند از:

### الف) اجرای آزمون رفتار ورودی

بیان شد که رفتار ورودی عبارت است از مهارت‌ها و توانایی‌هایی که شاگردان باید قبل از شروع درس جدید دارا باشند تا بتوانند با موفقیت به اهداف جزئی دست یابند. در این مرحله، معلم باید مهارت‌های مذکور را مورد سنجش قرار دهد و با آزمون رفتار ورودی، یک وجه مشترکی بین فراگیران که گاهی از نظر رفتار ورودی متفاوت هستند بیابد.

مثال: هدف کلی درس جدید، آموزش «فرقه‌ها با رویکرد محدودیت» است. در آزمون رفتار ورودی باید دید که آیا فراگیران در مورد امامت، مهدویت و آشنایی با حضرت حجت (عج) و... که اهداف جزئی هستند، اطلاعاتی دارند؟ و این آگاهی‌ها در چه سطحی است؟ وقتی مشخص شد که آنان در کدام یک از مراحل فوق فاقد اطلاعات هستند، درس جدید از همان قسمت آغاز می‌شود. اگر دو هدف جزئی را قبلاً می‌دانسته‌اند، از هدف جزئی سوم به بعد آموزش داده می‌شود.

### الف) اجرای آزمون رفتار ورودی

بیان شد که رفتار ورودی عبارت است از مهارت‌ها و توانایی‌هایی که شاگردان باید قبل از شروع درس جدید دارا باشند تا بتوانند با موفقیت به اهداف جزئی دست یابند. در این مرحله، معلم باید مهارت‌های مذکور را مورد سنجش قرار دهد و با آزمون رفتار ورودی، یک وجه مشترکی بین فراگیران که گاهی از نظر رفتار ورودی متفاوت هستند بیابد.



مثال: هدف کلی درس جدید، آموزش «فرقه‌ها با رویکرد محدودیت» است. در آزمون رفتار ورودی باید دید که آیا فراگیران در مورد امامت، مهدویت و آشنایی با حضرت حجت (عج) و... که اهداف جزئی هستند، اطلاعاتی دارند؟ و این آگاهی‌ها در چه سطحی است؟ وقتی مشخص شد که آنان در کدام یک از مراحل فوق فاقد اطلاعات هستند، درس جدید از همان قسمت آغاز می‌شود. اگر دو هدف جزئی را قبلاً می‌دانسته‌اند، از هدف جزئی سوم به بعد آموزش داده می‌شود.

### ب) مهارت برقراری ارتباط

آشنایی با دانش «روانشناسی ارتباطات» در این بخش ضروری است، زیرا چنان که گفتیم تدریس یک تلاش دو جانبه است و در سایه ی ارتباطی صحیح صورت می‌گیرد. ارتباط در بخش آموزش عبارت است از فرآیندی که به موجب آن بین پیام دهنده (معلم) و پیام گیرنده (فراگیر) به منظور انتقال پیام (ارسال و دریافت) رابطه ای برقرار می‌شود. ارتباط، زمانی ایجاد می‌شود که محتوای پیام به گیرنده منتقل شود و دریافت آن از گیرنده به فرستنده اعلام شود. بنابراین در فرآیند ارتباط در آموزش با یک مثلث سروکار داریم: فرستنده، گیرنده و پیام (همان متن آموزشی است). در مبحث روانشناسی ارتباط موضوعاتی همچون عوامل مؤثر در ایجاد ارتباط، موانع ایجاد ارتباط، راه کارهای رفع موانع مطرح است که خوانندگان را به مطالعه ی این موارد در کتب روانشناسی ارتباط ارجاع می‌دهیم و از درازگویی می‌پرهیزیم تا که از اصل باز نمانیم.

### ج) ایجاد تمرکز جمعی در کلاس

معلم باید عوامل مخل در کلاس را که مانع تمرکز فراگیران می‌شود از بین ببرد و لازمه ی این کار شناخت آن عوامل است. برای مثال می‌توانیم به موارد مخل زیر اشاره کنیم:

- عدم تعادل در حرکت های معلم و گاه استفاده نابجا و ناموزون از دست ها.
- اشکال در صدای معلم که در جاذبه ی کلاس و ایجاد تمرکز نقش مهمی دارد. مثلاً صدای خشن و بیش از اندازه بلند و یا کوتاه و نامفهوم و یا یکنواخت و کسل کننده از موانع تمرکز بخشی است. معلم با تغییر نوع تکلم و یا آهنگ صدای خود می‌تواند ارتباطی دوستانه و محبت آمیز با فراگیران داشته باشد و از آشفتگی کلاس ممانعت کند.
- عدم تنوع در برقراری رابطه در کلاس و استفاده از رفتارها و سخن های کلیشه ای.
- عدم استفاده از حواس دیگر دانش پژوهان، غیر از چشم و گوش به تناسب موضوع آموزشی.
- به کار بردن تکیه کلام های آزار دهنده و یا داشتن حالت هایی مثل «تیک عصبی» در فاصله ای کوتاه و یا تکرار یک رفتار.

### د) مهارت آماده سازی

آماده سازی فعالیتی است که معلم از طریق آن می‌کوشد ارتباط معناداری بین تجارب پیشین فراگیران و نیازهای آنها با اهداف آموزشی ایجاد کند. معلم با ایجاد تمرکز عمومی (که در قسمت قبلی بیان شد) و ایجاد علاقه و انگیزه برای فراگیران نسبت به مطلب آموزشی و نیز ایجاد کنجکاوی با طرح سئوالاتی که احتمال می‌رود دانش پژوه نسبت به آنها آگاهی نداشته باشد، می‌تواند کلاس را آماده ی درس جدید کند.

برقراری انضباط در کلاس نیز در این بخش مطرح می شود که با رفع علل بی انضباطی می توان آن را ایجاد کرد چه عواملی که ناشی از رفتار معلم است و چه مواردی که مربوط به فراگیران است.

#### ه) مهارت ارزیابی درس جدید

با استفاده از روش مناسب و بهره گیری از طرح درسی که پیش از کلاس نگاشته شده است و با خلاقیت های خاص و گاه منحصر به فرد برخی از معلمان این مرحله به خوبی صورت می گیرد.

#### و) مهارت جمع بندی

معلم در پایان کلاس برای رساندن فراگیران به نتیجه ی مناسب و ایجاد ارتباط بین مباحث جدید و مطالب قبلی و رابطه ی درس جدید با مباحث بعدی، به جمع بندی مطالب (به صورت خلاصه) می پردازد. البته ممکن است معلم از دانش پژوه بخواهد که این جمع بندی را انجام دهد و خود به رفع نواقص او بپردازد.

#### ز) مهارت در تکمیل یادگیری

معلم پس از ارزیابی درس جدید و رسیدن به مرحله ی پایانی، یعنی جمع بندی، به فعالیت های تکمیلی می پردازد. او برای کامل کردن فرآیند یادگیری می تواند روشی مناسب با سطح مخاطبان و موضوع مورد نظر را انتخاب کند تا به این مقصود برسد. مثلاً با ارزیابی خلاصه ی درس به فراگیران، تعیین تکلیف شب، طرح مسأله و درخواست حل آن در کلاس یا در منزل، تعیین تحقیق کلاسی، تعیین واحدکار ۳ (پروژه) ارزشیابی به میزان یادگیری آنها بیفزاید و فعالیت آموزشی خویش را کامل کند. برخی از فعالیت های تکمیلی تجربه شده عبارتند از:

- تعیین امتیاز برای ارزیابی بهترین جزوه های برداشته شده از درس و یا خلاصه نویسی های تمیز و دقیق.
- طرح یک سؤال و درخواست از دانش پژوه برای مطرح کردن آن در خانواده و جمع آوری پاسخ ها.
- طرح سئوالات مربوط به درس و درخواست از دو فراگیر که یکی به طرح سؤال یا شبه بپردازد و دیگری آن را پاسخ دهد. این گونه است که فضای آزاد علمی (البته با کنترل کلاس از سوی معلم) فراهم می گردد و به علت حضور فعال فراگیران در بحث، مقاومت روانی در برابر موضوع و پاسخ ها نشان داده نمی شود.

#### آشنایی با انواع روش تدریس

معلم پیش از تحلیل روش باید با انواع روش های تدریس آشنا باشد و متناسب با سطح مخاطب (فراگیرها) و موضوع آموزشی و سیاست های آموزشی کلان که در هر مؤسسه ی آموزشی صورت می گیرد، روشی در خور انتخاب کند. او باید در هر دوره، روش تدریس خود را ارزیابی کند و در صورت وجود کاستی ها، به رفع نواقص آن بپردازد و حتی در صورت لزوم، ماهیت روش خود را تغییر دهد.

## روش سخنرانی

هرچند روش های نوین آموزش جایگاه بسیار ویژه ای در فرآیند آموزش پیدا کرده اند و بدون استفاده از آنها فرآیند آموزش به کمال خود نمی رسد؛ اما هیچ کس نمی تواند ادعا کند که می توان روش تدریس سنتی را از نظام آموزش حذف کرد. در این روش معلم به عنوان سخن ران در جلوی کلاس می ایستد و مطالب درسی را بیان نموده و دانش آموزان به او گوش می دهند. البته باید در نظر داشت که منظور از روش سخنرانی صرف بیان دانسته ها نیست. بلکه این روش در واقع نوعی ارتباط برقرار کردن با دانش آموز است که در آن معلم دانش آموز را در مسیر یادگیری پیش می برد. امروزه با گسترش فناوری های دیجیتال، روش تدریس سخنرانی با تحولات جدی روبرو شده و قابلیت های زیادی پیدا کرده است. سنتی ساده ترین شیوه تدریس است که عموم معلمان و اساتید دانشگاه از آن استفاده می کنند. در این روش تنها کسی که فعال است معلم یا استاد است. وی صحبت می کند، مطالبی روی تخته می نویسد، اسلاید نشان می دهد، و یا سوال می کند، و اغلب وقتی پاسخی از کلاس نمی شنود، خود پاسخ سوال را می دهد و به تدریس ادامه می دهد.

در این روش دانش آموزان کاملاً غیر فعال بوده و فقط نظاره گر هستند و گوش می کنند، و تعدادی هم یادداشت می کنند. اما به ندرت دانش آموزی در مورد مطالب درسی فکر می کند. بررسی ها نشان می دهد که این روش طبیعی یادگیری نیست، و به همین دلیل اطلاعاتی که به این صورت کسب می شود، در حافظه درازمدت باقی نمی ماند.

همچنین مشکل دیگر کلاس های سنتی این است که چون دانش آموزان قدرت تمرکز محدودی دارند نمی توانند با تمرکز کامل به مطالب درسی گوش بدهند. فکر عموم دانش آموزان در هنگام تدریس به جاهای دیگر می رود و به اصطلاح توقف های ذهنی برایشان ایجاد می شود. هرچه از سخنرانی می گذرد، تعداد و مدت این توقف ها بیشتر می شود. و چون مطالب درسی به صورت زنجیروار به یکدیگر متصل می باشند، ایجاد توقف های ذهنی باعث می شود دانش آموز نتواند همپای معلم پیش برود و مطالب درسی را فراگیرد.

اینها همه مشکلاتی است که در مورد تواناترین دانش آموزان هم ایجاد می شود. معمولاً تمام دانش آموزان در عموم کلاس های درس یک احساس ناراحتی و کسلی را تحمل می کند و همین مسئله کیفیت آموزش را مورد آسیب قرار می دهد.

بنابراین چیدمان کلاس ها باید به صورتی در نظر گرفته شود که علاوه بر اینکه قابلیت استفاده از روش های یادگیری فعال و مشارکتی را فراهم می نمایند، قابلیت استفاده از روش سخنرانی را نیز فراهم نمایند. همچنین می توان علاوه بر کلاس دانش آموزان محیط جداگانه ای برای تدریس معلم در نظر گرفته شود. (در طراحی آموزشی مدرسه سراج از این روش استفاده شده است) در چند دهه اخیر روش های جدیدی در آموزش و تدریس عرضه شده است. آموزش و تدریس "دانش آموز محور" به جای روش "استاد محور"، مبنای بیشتر این نوآوری ها را تشکیل می دهد. سه روش موفق تر در این زمینه عبارتند از: یادگیری فعال، یادگیری مشارکتی، یادگیری مسئله محور. در این نوشته سعی می کنیم توضیح مختصری در مورد این سه روش ارائه دهیم.

## توجه به ساختار سخنرانی

معلم باید به مطالب مورد نظر جهت سخنرانی انسجام و سیر منطقی ببخشد. برای این کار باید به ساختار سخنرانی توجه داشته باشد که از سه بخش تشکیل می شود: مقدمه (برای جلب توجه مخاطب)، بدنه یا بخش میانی (ایده های اصلی و جزئیاتی که معلم مایل است آنها را به فراگیر منتقل کند) و بخش پایانی یا مؤخره (که به وسیله ی آن فراگیران را جهت به خاطر سپاری مطالب یاری می کند).

در مقدمه، مطالب کلی مطرح می شود و در بخش میانی، جزئیات بیان می گردند تا فراگیران با ایجاد ارتباط بین این دو، آموزش ببینند. این روش را «روش تحلیلی» می گویند. در بخش پایانی نیز کلیات با اشاره به مهمترین بخش جزئیات و ارتباط بین آنها در زمان کوتاهی تکرار می شود و نتیجه گیری و در صورت لزوم انطباق فردی یا اجتماعی صورت می گیرد.

گفتنی است از آنجا که روش توضیحی مبتنی بر سخنرانی است، از اضطراب هنگام سخنرانی به عنوان آفت این روش می توان سخن گفت. به ویژه که در ابتدای تدریس، نمود این اضطراب و تنش روانی را در رنگ چهره، لرزش صدا و دست ها، تپش شدید قلب و عوارض «روان تنی» دیگر می توانیم ببینیم. افزودن بر توکل داشتن به خدا و یاری جستن از ائمه ی اطهار (ع) و ایجاد آرامش و اطمینان با یاد خدا، موارد دیگر جهت مبارزه با اضطراب وجود دارد که عبارتند از:

الف) تسلط کامل بر بحث مورد نظر و نوشتن کلیات برخی از جزئیات به صورت رمزی بر کاغذ.

ب) شروع کلاس با معارفه و ارتباط صمیمانه گفتاری با فراگیران.

ج) توجه به کیفیت قرارگرفتن پاها به این معنی که باید وجود آنها را روی زمین حس کنیم.

د) توجه به نفس کشیدن ها وقتی بدین معنی که هنگامی که مانع کشیدن نفس عمیق شویم، اضطراب افزایش می یابد.

ه) با چشم ها و قلب مخاطب سخن گفتن به ویژه در زمانی که آنها فقط به مطالب گوش می دهند و چیزی نمی نویسند.

و) کمک گرفتن از بدن و حالات فیزیکی، مثلاً با اعتماد به نفس قدم برداشتن و مخفی نکردن دست ها.

ز) تلقین این نکته که در موضوع موردنظر، سخنور (معلم روش توضیحی) از مخاطبان خود (فراگیران) کارشناس تر است.

برگرفته از کتاب "نوآوری در آموزش مهندسی" تالیف دکتر حسین

نکته قابل توجه در ارتباط با این روش ها این است که استفاده از این روش برای معلمان سخت تر از روش سنتی است. معلم باید طرح درس پیچیده تری برای دانش آموزان طراحی کند. همچنین در ابتدا ممکن است معلم در این روش تدریس به موفقیت قابل توجهی دست نیابد. اما قطعاً این روش تدریس تاثیر بسزایی در افزایش کیفیت یادگیری دانش آموزان دارد.

## یادگیری فعال

ادگار دیل در مقاله ای در سال ۱۹۵۴ به روش تصویری جالبی که به نام مخروط یادگیری معروف شده است، نشان داد که مشارکت غیرفعال دانش آموزان در کلاس درس، یادگیری کمی را به دنبال دارد.

بررسی های این محقق نشان داده است که آنچه دو هفته بعد از یادگیری یک مطلب در حافظه ما باقی می ماند در روش های تدریس متفاوت به این صورت است:

۱۰ درصد آنچه را که خوانده ایم.

۲۰ درصد آنچه را که شنیده ایم.

۳۰ درصد آنچه را که دیده ایم.

۵۰ درصد آنچه را همزمان دیده و شنیده ایم.

۷۰ درصد آنچه را که گفته ایم.

۹۰ درصد آنچه را که گفته و عملاً تجربه کرده ایم.

از این رو، تنها گوش دادن به معلم، یادگیری ناچیزی را به همراه خواهد داشت و با روش های فعال می توان به یادگیری های کامل تری دست یافت.

یادگیری فعال هر آن چیزی است که در کلاس درس اتفاق می افتد تا دانش آموز را با مطالبی که ارائه می شود درگیر بنماید. این نوع یادگیری از روش های بسیار متنوعی تشکیل می شود که در این نوشته فرصت بیان آنها نیست. به عنوان مثال از دانش آموزان خواسته می شود تا برای مدتی به صورت فردی یا گروهی در مورد سوالاتی که در ابتدای تدریس مطرح می شود فکر کنند یا گزینه های محتمل را بررسی کنند. در پایان تعدادی از پاسخ ها مطرح می شود و با بحث کردن دانش آموزان در مورد پاسخ های مطرح شده و هدایت معلم، فرآیند تدریس اتفاق می افتد.

کلاسی که در آن فرآیند یادگیری فعال در حال جریان است از نقاط قوت دیگری نیز برخوردار است. از جمله اینکه به خاطر فعال شدن دانش آموز، توقف های ذهنی ایجاد شده از بین می رود و دانش آموز در کلاس احساس کسلی و خواب آلودگی نمی کند. با این روش در واقع کلاس از یکنواختی خارج شده و دانش آموزان با انرژی بیشتری مشغول یادگیری می شوند.

## یادگیری مشارکتی

بررسی ها نشان داده است دانش آموزان و دانشجوایانی که به صورت گروهی فعالیت می کنند، در برابر دانش آموزان و دانشجوایانی که به صورت فردی فعالیت های خود را انجام می دهند، بیشتر یاد می گیرند، عمیق تر یاد می گیرند، نگرش مثبت تری نسبت به موضوع درس دارند، و اطمینان بیشتری نسبت به خود پیدا می کنند.

البته این روش نباید باعث شود تا تعدادی از دانش آموزان به تنبلی روی آورده و تمام مسئولیت کار گروهی را بر دوش فرد دیگر بیندازند و فرد دیگر هم برای کسب نمره، مجبور به انجام تمامی کارها باشد! استفاده مناسب از این روش نیازمند به توجه به نکاتی می باشد که در این نوشته به آنها اشاره نمی نماییم.

## یادگیری مسئله محور

آموزش به سبک سنتی آن به این صورت است که ابتدا دانش آموز با مباحث درسی آشنا می شود و بعد از مدت بسیار طولانی با کاربردهای علمی که فراگرفته است، آشنا می شود. این روش مشابه آن چیزی نیست که بشر معمولاً برای کسب دانش و مهارت به کار می بندد. در زندگی روزمره فرد ابتدا با مسئله ای که نیاز دارد روبرو می شود و سپس برای حل آن کوشش می کند. در واقع انسان وقتی مطالب را به نحو موثرتری یاد می گیرد که به یادگیری آن مطالب احساس نیاز کند. اما متأسفانه در مدارس چنین اتفاقی نمی افتد. دانش آموزان بدون اینکه فایده یاد گرفتن مطالب را بدانند، مجبور به یادگیری آنها هستند. به همین جهت به آموزش علاقه ندارند و معلمان و والدین آنها را مجبور به یادگیری می کنند.

یک نگرش متفاوت و موثرتر آموزش این است که ابتدا سوال یا مسئله ای برای دانش آموزان طرح می شود. این سوال قبل از آن مطرح می شود که تمام آن چیزی که برای حل آن مسئله لازم است را به دانش آموز یاد داده باشیم. پس از آنکه دانش آموز متوجه شد چرا به یاد گرفتن آن مطلب درسی نیاز دارد، آن مطلب به او آموزش داده می شود.

## روش توضیحی

انتقال مستقیم اطلاعات به فراگیران با استفاده از متن های آموزشی چاپ شده و یا سخنرانی را روش توضیحی می نامند. در این روش، معلم، مطالب را به صورت منسجم و مدون به شاگردان منتقل می کند و آنان نیز آن مطالب را یا به ذهن می سپارند و یا یادداشت برداری می کنند و پرسش و پاسخ در این روش جایگاهی ندارد. از ویژگی های مثبت این روش، صرف جویی در وقت و امکانات آموزشی، ایجاد تمرکز در شاگردان جهت یادداشت برداری و تقویت بیان معلم است. البته این روش مشکلاتی را نیز به همراه دارد که از آن جمله می توان به خستگی شاگردان از یکنواختی کلاس، عدم امکان تفکر فراگیران و در نظر نگرفتن تفاوت های فردی شاگردان اشاره کرد.

برای حل این مشکلات و ایجاد جذابیت در روش مذکور باید نکات زیر را در نظر گرفت:

توضیحات معلم، روشن، دقیق و قابل درک باشد. برای این منظور می توان از مثال زدن، تصویرسازی ذهنی، فیلم و یا سایر وسایل توضیح دادن استفاده کرد.

برجسته‌نمایی در نکات اساسی و اصلی متن آموزشی صورت گیرد. در واقع معلم باید به این پرسش پاسخ دهد که «چه چیزی بیشترین اهمیت را دارد؟» و همان مطلب را با تأکید و تکرار برجسته کند.

تنوع رفتاری معلم و تغییر آهنگ صدا در موارد خاص و توجه به سئوالات فراگیران و پاسخگویی به آنها در قالب همین روش توضیحی و درون‌متنی، باعث میشود که از یکنواختی کلاس بکاهد.

مهارت توضیح معلم هم از سوی فراگیران و با واسطه‌ی نهاد آموزشی در مؤسسه و هم با «خود تحلیلی» معلم ارزشیابی شود.

**روش تدریس نو آفرینی ( بدیعه پنداری ) :**

در این روش معلم از دانش آموزان می خواهد که به توصیف و تشریح موضوع یا مفهوم مورد نظر بپردازد و هر یک مفاهیمی مربوط به موضوع ارائه دهند ( بارش مغزی ) و سپس در مرحله بعد دانش آموزان بایستی مقیاسهای مستقیم پیشنهاد کنند که با ثبت و فهرست از همه ایده‌ها در باره موضوع انجام می شود . سپس با توجه به فهرست ایده‌های موجود هر یک از افراد گروه بایستی ایده‌های جدید بسازد . مرحله بعدی مرحله تعارض فشرده است که با توجه به تشریح مثبت و منفی یک پدیده در کنار هم بدست می آید و سپس با کمک هر یک از گروهها مفاهیم کلیدی و دقیق درسی بیرون کشیده شده و به تعریف پدیده مورد نظر می پردازند .

( احدیان - ۱۳۷۸ - ص ۲۳۹ )

**روش شبیه سازی :**

درسی از یک موقعیت مبتنی بر تجارب قبلی دانش آموزان ارائه می گردد و سپس از آنان خواسته می شود که مدلی از واقعیت‌های تازه ای که در درس جدید مورد مطالعه می شناخته اند بسازند . ( بعنوان مثال مدل مولکولی مولکولهایی که تا کنون می شناخته اند ساخته و سپس حالت های دیگری از پیوند اتمها را برای ساختن مولکولهای تازه ایجاد نمایند )

فعال بودن و مرتبط بودن با تجربه دانش آموزان - یادگیری عمیق - تقویت روحیه همکاری - مرتبط شدن مفاهیم و پدیده های علمی با واقعیات زندگی روز مره از محاسن این روش بوده و وقت گیر بودن - عدم کاربرد در همه موضوعات درسی و بر هم خوردن نظم کلاس از جمله محدودیتهای هستند. ( کرامتی - ۱۳۸۲ - ص ۸۹ )

### روش تدریس ساخت گرایی :

در این روش یاد گیرنده با استفاده از همه حواس خود به منظور ساخت دانش تلاش می کند . بخشی از دانش سازی در طی فرآیند کاوش صورت می گیرد . تعامل معلم با دانش آموزان و کاوشگری از طریق همیاری بیشترین سود مندی را عاید می کند . در مرحله دوم تشریح و تعامل معلم با گروه های دانش آموزان است . سپس مرحله گسترش که در آن اندیشه ها و فعالیت های ذهنی سازماندهی می گردد و در مرحله آخر ارزشیابی از یافته ها و مهارت های اکتسابی دانش آموزان و بازخورد به فراگیران توسط معلم انجام میگیرد . افزون بر این دانش آموزان باید به خود ارزشیابی نیز هدایت گردند (احمدیان محمد - ۱۳۷۸ - ص ۱۹۲ - ۱۹۶)

### ویژگی های معلم موفق

یکی از مباحث مهم در روش تدریس، ویژگی های معلم است که در نوع ارتباط و با فراگیران و ایجاد یادگیری بسیار مؤثر است. به نظر می رسد که خصوصیات معلم را می توان در دو بخش مورد بحث و بررسی قرار داد:

#### الف) ویژگی های نفسانی:

از جمله ویژگی های نفسانی معلم می توان به اخلاص اشاره نمود. معلم مخلص، مشکلات را برای رضای خدا تحمل کرده، با نگرش الهی به مسائل می نگرد. او به شاگردان خود از آن جهت که محتاج تعلیم و هدایت هستند و خداوند بزرگ آنها را به دانایان قوم سپرده است، می نگرد و همچون مادر یا پدري دلسوز برای حل مسائل و مشکلات آنان تلاش می کند. تواضع صفت دیگری است که موجب جذب شاگردان می شود، زیرا کسی که متواضع باشد، خداوند او را در مقام بالایی قرار می دهد (رفعه الله من تواضع و وضعه الله من تکبر). معمولاً هر چه میزان دانایی و علم افراد بالا می رود، تواضع آنان نیز بیشتر می شود، زیرا دانسته های خود را با ندانسته ها مقایسه می کنند و می فهمند که جهل شان بیش از علم شان است، چنان که سقراط حکیم می گفت: من عالم ترین انسان ها به جهل خویش هستم .



عزت نفس و به عبارتی اعتماد به نفس نیز از ویژگی های نفسانی معلم است که باید در وجود خود نهادینه سازد. هر فردی با کم کردن فاصله ی «خودواقعی» خویش و «خود ایده آل» می تواند میزان عزت نفس خود را افزوده، از خودکم بینی و کم رویی نجات یابد.

طهارت روح نیز از ویژگی های نفسانی معلم است که با دائم الوضو بودن و ارتباط های متعالی با منابع معنوی می تواند این ویژگی را ایجاد کند و یا تقویت بخشد. صفای باطن معلم باعث صدور انرژی معنوی از سوی او به فراگیران می شود و موجب می گردد که ارتباط روحی و عاطفی برقرار شود و در نتیجه، به امر یادگیری سرعت بخشد. آرامش و طمأنینه که در وقار و متانت معلم نمود می یابد، ویژگی دیگری از این دست است. خلاقیت و زایش ذهنی نیز از ویژگی های نفسانی معلم است که بر اثر مطالعه ی زیاد و ارتباطات انسانی و تفکر به نقطه ی اوج می رسد و محبوبیت او را نزد فراگیران دوچندان می کند. موارد دیگری همچون صبر و شکیبایی، قاطعیت و خونسردی نیز وجود دارد؟:

#### ب) ویژگی های رفتاری

برخی از ویژگی های معلم مربوط به رفتار اوست. برای مثال، اعتدال رفتاری و دوری از افراط و تفریط در کلیه ی امور مربوط به آموزش و پرورش از جمله ویژگی های رفتاری معلم است که در او مشاهده می شود. ابراز مهر و محبت و علاقه نسبت به شاگردان و همکاران نیز از ویژگی های بارز یک معلم است که بازتاب این رفتار مهرآمیز، به تعیین علاقه مندی و ابراز و اظهار محبت از سوی طرف مقابل است. این رفتار موجب حکومت معلم بر قلب شاگردان می شود و مصداق بارز مثل معروفی است که «حاکم بر قلب ها باش تا بر اندیشه ها حکومت کنی.»

خوش رفتاری و خوش ارتباطی نیز از ویژگی های رفتاری معلم به شمار می رود و گمانه زنی شاگردان را به سود و سوی او سوق می دهد.

ادب و رفتار مؤدبانه ویژگی دیگری است که در رفتار معلم باید مشاهده شود. اگر چه «ادب» حاصل سال ها تربیت خانوادگی است، اما از طریق تمرین و اکتساب می توان رفتارهایی مؤدبانه از خویش نشان داد و به حدود و حقوق دیگران احترام گذاشت و خود را مقدم بر غیر ندانست.

آراستگی ظاهری و دوری از بی نظمی و آشفتگی، چه در لباس و نوع پوشش و چه در وسایل شخصی همچون کتاب، جزوه و یا برگه های مربوط به طرح درسی، نیز در تبیین شخصیت معلم بسیار مؤثر است و باید در این موارد سعی فراوان شود، زیرا ویژگیهای مهم معلم، نظم و آراستگی اوست.

از دیگر ویژگی های معلم، بالا بودن سطح علمی اوست. بدیهی است که معلمان آگاه به دانش های متعدد و متنوع، بیش از معلمانی که تنها در حد متن آموزشی مورد نظر آگاهی دارند، مورد توجه قرار می گیرند. آگاهی های سیاسی اجتماعی، عرفانی، اخلاقی، علمی و اطلاعات عمومی از موارد ضروری است که معلم باید آنها را به دست آورد.

البته ویژگی های دیگری نیز وجود دارد که یا زیرمجموعه ی فوق قرار می گیرند و یا به علت عمومیت و روش بودن، از آنها چشم می پوشیم. درخاتمه باید گفت که معلمان با تلاش و همت و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت(ع) می توانند خود را به این ویژگی ها بیارایند.

## نظریه های تدریس

عوامل موثر در تدریس :

۱- ویژگی های شخصیتی و علمی معلم

**الف** ( ویژگی های شخصیتی معلم و نقش آن در تدریس ، بر اساس روابط معلم نسبت به شاگردان به دو گروه تقسیم می شوند :

**معلمان شاگردنگر** : این گروه از معلمان شاگردان را هسته مرکزی فعالیت خود قرار می دهند و آنان را محور اصلی فعالیتهای آموزشی می دانند ، که خود به دو دسته شاگرد نگر فردی که به ویژگی های فردی شاگردان توجه می کنند و شاگردنگر جمعی که به جمع شاگردان و پرورش جمعی آنها از طریق روانشناسی پرورشی توجه دارد .

**معلمان درس نگر** : این دسته از معلمان بیشتر به درس اهمیت می دهند تا به شاگردان . تمام کوشش این دسته بر این است که به هر طریق شده درس را به شاگردان انتقال دهند و شاگردان موظفند درس را خوب یاد بگیرند و به معلم پس بدهند که خود به دو گروه کوچکتر " درس نگر علمی " و " درس نگر فلسفی " تقسیم می شوند . در گروه درس نگر علمی بیشتر به رشته های علمی علاقمند هستند و در گروه درس نگر فلسفی بیشتر به مسائل کلی و اجتماعی می پردازند . در هر دو گروه بالا گرچه شاگردان همه رفتار و عقاید معلمان خود را اجرا می کنند ولی هیچگونه ابتکار و نوآوری از خود ندارند . از نظر نوع برخورد معلمان به دو دسته ی اقتدار طلب و رفاقت طلب نیز تقسیم بندی می توان کرد .

**اقتدار طلب** : رفتاری است که بیشتر دستوری و امرانه باشد که یا می تواند از روی دلسوزی و نیکخواهی و یا از روی بی اعتنائی صورت پذیرد .

**ب** ( تاثیر شخصیت و رفتار معلم در فرآیند تدریس

برای شاگردان ، عمل و رفتار معلم معیار مناسبی است برای ارزشیابی مطالب و رهنمودهای او . بنابراین یک معلم خوب باید به شاگردانش درس انسانیت بیاموزد . معلم باید هنگام تدریس به همه شاگردان توجه کند و در تصمیم گیری ها از آنها نظر خواهی کند . معلم نباید عدالت را فراموش کند و بین شاگردان خود تبعیض قائل شود . معلم باید وقت شناس باشد ، معلم باید الگوی نظم و تربیت باشد و نیز وضع ظاهر ی و سخن گفتن معلم باید الگوی مناسبی برای شاگردانش باشد .

### ج) تاثیر شخصیت علمی معلم بر فرآیند تدریس

معلم هر اندازه دارای رفتار انسانی مطلوبی باشد ولی از نظر علمی ضعیف و ناتوان تلقی شود، مورد قبول شاگردان واقع نخواهد شد. معلمی از نظر علمی قوی است که به روشهای ارائه محتوا و چگونگی برقراری ارتباط آگاه و بر آنها مسلط باشد و این نیازمند مطالعه مستمر است. روش تدریس معلم باید متناسب با اصول آموزشی و پرورشی و خصوصیات شاگردان انتخاب شود. نقش دیگر معلم ایجاد رابطه و پیوند بین جامعه و مدرسه است. اگر آموزش رسمی با زندگی اجتماعی و حقیقی شاگردان ارتباط نداشته باشد چندان اهمیت و اعتباری نخواهد داشت و وظیفه معلم انجام این مهم است. یک معلم خوب علاوه برداشتن محتوای غنی علمی باید از فنون و مهارتهای آموزشی آگاه باشد. او باید قادر به تحلیل فرآیند آموزشی باشد و با استفاده از امکانات و تجهیزات موجود روش تدریس خود را انتخاب کند. زیرا معلمی که بر محتوا مسلط است ولی با روش های تدریس ناآشناست قادر به فراهم کردن موقعیت یادگیری برای شاگردان نیست.

#### ۲- ویژگیهای شاگردان و تاثیر آن در فرآیند تدریس:

معلم نمی تواند بدون توجه به ویژگیهای شاگردان، آنان را به کار کردن وادارد زیرا فعالیتهای عقلی، اخلاقی و اجتماعی شاگرد و تابع اراده معلم نیست. تدریس معلم باید براساس نیاز، علاقه و تواناییهای ذهنی شاگردان تنظیم شود. البته به این معنا نیست که شاگردان هر چه دلشان خواست می توانند انجام دهند، بلکه به این معناست که فعالیت و کار مدرسه باید مورد علاقه دلخواه شاگردان باشد. ساخت ذهنی، هوش و تجربه های علمی شاگرد موضوع دیگری است که در روش تدریس باید به آن توجه شود. بنابراین یک معلم باید برنامه درسی، نوع و مقدار تکلیف را بر اساس مراحل رشد ذهنی تواناییهای مختلف موقعیت اجتماعی و اخلاقی شاگردان پی ریزی کند.

#### ۳- تاثیر برنامه و ساخت نظام آموزشی در فرآیند تدریس

ساخت نظام آموزشی هر جامعه اعم از نگرش ها، باورها، برنامه ها و آیین نامه ها نمی توانند روش تدریس معلم را تحت تاثیر قرار دهد. در ساخت نظام آموزشی، دو برنامه ی متکی بر اصالت مواد درسی و برنامه هفتگی بر رشد همه جانبه شاگرد و چگونگی اجرای آنها تاثیرات متفاوتی را در فرآیند تدریس معلم می گذارند.

در برنامه متکی به اصالت مواد درسی، معلم آزادی عمل و ابتکار چندانی ندارد و او فقط سعی می کند به تعداد قبولی شاگردان بیافزاید حال آنکه در برنامه متکی بر رشد همه جانبه شاگرد معلم به علایق و نیازها و توانمندیهای شاگردان توجه می کند. واضح است که او می تواند ابتکار و خلاقیت بیشتری در امر تدریس از خود نشان دهد.

#### ۴- تاثیر فضا و تجهیزات آموزشی در فرآیند تدریس

معلم خوب در شرایط محدود نیز می تواند موثر واقع شود. اما شکی نیست که فضا و تجهیزات آموزشی مناسب در کیفیت تدریس معلم بسیار موثر است. کثرت شاگردان، نداشتن میز و نیمکت، عدم نور کافی، نداشتن کتابخانه، آزمایشگاه و ..... می تواند روش تدریس معلم را دچار مشکل کند.

## رویکرد های یادهی و یادگیری

تنظیم ساختار واحد درسی بر اساس « رخدادهای آموزشی گانیه » و مراحل سازماندهی رویکرد مشارکتی « دبوید و راجر

جانسون » :

برنامه آموزشی باید به نحوی باشد که تجارب متعددی را به هم مربوط سازد . تدریس از نظر زمانی - مکانی - اهداف - محتوا و مخاطب به صورتهای متفاوتی طرح ریزی میشود . با این همه ساختار اساسی واحدی برای آموزش موجود است که تجارب یادگیری را شکل می دهد ( احدیان - آقا زاده - ۱۳۸۸ - ص ۱۵۰ )

به اعتقاد گانیه در هر راهبرد آموزشی باید مقدمه - زمینه و مؤخره ای وجود داشته باشد که آنها را « رخدادهای آموزشی » می نامیم ( همان کتاب - ص ۱۵۲ )

میتوان ساختار زیر را که تلفیقی از نظر گانیه و سازماندهی مبتنی بر همیاری است را در روند تدریس به روش همیارانه پیشنهاد نمود .

الف ) « رخدادهای مربوط به مقدمه تدریس »

- جلب توجه فراگیران به اهداف درس و موضوع جدید

- تعیین تعداد و ترکیب گروه ( که بهتر است بصورت نا همگن انتخاب شود )

- ارائه اطلاعات لازم و دستور کار به دانش آموزان جهت استفاده از مهارتهای مورد نیاز در هنگام کار گروهی

- سازماندهی اتاق درس بصورتی که دانش آموزان براحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و از مواد آموزشی استفاده نمایند .

ب ) « رخدادهای مربوط به پیکره درس »

- ارتباط تجربیات قبلی با موضوع درس جدید

- راهنمایی و تشویق فراگیران در ساخت و یادگیری مفاهیم بوسیله کار با وسایل و منابع موجود بصورت همیاری و همکار

- ایجاد وابستگی متقابل و علاقه در دانش آموزان در فعالیت با یکدیگر
  - نظارت بر رفتار و مهارت‌های انجام کار گروهی دانش آموزان
  - دادن فرصت آزمایش و خطا و بازخورد و راهنمایی دانش آموزان در طی فعالیتها
  - نشان دادن راه عملی اجرا کردن فراگرفته ها و آموزش مهارت‌های همکاری و احساس مسئولیت در انجام تکالیف در دانش آموزان
- ج) « رخدادهای مربوط به بخش جمع بندی و اختتام درس »
- جمع بندی و خلاصه آنچه در کار گروهی و فعالیت‌های درس انجام گرفته بوسیله گزارش کار گروهی ( اختتام درس )
  - سنجش میزان موفقیت گروه و ارزشیابی از کمیت و کیفیت یادگیری مفاهیم
  - برآورد نحوه بهبود بخشیدن به عملکرد گروهی توسط اعضای گروهها و مربی
- و برنامه ریزی و پیشنهاد جهت انجام هر چه بهتر فعالیت ها توسط گروه و معلم و آمادگی برای اجرای و سازماندهی موضوع بعدی درس با تفکری نقاد و سازنده (تنظیم ساختار درسی - مؤلف )
- الگوهای آموزشی در واقع الگوهای یادگیری هستند . ما در حالی که به شاگردان در کسب اطلاعات - نظرات - مهارت‌ها - راههای تفکر و ابراز نظر خود کمک می کنیم ، نحوه یادگیری را نیز به آنان می آموزیم . در واقع استعداد افزوده شاگردان برای یادگیری آسان تر و موثر تر در آینده میتواند مهمترین نتیجه آموزش به علت دانش و مهارتی که کسب می کنندوبه علت چیرگی آنان برفرآیند های یادگیری باشد (بهرنگی - ۱۳۸۰ - ص ۳۱)

## ارتباط و اثر آن در فرایند تدریس و یادگیر

### ارتباط به عنوان یک عامل مؤثر در تدریس-یادگیری:

ارتباط شرط لازم تدریس در فرایند آموزش است. لازم است معلم در فرایند تدریس هدفش را مشخص کند و دقیقاً معلوم کند درصدد به دست آوردن چه نتیجه ای است، میخواهد فراگیرانش بعد از برقراری ارتباط چه مسئله ای را بپذیرند و چه عکس العملی را از آنها انتظار دارد

تعریف ارتباط از دیدگاه دانشمندان:

- ۱- فن انتقال اطلاعات و افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر
  - ۲- تمام جریاناتی که به وسیله آن یک اندیشه می تواند اندیشه دیگری را تحت تأثیر قرار دهد
  - ۳- در علوم اجتماعی: ارتباط تعامل اجتماعی است که منشأ فرهنگ و عامل ارتقای انسانی است.
  - ۴- در فرایند تدریس و یادگیری: فرایند انتقال و تبادل افکار، اندیشه ها، احساسات و عقاید دو فرد یا بیشتر با استفاده از علائم و نمادهای مناسب به منظور تحت تأثیر قراردادن، کنترل و هدایت یکدیگر تعریف ۴ به موارد زیر اشاره می کند:
  - ۱- ارتباط را وقایع و روابط پویا، جاری، مستمر و پیوسته در حال تغییر می داند نه یک رویداد ثابت
  - ۲- تبادل افکار، اندیشه ها و عقاید را بدون انتقال مفاهیم امکان پذیر نمی داند و برای انتقال مفاهیم می بایست از علائم و نمادهای مناسب استفاده شود. در واقع اشتراک در مفاهیم و نمادهای مورد استفاده تأثیر و تأثر در ارتباط خواهد بود.
  - ۳- به هدف ارتباط فراتر از تأثیر و تأثر توجه دارد زیرا عامل کنترل و هدایت را نیز دخالت داده است.
- هدف و روش ارتباط:

برقراری ارتباط از نظر هدف و روش به شکل واحدی صورت نمی گیرد. در واقع عامل مهم در تعیین روش برقراری ارتباط هدفی است که به وسیله فرستنده پیام دنبال می شود.

۱. شناخت
۲. انتقال
۳. تاثیر
۴. کنترل
۵. هدایت

هدف پیام بستگی مستقیمی به شرایط فرستنده و گیرنده پیام دارد. می توان گفت هدف اساسی افراد یا هر فرستنده پیام این است که خود را به صورت عامل مؤثری در آورد تا بتواند در دیگران، در محیط و حتی در سرنوشت خود تأثیر بگذارد و به تمایلات و خواسته های خویش نیز جامه عمل بپوشاند. بنابراین فرستنده و گیرنده پیام هستند که در شرایطی خاص، هدف ویژه ای را در یک فرایند ارتباطی در نظر می گیرند و روش مناسب با آن را انتخاب می کنند.

به عبارت دیگر مجموعه فرایند آموزشی تلاشی است در جهت تغییر شرایط یادگیری و تحت تأثیر قراردادن و کنترل فکری و رفتاری فراگیران؛ شرایطی که بر اساس شناخت، تمایلات و توانایی مخاطبان فراهم شده و منجر به هدایت آنان می شود.

هدف از ارتباط معلم و شاگرد در آموزش و پرورش

چند نمونه از روشهای ارتباطی

۱- ارتباط ارادی و ارتباط غیر ارادی

ارتباط ارادی: ارتباط با طرح و برنامه ریزی قبلی و حساب شده باشد.

ارتباط غیر ارادی: ارتباط بدون طرح و برنامه ریزی قبلی باشد.

۲- ارتباط رسمی و ارتباط غیر رسمی

ارتباط رسمی: ارتباط در سطحی وسیع و در محیط های رسمی صورت می گیرد.

ارتباط غیر رسمی: ارتباط بین دو نفر یا دو گروه به طور عادی و غیر رسمی اتفاق می افتد.

### ۳-ارتباط کلامی و ارتباط غیر کلامی

ارتباط کلامی: در جریان ارتباط، پیامها به صورت رمزهای کلامی انتقال می یابد.

ارتباط غیر کلامی: پیام به صورت علائم یا رمزهای غیر کلامی مانند حرکات دست، چشم و ... انتقال می یابد.

### ۴-ارتباط مستقیم و ارتباط غیر مستقیم

ارتباط مستقیم: ارتباطی که بدون واسطه بین شخص فرستنده و گیرنده پیام ایجاد می شود.

ارتباط غیر مستقیم: ارتباط چهره به چهره نیست و جنبه شخصی ندارد در چنین ارتباطی گیرنده و فرستنده پیام همدیگر را نمی شناسند.

### ۵-ارتباط فردی و ارتباط جمعی

ارتباط فردی(خصوصی): ارتباطی که معمولاً بین دو یا چند نفر به وقوع می پیوندد و بیشتر حالت مستقیم و شخصی دارد.

ارتباط جمعی: ارتباطی که بین یک نفر با یک گروه یا گروهی با گروه کثیری برقرار می شود که ممکن است مستقیم یا غیر مستقیم باشد.

### ۶-ارتباط یکطرفه و ارتباط دوطرفه:

ارتباط یکطرفه(یکجانبه): انتقال پیام از فرستنده شروع و به گیرنده ختم می شود و گیرنده نسبت به مفاهیم پیام واکنشی به فرستنده نشان نمی دهد.

ارتباط دوطرفه(دوجانبه): پیوسته نقش فرستنده و گیرنده در جریان ارتباط عوض می شود و فعالیتهای ارتباطی بعدی بر اساس واکنش گیرنده و فرستنده پیام تعیین می شود.

### بررسی فرایند ارتباط

برای نشان دادن خصوصیات جریان و تحول ارتباط الگوهای مختلفی تهیه و عرضه می شود.

تعریف الگو: معمولاً به نمونه کوچک شیء یا مجموعه ای از اشیاء بزرگ الگو گفته می شود.

میلر در بحث درباره ارتباط کلامی الگو را نوعی دستگاه طبقه بندی برای تجرید و مقوله بندی اجزائی که بالقوه در فرایند ارتباطی نقش دارند معرفی می کند.



وظایف الگو از دیدگاه میلر:

- ۱- وظیفه سازمانی: از آنجا که برای گفتگو درباره فرایند ارتباط یک چهارچوب سازمانی لازم است، الگو شخص را قادر می‌سازد که ابعاد معینی از فرایند را از چهارچوب منفک سازد و آن را مورد تحلیل قرار دهد.
  - ۲- وظیفه اکتشافی: جهت کسب اطلاعات برای رسیدن به بینشهای نو درباره فرایند روانشناختی مورد مطالعه پژوهشگران الگو می‌تواند بسیار مفید باشد.
  - ۳- وظیفه پیشگیری: الگو می‌تواند همانند یک دستگاه پیش بینی کننده عمل کند. در حقیقت الگو به مثابه ابزار تحلیل موقعیت برای دست زدن به بعضی پیشگیریها بسیار مناسب است.
- لازم به ذکر است وظایف فوق از هم جدا و گسسته نبوده و لازم و ملزوم یکدیگرند.

۱- منبع یا فرستنده پیام

عناصر عمده موجود در الگوها ۲- پیام

۳- گیرنده پیام

فرستنده پیام:

- شناخت متغیرهای زیر نقش مؤثری در ارتباط دارند.
- طرز فکر و گرایش فرستنده در تعیین نوع پیام و نحوه ارسال آن تأثیر بسیار زیادی از خود بر جای می‌گذارد.
- عدم تسلط فرستنده بر محتوای پیام در مؤثر نبودن پیام تأثیر بسزایی دارد
- تسلط بر محتوا
- فرستنده پیام باید از طرز ارائه پیام برای مخاطبان خاص خود مطلع باشد و آن را در قالبی بریزد که برای گیرندگان قابل درک و فهم باشد

## مهارت در علامتگذاری

پیام: اطلاعات هرگز قابل انتقال نخواهد بود مگر اینکه به صورت علائم یا نمادهایی درآید. به عبارت دیگر منبع پیام باید اطلاعات، ارزشها و اندیشه هایی را که می خواهد به طور مؤثر به گیرنده پیام برساند، به صورتی درآورد که قابل انتقال باشد. به این عمل در اصطلاح ارتباطی رمزگذاری گویند.

پیام زمانی برای گیرنده قابل فهم خواهد بود که مجدداً از حالت رمز و علامت خارج شده و به صورت نشانه های آشنا درآمده باشد. به این عمل در اصطلاح رمزخوانی گفته می شود.

پیام باید در شرایطی خاص و با وسیله و از راه و طریقی در اختیار گیرنده یا گیرندگان پیام قرار داده شود. در اصطلاح ارتباطی وسیله حمل پیام را حامل و راه و طریقی را که پیام در آن حمل می شود کانال می گویند. انتخاب حامل و کانال می بایست متناسب با پیام و ویژگیهای گیرندگان باشد.

- هر چه پیام قوی تر و مؤثرتر باشد
- هر چه علائم، حاملها و کانالها مناسبتر انتخاب شود
- و ارسال پیام همواره کنترل شود

گیرنده پیام: گیرندگان پیام از بین پیامهای مختلف آنچه را خود می خواهند و با نیازها و نظریات آنان تطبیق کند، می گیرند. یعنی بعضی را برگزیده و برخی را رد کرده و به دلخواه خود از آن استفاده می کنند.

مهمترین مسئله در یک نظام ارتباطی این است که فرستنده و گیرنده پیام از نظر اطلاعات، عواطف و سایر ارزشهای اجتماعی و فرهنگی وجه مشترکی داشته باشند. یعنی دریافت کننده پیام باید قادر باشد مفاهیم فرستنده پیام را درک کند.

از دیگر عناصر قابل توجه در تحلیل فرایند ارتباط عنصر تأثیر است. تأثیر نتیجه ای است که از برقراری ارتباط حاصل می شود و هدفی است که فرستنده از ابتدای ایجاد ارتباط باید به آن توجه داشته باشد.

مهمترین ملاک تشخیص تأثیر یک جریان ارتباطی بازخورد است. بازخورد عبارت است از عکس العملی که گیرنده پیام پس از تفسیر و ارزیابی پیام بر اساس دریافت و تفسیر علائم و درک فکر فرستنده از خود بروز می دهد و مجدداً دریافت خود را به صورت پیام به فرستنده ارسال می کند.

جزوات آمادگی در آزمون های استخدامی آموزش و پرورش

آموزگار ابتدایی

**نکته مهم**

کاربر گرامی، این تنها یکی از جزوات آمادگی در آزمون  
استخدامی آموزش و پرورش می باشد. جهت دانلود سایر  
دفترچه سوالات عمومی و تخصصی و جزوه های عمومی و  
تخصصی در قالب یک بسته جامع به آدرس ذیل مراجعه  
کنید:

<http://downloadtest.ir/post/276>

بازخورد فرستنده را قادر می‌سازد که تأثیر پیام خود را بلافاصله ارزیابی کند.

بازخورد مثبت : فرستنده پیام را تقویت می‌کند تا به کار خود ادامه دهد.

بازخورد منفی : بررسی فرایند انتقال توسط فرستنده پیام و اصلاح اشتباهات اجزای الگو

در فعالیتهای آموزشی معلم می‌تواند با توجه به بازخورد فراگیران، شرایط و عوامل مؤثر ارتباط، نوع، کیفیت و سودمندی تفهیم و تفاهم را بیشتر کند و در نتیجه سطح و میزان یادگیری را افزایش دهد.

### موانع ارتباط

بعضی عوامل درونی و بیرونی ممکن است موجب شود ارتباط مطلوب برقرار نشود که به این عوامل پارازیت یا موانع ارتباط گویند.

مهمترین موانع ارتباط در فعالیتهای آموزشی و کلاس درس

۱- بحث شفاهی: انسان به طور خودکار در برابر محرکهای ناخوشایند حالت تدافعی به خود می‌گیرد. استفاده مداوم از یک محرک باعث کاهش یادگیری و تدریس می‌شود. تدریس کلامی هرچه بیشتر مور استفاده قرار گیرد کارایی کمتری خواهد داشت. برای افزایش کارایی تدریس می‌بایست علاوه بر علائم و نمادهای شفاهی از علائم غیر کلامی و کانالهای مختلف دیگر نیز استفاده کرد.

۲- جالب توجه نبودن پیام: برای گیرنده پیام ارزش اطلاع موجود در هر پیام بسته به جالب بودن، تازه بودن و غیرقابل پیش بینی بودن پیام است. هر چه عناصر تازه پیام بیشتر باشد ارزش آن بالاتر رفته و برای فراگیران جالب توجه تر خواهد بود.

برای کاهش اثر این محدودیت معلم می‌بایست ابتدا مخاطبان را شناسایی کرده و از گرایشها، اطلاعات و نیازهای آنها مطلع شده و سپس تدریس خود را بر اساس آن اطلاعات آغاز کند.

۳- انتقال منفی: هنگامی که با موضوع و مشکل جدیدی مواجه می‌شویم، اگر در مورد آن زمینه قبلی کافی نداشته باشیم سعی می‌کنیم در ذهن خود از تجارب قبلی نزدیک به آن برای درک مطلب یا حل مشکل جدید استفاده کنیم. اگر تجارب قبلی ما را در درک مطلب جدید یاری دهد انتقال صحیح یا انتقال مثبت و اگر باعث سردرگمی بیشتر و به وجود آمدن مشکل جدید شود انتقال منفی گفته می‌شود.

انتقال منفی غالباً در ارتباط کلامی ایجاد می‌شود و مناسبترین راه از بین بردن اثر آن ایجاد ارتباط از کانالهای مختلف به ویژه استفاده از عکس، اسلاید و فیلم در آموزش است.

۴- رؤیایی شدن یا در خود فرو رفتن: رؤیایی شدن یک وسیله تدافعی است که شاگرد در برابر محیط خشک کلاس از خود نشان می‌دهد. در این حالت شاگرد علیرغم حضور فیزیکی کاملاً از محیط کلاس و فعالیتهای یادگیری دور می‌شود.

با افزایش سطح درک شاگرد و جذابیت موضوع و به کارگیری روشهای مختلف ارتباطی می‌توان این حالت را کاهش داد.

۵- عدم درک: معلم می بایست سعی کند مطلبی را که به فراگیران آموزش می دهد درخور فهم و ادراکشان باشد تا فراگیران بتوانند ارتباط لازم را با او برقرار کنند.

بیان مطلب به همراه مثالهای مأنوس باعث انتقال پیام به طور محسوس و ملموس به مخاطب می شود.

۶- عوامل فیزیکی نامناسب: ناراحتی شاگرد بر اساس عوامل فیزیکی کلاس ممکن است سبب قطع ارتباط او با معلم شود.

نکته: گاهی موانع خاصی از بیرون وارد جریان ارتباط نمی شود، اما به علت عدم شناخت ظرفیت واقعی کانال یا نارساییهای دیگر ارتباطی تمام پیامهای ارسال شده از طرف فرستنده به گیرنده نمی رسد و از مدار خارج می شود. به این حالت هرز رفتن پیام گفته می شود.

۱- به حداکثر رساندن ظرفیت کانال

راههای کاهش هرز رفتن پیام ۲- انتخاب کانال مناسب برای پیام

۳- تکرار مطالب و استفاده از رسانه های مختلف

## فصل سوم

### شناخت و تدوین هدفهای آموزشی

تا فردننداند مقصدش کجاست هرگز نمی تواند به گزینش بهترین راه رسیدن به آن بپردازد.

هدف: وسیله ای است که به فعالیت فرد جهت میدهد و دارای دو ویژگی توالی و پیش بینی است.

ضرورت تعیین و تنظیم هدف های آموزشی:

اگر هدف های آموزشی دقیق و روشن بیان نشوند هیچ مبنای معتبری برای طراحی و انتخاب مواد و وسایل، محتوا و روشهای آموزشی وجود نخواهد داشت و فعالیت های آموزشی و آزمون های گمراه کننده و عاری از آگاه کنندگی می شوند.

منابع تعیین هدف های آموزشی:

۱. نیاز فراگیران ۲. نیاز جامعه ۳. دیدگاههای متخصصان

هدف های صریح آموزشی در سه حیطة طبقه بندی می شوند :

۱. حیطة شناختی : ۱. دانش ۲. فهمیدن (ترجمه-تفسیر-برون یابی)

۳. به کار بستن ۴. تحلیل ۵. ترکیب ۶. ارزشیابی و قضاوت

۲. حیطة عاطفی: ۱. دریافت و توجه کردن ۲. پاسخ دادن ۳. ارزشگذاری  
های سازمانی ۴. سازماندهی ارزش ها ۵. تبلور ارزش

۳. حیطة روانی - حرکتی: ۱. مشاهده و تقلید ۲. اجرای عمل بدون کمک ۳. دقت در عمل ۴. هماهنگی حرکات ۵. عادی شدن عمل

در این زمینه صاحب نظران به نامی را می توان نام برد:

جان دیویی :

هدف به منزله روشی است برای دگرگون ساختن موقعیت موجود، هدف شایسته هدفی است که با توجه به اوضاع و احوال موجود اتخاذ شود و هدف، مرحله نهایی یک سلسله فعالیت مستمر است.

اصول جان دیویی در تعیین هدف های آموزشی:

۱. هر یک از مراحل فعالیت تا زمانی که طی نشده اند هدف هستند و از لحاظ آینده وسیله خواهند بود.

۲. اگرچه هدف هر فعالیت آموزشی بیش از شروع آن تعیین می شود نباید تغییر ناپذیر و غیر قابل انعطاف باشد.

۳. هدف باید فرد را به فعالیت برانگیزد و به فعالیت او جهت دهد .

۴. هدف تربیتی باید به اوضاع و احوال محیط شخص موافق باشد تا حاصل آن میسر شود.

۵. هدف های تربیتی باید عینی و قابل تصور و تحقق باشند

ضرورت تعیین و تنظیم هدف های آموزشی در فرآیند تدریس - یادگیری:

اگر در فعالیت های آموزشی درون مدرسه، هدف ها به صورت مشخص و مرتب در ذهن معلم و شاگرد جا نیفتاده باشد فعالیت های آموزشی، به ویژه سنجش ها و آزمونها در بهترین شکل خود گمراه کننده و عاری از آگاه کنندگی خواهد بود، علاوه بر این اگر هدف های آموزشی دقیق و روشن بیان نشوند هیچ مبنای معتبری برای طراحی و انتخاب مواد و وسایل، محتوا و روش های آموزشی وجود نخواهد داشت.

تا فرد نداند مقصدش کجاست هرگز نمی تواند به گزینش بهترین راه رسیدن به آن بپردازد.

## منابع تعیین هدف های آموزشی

از نظر فیلسوفان تربیتی منبع اصلی تعیین هدفهای آموزشی فلسفه آموزش و پرورش است و گروهی نیز بر این باورند که امر تعلیم و تربیت مستقل از سیاست نمی تواند باشد. پس نگرشهای سیاسی-اجتماعی را منبع تعیین هدفهای آموزشی میدانند.

پس می توان نتیجه گرفت که هدفهای آپ هر جامعه براساس جهان بینی آن جامعه تعیین می شود زیرا آپ هر جامعه از فرهنگ و باورهای اجتماعی نشات گرفته است و تحت تاثیر ارزشها و قضاوتهای سیاسی-اجتماعی قرار دارد. پس هدفهای آموزشی نمی تواند خارج از ارزشها و باور اجتماعی و نیازهای آن جامعه تعیین شود و بی تاثیر از عواملی همچون زمینه فرهنگی خانواده، علایق، گرایش ها، نیازها و مهارتهای قبلی فراگیران و موقعیت فیزیکی محیط های آموزشی و نگرش مربیان و... نیست.

### منابع تعیین هدف های آموزشی عبارتند از:

۱. نیاز فراگیران (مازلو): نیاز فیزیولوژیک، نیاز به ایمنی، نیاز به محبت و نیاز به خود شکوفایی. این نیازها به ترتیب باید ارضا شوند تا نیازهای بالاتر فرصت خود نمایی و بروز داشته باشند.

۲. نیاز جامعه: هدف های تربیتی باید با توجه به احتیاجات و مشکلات اجتماعی تعیین شود. و بررسی وضع اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جامعه در زمان گذشته حال آینده به ما در تعیین این نیازها کمک می کند و هدفهای آموزشی نباید با جهان بینی جامعه مغایرت داشته باشد

۳. دیدگاه های متخصصان: با وجود همه ضوابط هدفها پس از تعیین باید از تحلیل و آزمایش و غربال رد شوند و بهترین آنها انتخاب شده و هدفهای اضافی و کم اهمیت حذف شوند.

### طبقه بندی و تحلیل هدفهای صریح آموزشی در حیطه یادگیری

منظور از طبقه بندی تعیین راهها و مراحل دقیق و مشخص است که بعد از تحقق آنها تغییرات لازم در تفکر، احساسات و مهارتهای عملی شاگردان به وجود آید.

در تعیین هدفهای آموزشی لازم است حیطه های یادگیری مشخص شود.

یادگیری معمولاً در سه حیطه شناختی، عاطفی، روانی - حرکتی اتفاق می افتد (طبقه بندی بلوم)

این دسته بندی به دلیل تاکید بر جنبه های خاص هدفهای مختلف است و نه متمایز کردن آنها زیرا سه حیطه مشخص شده مجزا و نامربوط نیستند.

مثال

هر معلم شایسته ای سعی میکند در شاگردان علاقه ایجاد کند(هدف عاطفی) تا آنان موضوعات درسی را یاد بگیرند(هدف شناختی) در مواقعی معلم سعی می کند با در اختیار گذاشتن معلومات و اطلاعات خاص(هدف شناختی) گرایش شاگردان را تغییر دهد(هدف عاطفی)

### سطوح یادگیری در حیطه شناختی بلوم:

این سطوح باید به ترتیب اتفاق بیافتد تا راهی برای رفتن به سطح بعد باز شود.

۱. دانش(ساده ترین سطح شناخت): همان یادآوری و باز شناسی است و صرفاً جنبه حفظی دارد. مثلاً شاگرد بدون حفظ جدول ضرب تمارین مذبوط را نمی تواند حل کند.

۲. فهمیدن: توانایی پی بردن به مفهوم یک مطلب و توضیح آن با جملاتی که شخص خودش می سازد بی آنکه ارتباطی بین این مطلب و مطالب دیگر برقرار کند که به چند دسته فرعی تقسیم می شود.

الف-ترجمه: برگرداندن مطالب از شکلی به شکل دیگر بی آنکه معنی و محتوای آن دگرگون شود مثل ترجمه شعر

ب-تفسیر: تشخیص نکات اساسی و جدا کردن آن از قسمتهای کم اهمیت تر مثل استنباط مفاهیم از یک قطعه شعر.

ج-برون یابی: مهارت در تعلیم دادن یا بکارگیری اطلاعات در طول زمان به منظور پیش بینی نتایج خاص مثل بسط دادن یک متن سیاسی به ورای آنچه در متن آمده

۳. بکار بستن: توانایی کاربرد اصول علمی، فرضیه ها و قضایا و دیگر مفاهیم انتزاعی در وضعیت و موقعیت مناسب بدون اینکه هیچ راه حلی ارائه شود. مثل: شاگردی که می تواند اصول و قوانین مثلثات را در موقعیت علمی جدید بکار برد

۴. تحلیل: شکستن مطلب به اجزا تشکیل دهنده آن و یافتن روابط بین اجزا و نحوه سازمان یافتن آن مثل شاگردی که بتواند یک جمله ادبی را از نظر دستوری تجزیه و نقش و روابط کلمات را تشخیص داده و جمله را سازماندهی کند.

۵. ترکیب: در هم آمیختن دوباره قسمتهایی از تجارب گذشته با مطالب جدید و بازسازی آن به بصورت یک کل تازه و نسبتاً انسجام یافته مثل طراحی طرح آموزشی مناسب در یک موقعیت ویژه در درس روشها و فنون تدریس توسط دانشجو.

۶. ارزشیابی و قضاوت(پیچیده ترین سطح شناخت): این سطح شامل قضاوت در باره امور، اطلاعات و حتی روشهای روبرو شدن با مسائل است. در واقع ارزشیابی نتیجه جریان شناخت است مثل: دانشجویی که بتواند دو قطعه ادبی را از نظر نگارش با هم مقایسه کند و یکی را با ذکر دلائل بر دیگری ترجیح دهد.



## سطوح یادگیری در حیطه عاطفی:

هدف های حیطه عاطفی آن هدف های آموزشی هستند که با نگرش ها و عواطف و علائق و ارزش ها سر و کار دارند که به پنج سطح طبقه بندی می شوند: (از آسان به مشکل)

۱. دریافت و توجه کردن:

جلب و حفظ و هدایت توجه شاگرد نسبت به فعالیت آموزشی که نتیجه این سطح: از آگاهی ساده نسبت به موضوع شروع و تا توجه حساب شده نسبت به آن ادامه می یابد.

۲. پاسخ دادن:

نشان دادن واکنش در مورد مسئله مورد نظر که نتیجه این سطح: از پیروی و متقاعد شدن شروع و تا تمایل به پاسخ دادن و داوطلبانه اقدام کردن و سر انجام پاسخ دادن همراه با رضایت و علاقه پیش می رود.

۳. ارزش گذاری :

درونی کردن دسته معینی از ارزشها که نتیجه این سطح: از متعهد کردن شاگرد در برابر ارزش ها شروع و تا راهنمایی دیگران به قبول این ارزش ها و تشویق و ترغیب آنها برای پذیرفتن آن پیش می رود.

۴. سازماندهی ارزش ها:

ادغام ارزش های مختلف و رفع تعارضات بین آنها و بنا نهادن یک نظام ارزشی پایدار و منسجم که نتیجه این سطح: از ادغام ارزش های جدید پذیرفته شروع شده و تا تطبیق این ارزش ها با ارزش های درونی شده قبلی ادامه می یابد.

۵. تبلور ارزش های ساز مان یافته در شخصیت : شاگرد دارای نظامی از ارزش ها می شود که رفتار وی را برای مدتی طولانی کنترل می کند و در نهایت به صورت نوعی شخصیت در وجود او پدیدار می شود. که نتیجه این سطح: مجموعه ای از ارزش ها در رفتار وی انعکاس دائم می یابد و جزء فلسفه زندگی وی و شخصیتش می شود.

## سطوح یادگیری در حیطه روانی – حرکتی:

هدف های این حیطه بیشتر نیاز مند همکاری اعصاب و ماهیچه هاست مثل رانندگی، خیاطی و... و بیشتر شامل مهارت های عملی در زمینه های فنی حرفه‌ای و تربیت بدنی و هنر و ... است.

## سطوح یادگیری حیطة روانی - حرکتی

۱. مشاهده و تقلید:

شاگرد به مشاهده رفتار مربی می‌پردازد و سپس تقلید می‌کند و آن رفتار را انجام می‌دهد.

۲. اجرای عمل بدون کمک:

در این مرحله به اجرای آگاهانه تر عمل میرسیم و میزان وابستگی شاگرد به مربی بسیار ناچیز می‌شود ولی نظارت و هدایت او باید ادامه داشته باشد.

این سطح به سطح فرعی تقسیم می‌شود:

الف- اجرای آگاهانه دستور العمل ها

ب- انتخاب بهترین روشها

ج- اجرای مکرر عمل بدون کمک یا تثبیت

۳. دقت در عمل:

اجرای عمل با سرعت و دقت و ظرافت بیشتر از مرحله قبل و کاهش اشتباهات مرحله قبل.

نظارت و راهنمایی مربی و تمرین و تکرار در این مرحله نیز باید باشد.

۴. هماهنگی حرکات:

یعنی برقراری هماهنگی بین مجموعه ای از اعمال، با رعایت نظم و کارایی لازم

۵. عادی شدن عمل:

بالاترین سطح مرحله یادگیری در حیطة روانی حرکتی است که در آن شاگرد به بطور خودکار به انجام دقیق کارهای دقیق و موزون عادت می‌کند

## فصل چهارم

### الگوهای تدریس

عوامل موثر در تدریس :

- الگوی تدریس چیست؟

- الگوی تدریس چارچوب ویژه ای است که عناصر مهم تدریس در روند آن قابل مطالعه است .
- شناخت و آگاهی از عناصر مهم تدریس می تواند معلم را در اتخاذ روشهای مناسب تدریس کمک کند
- الگوی ماشین نگری و الگوی سازمانی نگری
- الگوی ماشین نگری:

- الگوی ماشین نگری یک الگوی آموزش بسیار قدیمی است
- در این الگو انسان به عنوان موجود غیر فعال، تهر و منفعل در نظر گرفته می شود
- فعالیتهای آدم بر اثر نیروهای خارجی انجام می گیرد
- هدف آموزش و پرورش انتقال فرهنگ، پر کردن ذهن آدمی و شکل دادن به رفتار اوست.

#### نتایج آموزش الگوی ماشین نگری:

- تهیه و تنظیم برنامه های تحصیلی مرحله به مرحله و انعطاف پذیر
- تأکید در زمینه انتقال محتوا در آموزش و پرورش
- فعالیت های آموزش بسیاری از کشورهای در حال رشد معمولاً بر اساس این الگو پایه ریزی شده است.
- عده ای این الگو را به دلیل اینکه معلم مرکز و نقطه اتکای شاگردان است و همیشه به عنوان دریایی از معلومات در برابر آنان ظاهر می شود «الگوی معلم محور» می نامند .

## الگوی سازمانی نگر:

- توجه به شاگردان و توانائیهای او از اهمیت خاص برخوردار است .
- مطابق این الگو آدمی به عنوان موجود زنده ای در نظر گرفته می شود که ذاتا فعال است
- طبق این الگو هدف آموزش و پرورش بهبود و پرورش مداوم افراد در جهت به ظهور رسانیدن توانائیهای بالقوه آنان است .

## نتایج آموزش الگوی سازمانی نگری:

- اجرای برنامه های تحصیلی مرحله به مرحله و غیر قابل انعطاف پذیر نیست
- شایستگی و صلاحیت فرد نسبت به محتوا
- توجه به تغییرات کیفی نسبت به تغییرات کمی
- تأکید بر نقش تجربه در بهبود منابع انسانی از اهمیت والایی برخوردار است
- ایجاد مدار س و کلاسهای تحول یافته
- تغییر در نحوه آموزش

## الگوی عمومی تدریس:

- معروفترین الگو برای تدریس الگوی عمومی تدریس است
- این الگو در عین سادگی فرایند تدریس را بخوبی توصیف می کند
- به معلم در سازمان دادن فرایند تدریس کمک می کند
- فرایند تدریس در الگوی عمومی تدریس به پنج مرحله تقسیم می شود:
- مرحله اول: تعیین هدفهای تدریس (هدفهای رفتاری)
- مرحله دوم: تعیین رفتار ورودی وارزشیابی تشخیص
- مرحله سوم: تعیین شیوه ها و وسایل تدریس
- مرحله چهارم: سازماندهی شرایط و موقعیت آموزش

## فصل پنجم

### تحلیل آموزشی

تحلیل آموزشی فرایندی است که از طریق آن هدف نهایی آموزشی به وظایف یا اعمالی که شاگرد باید انجام دهد یا معلومات و مهارت هایی که پس از اجرای آموزش باید کسب کند، تقسیم می شود. فرایند تحلیل آموزشی شامل مراحل زیر می باشد:

۱- تبدیل هدف کلی (هدف نهایی آموزشی) به اهداف جزئی (اهداف مرحله ای آموزشی)

۲- تبدیل هدف جزئی (هدف مرحله ای آموزشی) به اهداف رفتاری (هدف های اجرایی)

۳- تعیین نوع ارتباط بین هدف های کلی و جزئی

۴- تعیین رفتار ورودی

۵- ارزشیابی تشخیصی

۶- تعیین نخستین گام آموزشی

هدف های کلی آموزشی

به آن دسته از اهداف آموزشی که به صورت عبارت های کلی بیان می شوند، هدف های کلی آموزش گفته می شود؛ مانند مثال زیر:

- آموزش و پرورش باید تواناییهای ذهنی شاگردان را بیوراند.

هدف های کلی آموزشهای (هدف نهایی) هدف هایی هستند که به صورت مبهم بیان می شوند و ممکن است در مقایسه با هدف های مرحله ای در مدت زمان بیشتری تحقق پذیرد. این گونه هدفها، به عنوان نوعی انگیزه به کار می رود. این هدفها، فعالیتها و هدفهای مرحله ای و رفتاری را که در نهایت امر از نظر آموزشی با ارزش هستند، روشن می کنند و به آنها جهت و هماهنگی لازم را می بخشند و به معلم امکان می دهند تا تمام فعالیت های لازم را برای کسب دانشها و مهارتهای جدید برای شاگرد طراحی کند

#### هدفهای جزئی (هدفهای مرحله ای)

هدف کلی جهت حرکت را مشخص می کند، در حالی که هدف جزئی مقاصد را می سازد و در نتیجه، نسبت به هدف کلی دارای جنبه های عملی بیشتری است. نکته مهم، نسبی بودن هدفهاست؛ مثلاً هدف کلی یک درس را می توان به دسته ای از هدف

های مرحله ای تجزیه کرد . هدف های مرحله ای نیز ممکن است هر یک ، هدف کلی فصلی از آن درس شوند و هدف های جزئی تری از آنها سرچشمه بگیرد .

### هدف های رفتاری ( هدف های اجرایی )

هدف های رفتاری یا هدف های اجرایی به آن دسته از هدف ها گفته می شود که نوع رفتار و قابلیت هایی را که انتظار داریم شاگرد پس از یادگیری مطالبی خاص به آنها برسد ، مشخص کند . هدف های رفتاری چون بر رفتار نهایی تاکید می کند ، معیار خوبی برای مشاهده و اندازه گیری میزان یادگیری شاگردان خواهد بود.

یک هدف رفتاری خوب باید دارای ویژگی های زیر باشد :

۱. رفتار مورد مشاهده ، باید دقیقاً مشخص باشد . یعنی هدف به گونه ای بیان شود که مانع ایجاد سوء تفاهم گردد . در تعیین هدف های رفتاری ، باید انتظارات معلم از شاگردان به روشنی مشخص شود.

۲. موقعیتی که رفتار باید در آن مشاهده شود ( یا انجام گیرد ) مشخص شده باشد . یعنی در تنظیم هدف های رفتاری ، بیان موقعیت کاملاً ضروری است ؛ زیرا نه تنها شاگرد از موقعیتی که با در نظر گرفتن آنها ارزیابی خواهد شد آگاه می شود ، بلکه ذکر موقعیت برای معلم و شاگرد وسیله ای است برای اجتناب از سردرگمی و آشفتگی در عمل .

۳. سطح اجرا ( درجه موفقیت ) باید دقیقاً مشخص باشد . یعنی سطح مشخصی از یادگیری که از قبل به وسیله تعیین کنند ، هدف مشخص شده است ، معیاری است که با آن ، موفقیت شاگرد در رسیدن به هدفهای آموزشی سنجیده می شود .

مثال زیر دارای سه ویژگی یک هدف رفتاری است :

با در دست داشتن فهرستی از ۳۵ عنصر شیمیایی ، دست کم ظرفیت ۳۰ عنصر را به یاد آورید و بنویسید .

رفتار مورد نظر : به خاطر آوردن و نوشتن

موقعیت : داشتن فهرستی از ۳۵ عنصر شیمیایی

سطح اجرا : دست کم ۳۰ عنصر

### نقش هدف های رفتاری در فرایند تدریس

هدف رفتاری به معلم کمک می کند تا نحوه ظهور رفتارهایی را که از شاگردان انتظار دارد با دقت بیشتری مشخص کند و بر اساس آنها ، برای رسیدن به اهداف تعیین شده ، مواد آموزشی و روش تدریسی مناسب را انتخاب کند .

به طور کلی ، هنگامی که معلم به طراحی آموزشی می پردازد ، هدف های رفتاری ممکن است در موارد زیر به او کمک کند :

۱. سبب شدند که او برای تحقق آن هدف ها ، مطالب آموزشی مناسبی انتخاب کند .
۲. راهنمای خوبی برای انتخاب روش مناسب تدریس و رسانه های آموزشی مختلف باشند.
۳. راهنمای خوبی برای طرح سوالات ارزشیابی پیشرفت تحصیلی باشند .
۴. موجب شوند که شاگردان دقیقاً بتوانند در هر مرحله از آموزش ، پیشرفت خودشان را دقیقاً ارزیابی کنند .

### رعایت هدفهای رفتاری :

۱. تدوین هدفهای رفتاری منجر به ایجاد صلاحیت ها و مهارتهای جزئی و بی اهمیت می شود .
  ۲. تدوین هدفهای رفتاری خلاقیت و ابتکار را در فعالیتهای آموزشی محدود می کند .
  ۳. تدوین هدفهای رفتاری تدریس را روی حقایق متمرکز می سازد و رفتار پیچیده و عالی تر را از نظر دور می دارد .
  ۴. تدوین هدف های رفتاری آموزش را غیر قابل انعطاف و غیر انسانی می سازد .
- البته این اعتقاد زمانی وارد است که طراح یا معلم ، خود را اسیر هدفهای رفتاری تلقی کند و در فعالیتهای آموزشی ، هیچ گونه انعطافی از خود نشان ندهد .

### مراحل تحلیل آموزشی

الف : تبدیل هدفهای کلی ( نهایی ) به هدفهای جزئی

برای قابل استفاده کردن هدفهای کلی ، باید آنها را تجزیه کرد و به صورت هدفهای جزئی ( مرحله ای ) در آورد .

ب : تبدیل هدف های جزئی ( مرحله ای ) به هدفهای رفتاری

هدفهای جزئی باید به گونه ای تقسیم شوند که مهارتها و فعالیتهایی که انتظار داریم شاگردان در پایان دوره آموزشی از خود بروز دهند و شرایطی که با وجود آنها این مهارتها و رفتارها باید شکل بگیرند ، مشخص شوند . هدفهای رفتاری نیز ممکن است به دو دسته تقسیم شوند :

۱- هدفهای اجرایی نهایی ، رفتاری است که شاگرد پس از پایان آموزش باید از خود نشان دهد .

۲- هدفهای اجرایی مرحله ای ، رفتاری است که باید شاگرد ضمن آموزش و قبل از رسیدن به هدفهای اجرایی نهایی از خود نشان دهد

نکته مهم در این جا این است که هدفهای مرحله ای هدفهایی هستند که با تحقق آنها ، شاگرد به هدفهای اجرایی نهایی می رسد ، در حالی که فعالیتهای یادگیری روشهای آموزشی است که شاگرد را در رسیدن به این هدفها یاری می دهد و نباید این دو را با همدیگر اشتباه گرفت .

ج : تعیین روابط هدفهای اجرایی نهایی با هدفهای اجرایی مرحله ای

در تحلیل آموزشی ، هدفهای اجرایی را باید به گونه ای مرتب کنیم که یادگیری ساده در پایان و یادگیریهای مشکل در بالا قرار بگیرد ، زیرا مشکل ترین یادگیری ( مهارتهای اصلی ) هدف اجرایی نهایی است و یادگیریهای ساده تر ( مهارتهای فرعی ) در مقایسه با هدفهای اجرایی نهایی ، هدفهای اجرایی مرحله ای به شمار می رود . در ضمن ، سلسله مراتب هدف کل اجرایی مرحله ای نیز باید بر اساس ارتباط آنها با یکدیگر تعیین شود . معمولاً هدفهای اجرایی نهایی با هدفهای اجرایی مرحله ای و این اهداف با همدیگر به سه صورت ارتباط دارند .

۱. ارتباط هدفها با هم به گونه ای است که هدفهای پائین تر ، پیش نیاز هدفهای بالاترند . ارتباط چنین اهدافی را با هم " ارتباط تسلسلی " یا " ارتباط متوالی " گویند .

۲. آموزش مطالب مربوط به هر هدف ، پیش یا پس از هدفهای دیگر امکان پذیر است ، این ارتباط را " ارتباط هم تراز " یا " ارتباط موازی " می گویند .

۳. در بیشتر مواقع ، ارتباط هدفهای اجرایی حالت ترکیبی دارد ، یعنی اجزای هدف اجرایی نهایی را یک سلسله " هدفهای تسلسلی و همتراز " تشکیل می دهند .

د : تعیین رفتار ورودی

رفتار ورودی رفتارها و تواناییهایی است که شاگردان باید قبل از شروع یک فعالیت آموزشی از خود نشان دهند تا بتوانند با موفقیت به اهدافهای اجرایی دست یابند .



ه : ارزشیابی تشخیصی

از طریق ارزشیابی تشخیصی می توان مشخص کرد که شاگردان معلومات ، تواناییها و مهارتهای لازم را برای ورود به مطلب جدید دارند یا نه . ارزشیابی تشخیصی را معمولاً از طریق اجرای " سنجش آغازین " یا " آزمون رفتار ورودی " انجام می دهند . بسیاری نیز ارزشیابی تشخیصی را به صورت ترکیبی از آزمون رفتار ورودی و " پیش آزمون " اجرا می کنند که این حالت مطلوبتر به نظر می رسد .

و : تعیین اولین گام آموزشی

معلم نخستین گام آموزشی ، یعنی نقطه شروع تدریس خود را مشخص کند . معمولاً برای تعیین نقطه شروع ، از ارزشیابی تشخیصی استفاده می شود . ارزشیابی تشخیصی می تواند دقیقاً مشخص کند که معلم فعالیت جدید را باید از چه نقطه ای آغاز کند .

اگر معلمی بدون توجه به تواناییها و قابلیت های شاگردان تدریس را شروع کند باید قبل از شروع تدریس درس جدید به ترمیم مفاهیم و پیش نیاز بپردازد . در صورتی که با توجه به تواناییهای ورودی شاگردان تدریس را آغاز کند وی باید عمل تدریس را به صورت جهشی انجام دهد ، یعنی آن دسته از هدفهای اجرائی را که شاگردان می دانند ، در تدریس نادیده بگیرد و تدریس را از نقطه ای آغاز کند که آنان نمی دانند .

## فصل ششم:

### محتوا، روش و وسیله

اهداف فصل: در این فصل می‌خواهیم محتوای آموزشی را تعریف کنیم، آن را تحلیل کنیم، مراحل تحلیل محتوا را شرح دهیم، اصول تهیه و تنظیم آن را توضیح دهیم، وسایل آموزشی را تعریف و تحلیل کنیم و اهمیت آنرا بیان کنیم.

### الف: تحلیل و انتخاب محتوا

محتوا اصول و مفاهیمی هستند که به شاگردان ارائه می‌شود تا رسیدن آنان را به هدفهای اجرایی امکان پذیر سازد. محتوای آموزشی باید بر اساس هدفهای آموزشی معین تهیه و تنظیم شود و مطالب و فعالیتهای پیشنهادی باید دقیقاً با هدفهای کلی، جزئی و رفتاری مطابق و همسو باشد تا تحقق آن را امکان پذیر سازد.

### ب: شیوه های تحلیل محتوا

تحلیل محتوا یک روش علمی برای ارزشیابی پیامهای آموزشی است و دارای چهار خصلت زیر است.

۱- عینی بودن: تحلیل محتوا مستلزم آن است که بررسیهای انجام شده آن قابل بازبینی و بازسازس باشد. ۲- منظم بودن: در تحلیل محتوا بایستی تمام عناصر موجود در محتوا مورد توجه قرار گیرند و بر اساس واحدها و مقوله هایی که برای بررسی در نظر گرفته شده اند تحلیل شوند. ۳- آشکار بودن: در تحلیل محتوا الزاماً باید به متن یا پیام آشکار توجه شود و استنباطهای شخصی و پیشداوریهای فردی مورد نظر قرار نگیرند. ۴- مقداری بودن: خصلت مقداری بودن در واقع جانشین جنبه های ذهنی و استنباطی بررسیها و تحلیلهای نظری است که با مقیاس دقیق قابل ارزیابی نیستند.

### ج: مراحل تحلیل محتوا

مهمترین مراحل تحلیل محتوا عبارتند از: ۱- مشخص ساختن هدف تحلیل: تحلیلگر بایستی هدف خود را بطور صریح و مشخص از بررسی محتوا مشخص کند. ۲- جمع آوری نمونه های مورد تحلیل: پس از تعیین هدف، نخستین اقدام عملی، جمع آوری داده هایی است که در تحلیل بررسی خواهند شد. باید دقت داشت که نمونه ای که انتخاب می‌کنیم باید نمایانگر تمام ویژگیهای محتوا باشد و موجب استنباط غلط نشود. ۳- تقسیم مجموعه مورد بررسی به واحدهای مختلف: در این تقسیم بندی باید به عناصر زیر توجه داشت. الف) کلمه ها: بویژه کلماتی که در انتقال مفاهیم نقش اساسی دارند که بایستی خوانا و گیرا باشند. ب) نمادها: نمادها باید با توجه به سطح دانش گران، قدرت انتقال مفاهیم و میزان گیرایی بررسی شوند. ج) مضمونها: پرارزشتترین واحدی است که در تحلیل محتوا باید مد نظر قرار گیرد. د) شخصیتهای مطرح شده: در متون داستانی، شخصیتهای مطرح شده و ویژگیهای آنان باید به عنوان یک واحد بررسی مورد توجه قرار گیرد. ۴- طبقه بندی واحدها: واحدهای مورد بررسی باید بر اساس ارزش و اولویت طبقه بندی شوند. طبقه بندی باید جامع باشد و مجموع محتوا را در بر بگیرد. ۵- ارزیابی عینی طبقه ها: ارزیابی طبقه ها با روشهای مختلفی صورت می‌گیرد که دقیقاً به هدف بررسی بستگی دارد. در ارزیابی از روشهای تحلیل فراوانی، تحلیل همبستگی و تحلیل جهت گیری استفاده می‌کنیم.

## د: تهیه و تنظیم محتوای آموزشی

اصول و ضوابطی که در تهیه و تنظیم محتوای آموزشی باید در نظر گرفته شود، عبارتند از: ۱- میزان علاقه و توانایی شاگردان: محتوای آموزشی باید با گروه سنی، قوه درک، علایق و رغبت شاگردان مطابقت داشته باشد. ۲- مفاهیم و اصول و قوانین هر علم: مفاهیم موجود در محتوای آموزشی را باید در خزانه علوم مختلف جستجو کرد. خزانه هر علم به مجموعه اطلاعات، میراث علمی و مجموعه دانش انوخته شده سازمان یافته هر علم اطلاق می شود. ۳- ساخت علوم مختلف: هر علم ساخت ویژه و روشها و قواعد اساسی ویژه خود را دارد که در تنظیم محتوای آموزشی باید به همه این ویژگیها توجه کرد. ۴- توالی مطالب: مطالب محتوای آموزشی باید در یک خط سیر مشخص و به صورت منطقی و با توجه به ساخت ویژه آن رشته و یادگیریهای قبلی شاگردان تهیه و تنظیم شود. ۵- تازگی موضوع: محتوای آموزشی باید جدید و متحول و متناسب با شرایط و نیازهای روز باشد و از اعتبار علمی کافی برخوردار باشد. ۶- میراث فرهنگی: محتوای آموزشی باید مطالب مربوط به میراث فرهنگی جامعه را در بر داشته باشد. ۷- پروراندن مفاهیم اساسی و روشها: مفاهیم موجود در محتوای آموزشی باید بر اساس تحلیل مفاهیم اساسی و شناخت روشهای درست، بر پروراندن و رشد اندیشه تأکید داشته باشد، نه انتقال انبوه واقعیت‌های علمی. ۸- ارتباط با مسائل روز: محتوای آموزشی باید حتی الامکان مرتبط با زندگی روزمره و محیط اجتماعی باشد. ۹- انطباق با زمان آموزشی: تهیه و تنظیم محتوا باید بر مبنای پیش بینی مدت زمانی باشد که برای آموزش نیاز است. ۱۰- پایه ای برای آموزش مداوم: تهیه و تنظیم محتوا باید به گونه ای انجام گیرد که یادگیریهای بعدی، آموزش مداوم را چه در چهار چوب آموزش رسمی و چه در چهار چوب آموزش غیر رسمی میسر سازد. ۱۱- فرصت مناسب برای فعالیتهای یادگیری چند گانه: محتوای آموزشی باید شاگرد را به فعالیتهای مختلف مانند آزمایش کردن، تحلیل تصاویر و مفاهیم و فعالیتهای یادگیری که در آن از حواس مختلف استفاده می شود وادار کند تا باعث افزایش انگیزه و یادگیری او شود.

## ه: تحلیل و انتخاب روش و وسیله

در فعالیتهای آموزشی، معلم باید تلاش کند با بهره جویی از روشها و وسایل مختلف، شرایط لازم را برای کسب دانشها، مهارتها و نگرشهای مطلوب شاگردان فراهم کند.

## الف: تحلیل مفهوم وسایل آموزشی:

مفهوم وسیله آموزشی بسیار فراتر از یک ابزار کمکی است. اطلاق لفظ کمک به وسایل آموزشی دست نیست. وسایل آموزشی جزء لازم و حتمی آموزش و یادگیری هستند. وسایل آموزشی، حاملها یا راههایی است که مربی یا معلم برای برقراری ارتباط، ناگزیر از انتخاب یک یا چند تا از آنهاست. به عبارتی وسایل آموزشی به کلیه تجهیزات و امکاناتی اطلاق می شود که می توانند در محیط آموزشی شرایطی را بوجود آورند که در آن شرایط، یادگیری سریعتر، آسانتر، بهتر، بادوامتر و مؤثرتر صورت بگیرد.

## ب: انواع وسایل آموزشی

- ۱- وسایل آموزشی معیاری
- ۲- وسایل آموزشی تسهیل کننده

۱- وسایل آموزشی معیاری: وسایلی هستند که از فراگیر خواسته می شود برای نشان دادن کارآیی آموخته هایش، آنها را شرح دهد، تفسیر کند، دوباره بسازد یا مشخص کند. مثلاً اتومبیل در آموزش رانندگی.

۲- وسایل آموزشی تسهیل کننده: نقش این وسایل کمک به شاگرد برای درک بهتر مطلب یا اطلاع بیشتر از موضوع، پدیده و فعالیت مورد نظر است مانند فیلم، اسلاید و ...

تفاوت انواع وسایل آموزشی: ۱- رسانه های معیاری یادگیری را از راه تمرین و مهارت آسان می کنند و جزء فرآیند یادگیری هستند در حالی که رسانه های تسهیل کننده به شاگرد کمک می کنند تا مهارت را کسب کنند. ۲- وسایل تسهیل کننده بعد از آموزش نادیده گرفته می شوند ولی حضور وسایل معیاری نه تنها در تمام طول آموزش، بلکه در هنگام ارزشیابی نیز لازم و ضروری است.

ج: نقش وسایل آموزشی در فرآیند آموزش- یادگیری

وسایل آموزشی مناسب در انتقال و تفهیم و تأثیر مفاهیم نقش مؤثری دارند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- اساس قابل لمسی برای تفکر و ساختن مفاهیم فراهم می کنند. ۲- سبب ایجاد علاقه در یادگیری شاگردان می شوند. ۳- پایه های لازم را برای یادگیری فراهم می سازند. ۴- موجب فعالیت بیشتر می شوند. ۵- پیوستگی افکار را در فرآیند یادگیری فراهم می کنند. ۶- در توسعه و رشد معنا در ذهن شاگردان مؤثرند. ۷- معنا و مفاهیم آموزش را سریعتر و صریحتر منتقل می کنند. ۸- به تکامل و افزایش عمق و میزان یادگیری می انجامد.

در اینجا به معرفی دو نوع از وسایل آموزشی می پردازیم.

۱- تصاویر آموزشی: تصاویری که در آموزش بکار می روند که معمولاً یا نورتابند یا غیر نورتاب. مهمترین این تصاویر عبارتند از:

الف: تصاویر کاغذی: مانند نقشه، جدول، پوستر ارزانتترین و در عین حال متداولترین وسیله آموزشی هستند. از مزایای تصاویر کاغذی می توان چند مورد را نام برد. ۱- به یادآوردن تجارب گذشته. ۲- اصلاح اشتباهات و سوء تغییرات. ۳- ایجاد تجارب جدید و...

ب: تابلوهای آموزشی: مانند تابلوهای گچی، تابلوهای پارچه ای، تابلوهای مغناطیسی، تابلوهای اعلانات و ... در مورد استفاده از تابلوهای گچی باید به موارد زیر توجه کرد. ۱- تابلوهای گچی باید دائماً تمیز باشد. ۲- بایستی از گچهای نه زیاد نرم و نه زیاد سخت استفاده کرد. ۳- بایستی از تخته پاک کن نمدی استفاده کرد. ۴- محل نصب آن باید متناسب با قد شاگردان باشد. ۵- کشیدن تصاویر باید همراه با توضیحات شفاهی باشد. ۶- از تلفیق نوشته و تصویر استفاده شود. و...

۲- پروژکتور ها و ماشینهای آموزشی: پروژکتورهای اورهد، اوپک و پروژکتور اسلاید و غیره و ماشینهای آموزشی کاربرد فراوان در نظامهای آموزشی پیشرفته دارند.

## د: معیار انتخاب وسایل آموزشی:

الف: ویژگیهای آموزشی وسیله: وسایلی که انتخاب می شوند باید علاوه بر ارائه و انتقال مطالب جدید، امکان تکرار فراگرفته های گذشته را فراهم آورند و با توجه و عاتقه شاگردان را نسبت به موضوع آموزش جلب کنند.

ب: ویژگیهای فنی وسیله: ۱- توانایی انتقال پیام مورد نظر ۲- قابلیت حمل و نقل ۳- سهولت کاربرد ۴- سهولت دستکاری و تغییر ۵- قابلیت رجوع.

ج: شرایط و امکانات اجرایی: ۱- وسایل انتخاب شده باید متناسب با تعداد فراگیران باشد. ۲- قابل استفاده در وضعیت موجود کلاس باشد. ۳- متناسب با زمان تدریس باشد. ۴- در دسترس باشد. ۵- مقرون به صرفه باشد.

## فصل هفتم

### ارزشیابی

مبحث پایانی تکنولوژی آموزشی «ارزشیابی» است. ارزشیابی به معنای جمع آوری اطلاعات به منظور اخذ تصمیمات مناسب است. گاه ارزشیابی از سوی معلم و در طول دوره ی آموزشی صورت می گیرد تا به فراگیر در امر یادگیری کمک کند، و گاه زمان آن از سوی مؤسسه ی آموزشی تعیین می شود تا تصمیم های مناسب جهت ارتقای تحصیلی فراگیر صورت گیرد و در جدول امتیازات، جایگاه او مشخص شود.

ارزشیابی علت های مختلف دارد که برخی را ذکر می کنیم:

الف) ایجاد انگیزه برای فراگیر جهت تسریع یادگیری در ابتدای آموزش.

ب) تشویق فراگیران به یادگیری و ایجاد رقابت سالم علمی.

ج) آگاهی بخشی برای فراگیر که خود را ارزیابی کند.

د) آگاهی بخشی برای فرادهنده (معلم) تا نقاط قوت و ضعف خود را در تدریس بیابد.

ه) اصلاح فعالیت های غیر صحیح در یادگیری.

بنابراین، با ارزشیابی است که هم فراگیر و هم فرادهنده سنجش می شوند و می توانند به اصلاح خود بپردازند. البته ارزشیابی باید متناسب با اهداف آموزشی صورت گیرد تا در سایه ی هماهنگی این دو، تصمیمات لازم برای فراگیر گرفته شود.

## اهداف ارزشیابی:

۱- ارزشیابی به عنوان وسیله‌ای برای شناخت توانایی و زمینه‌های علمی شاگردان و تصمیم‌گیری برای انجام دادن فعالیت‌های بعدی آموزشی:

یادگیری جریانی متوالی و بهم پیوسته است، به همین دلیل کسب مهارت و دانش در هر زمینه مستلزم داشتن پایه‌های قوی در آن زمینه است می‌باشد. از همین رو معلم ارزشیابی تشخیصی و تکوینی را مورد استفاده قرار می‌دهد.

۲- ارزشیابی به عنوان وسیله‌ای برای شناساندن هدفهای آموزشی در فرایند تدریس:

یکی از وظایف ارزشیابی این است که وصول به هدفهای تدریس را مشخص کند و با آگاه ساختن شاگردان از هدفهای رفتاری هر یک از مواد آموزشی، هدایت یادگیری و زمینه سازی در آنها و امکان مطالعه بهتر و بیشتر را فراهم کند.

۳- ارزشیابی به عنوان وسیله‌ای برای بهبود و اصلاح فعالیت‌های آموزشی:

نتایج ارزشیابی نه تنها میزان پیشرفت تحصیلی شاگردان و عملکرد آنان را در فعالیت آموزشی و پرورشی مشخص می‌کند، بلکه کیفیت تلاش شاگرد و روش تدریس معلم و میزان مهارت وی را در این زمینه ارزیابی می‌کند و به معلم فرصت می‌دهد همواره درصدد اصلاح و بهبود روش تدریس خود برآید.

۴- ارزشیابی به عنوان وسیله‌ای برای شناخت نارساییهای آموزشی شاگردان و ترمیم آنها:

اگر ارزشیابی، به ویژه ارزشیابی تکوینی، بر اساس موازین علمی تهیه و اجرا شود، می‌تواند درباره پیشرفت تحصیلی شاگردان و ضعفها و نارساییهای آنان اطلاعات مفیدی در اختیار معلم قرار دهد.

۵- ارزشیابی به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد رغبت و کسب عادات صحیح آموزشی در شاگردان:

ارزشیابی باید شاگردان را با میزان کار و فعالیتشان آشنا سازد و علت میزان پیشرفت و عقب ماندگی آنها را مشخص کند و در آنان رغبت و انگیزه تلاش و فعالیت بیشتر بوجود آورد.

۶- ارزشیابی به عنوان عاملی برای ارتقا شاگردان:

یکی دیگر از وظایف ارزشیابی سنجیدن میزان توانایی شاگردان برای ارتقا به مرحله دیگر است. اما نباید طوری عمل شود که تمام توجهات به محصول نهایی (نمره دادن و ارتقای شاگردان) معطوف و موقعیت صحیح آموزشی کم‌کم به دست فراموشی سپرده شود.

## اهمیت و ضرورت ارزشیابی:

معلم در برنامه‌ریزی تدریس و تصمیم‌گیری در جریان فعالیت‌های آموزشی به داشتن اطلاعات زیاد و معتبر در زمینه آمادگی و پیشرفت تحصیلی شاگردان و بازده فعالیت‌های کلاسی نیازمند است. اندازه‌گیری و ارزشیابی می‌تواند چنین اطلاعاتی را در اختیار او قرار دهد. این اطلاعات را می‌توان در سه مقوله تقسیم‌بندی کرد:

الف- اشکالات و نواقص موجود در طرح آموزشی را از دیدگاه هدف‌ها، محتوا، روش‌ها، مواد و وسایل آموزشی و عناصر دیگر در اختیار معلم قرار می‌دهد؛

ب- میزان پیشرفت تحصیلی شاگردان و آمادگی آنان را برای آموزش‌های بعدی مشخص می‌کند؛

ج- کارایی تدریس و کفایت ابزارهایی را که در اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی شاگردان به کار رفته است، نشان می‌دهد.

## انواع ارزشیابی:

۱- ارزشیابی تشخیصی

۲- ارزشیابی تکوینی

۳- ارزشیابی پایانی

ارزشیابی تشخیصی: آموخته‌های پایه یا رفتار ورودی شاگردان را که لازمه یادگیری مطالب جدید است می‌سنجد.

## وظایف ارزشیابی تشخیصی:

۱- تعیین معلومات و رفتار ورودی

۲- کشف دلایل اصلی مشکلات شاگردان در یادگیری

۳- تعیین معلومات و رفتار ورودی و کشف علل مشکلات شاگردان در یادگیری:

الف) تشخیص شاگردانی که مشکل یادگیری دارند

ب) تشخیص نکات ضعف و ترمیم آنها

ج) کشف علل اشتباهات دیگران:

- عدم توانایی در مهارتهای پایه
- عدم آگاهی از روش درست مطالعه
- ضعف در تواناییهای ذهنی
- عوامل فیزیکی
- عوامل عاطفی
- عوامل مربوط به ضعف معلم در تدریس

**ارزشیابی تکوینی (مرحله ای):** به طور مستمر در پایان هر بخش از مطالب تدریس شده و در طول سال تحصیلی انجام می گیرد و مستقیماً ناظر به اندازه گیری آن دسته از هدفهای آموزشی است که برای هر یک از بخشهای مختلف و در فواصل زمانی معین پیش بینی شده است.

#### موارد استفاده از ارزشیابی تکوینی:

الف) گام به گام پیش رفتن در یادگیری: آموختن مطالب یک موضوع درسی به صورت مرحله ای صورت می گیرد و یادگیری واحدهای قبلی برای یادگیری واحدهای بعدی ضروری است.

ب) اصلاح روش تدریس: با عنایت به اینکه ارزشیابی تکوینی مواد درسی، کیفیت محتوا، تنظیم محتوا و زمان مناسب برای یادگیری را مورد بررسی قرار می دهد، معلم می تواند با توجه به نتایج آن روش تدریس خود را اصلاح و یا روش مناسبتری انتخاب کند

**ارزشیابی پایانی (تراکمی):** در پایان هر دوره آموزشی و برای تعیین مقدار آموخته های شاگردان در طول یک دوره آموزشی به منظور نمره دادن و صدور گواهینامه یا قضاوت درباره اثربخشی کار معلم و برنامه درسی یا مقایسه برنامه های مختلف با یکدیگر انجام می گیرد. این نوع ارزشیابی بر خلاف ارزشیابی تکوینی که تحقق هدفهای جزئی مطالب آموزشی را ارزیابی می کند، معمولاً ناظر به ارزشیابی هدفهای نهایی آموزشی است.

مزایای آزمون گروهی در مقایسه با انفرادی: ۱- ایجاد موقعیت یکسان آزمایش برای همه شاگردان ۲- هزینه اجرای کمتر ۳-

زمان ارزشیابی محدودتر

معایب آزمون گروهی در مقایسه با انفرادی: مزایای بازخوردهای ناشی از ارتباط رو در رو را ندارد.

#### تحلیل و تعیین نظام ارزشیابی

در تحلیل و تعیین نظام ارزشیابی باید عمده فعالیت خود را بر (( بازده )) فعالیت آموزشی متمرکز کنیم. در این روند، دو مسئله اساسی باید مورد توجه قرار گیرد:

(۱) ارزیابی بازده فعالیت های آموزشی و تعیین درجه هدفها.



۲) استفاده از نتایج به دست آمده از ارزیابی برای اصلاح و تقویت برنامه .

بنابراین ارزشیابی و اصلاح برنامه یکی از اهداف اصلی از طراحی آموزشی است . ارزشیابی صحیح، اطلاعاتی از قبیل وجوه قوت و ضعف موجود در طرح (شامل قوت و ضعفهای هدف، محتوا، روش و انتخاب وسایل) صحت و دقت نحوه ارزشیابی و میزان آمادگی شاگردان برای قبول آموزش های بعدی را در اختیار معلم قرار خواهد داد. این اطلاعات می تواند معلم را در تقویت یا اصلاح برنامه آموزشی یاری دهد. اگر معتقد باشیم که منظور از فعالیتهای آموزشی ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار شاگردان است، سنجش رفتار شاگردان بهترین شاخص برای نشان دادن میزان یادگیری آنها و در نهایت، معیار تحلیل کیفیت فعالیتهای آموزشی خواهد بود. برای سنجش میزان تغییر رفتار شاگردان، همانند ارزشیابی های دیگر، به جمع آوری اطلاعات دقیق و تحلیل آنها نیاز خواهیم داشت. حال اگر در پایان تدریس مشخص شود که شاگرد در چه نقطه ای از تغییرات مورد نظر قرار گرفته است و این تغییر با اطلاعات پیش دانسته مقایسه شود، میزان یادگیری شاگرد در جریان تدریس مورد نظر مشخص خواهد شد.

مسائل و مواردی که باید در اجرای چنین امری رعایت شود عبارتند از:

۱. تغییرات مورد نظر- چه به صورت هدفهای نوشته شده و چه در ذهن معلم باشد باید دقیقاً تعریف شوند؛ زیرا تعریف هدفهای مشخص ما را یاری می دهد و قادر می سازد که در استنباط های خود در میزان یادگیری، به انتخاب شاخصهای روشن و غیر مبهم بپردازیم.
۲. تعیین معیار موفقیت شاگرد که برای قضاوت درباره عملکرد او مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این معیار ممکن است به صورت مطلق یا نسبی تعیین شود؛ مثلاً اینکه ((شاگرد باید به هشت سوال از ده سوال داده شده پاسخ درست بدهد))، یک معیار مطلق است. در مورد شاگردی که نمره اش مساوی یا بیش از این معیار باشد، چنین قضاوت می شود که تسلط او در این موضوع، در سطح حداقل یا بیش از حداقل یادگیری قرار دارد. در معیار نسبی، یک آزمون برای شاگردان یک کلاس اجرا می شود و سطح موفقیت با توجه به توزیع نمره ها در داخل کلاس تعیین می شود. در این حالت شاگردان با یکدیگر مقایسه می شوند. در بیشتر مواقع، معیار نسبی کمتر مورد توجه قرار می گیرد، زیرا معمولاً میان عملکرد واقعی شاگرد در مقایسه با برنامه مهم است، نه عوامل دیگر. در واقع بیشتر ارزشیابی ها باید ((ملاک مدار)) باشد؛ یعنی بتوان به کمک آنها تعیین کرد که آیا عملکرد شاگرد با توجه به معیارهای موفقیت رضایت بخش است یا نه.
۳. سرانجام باید دقیقاً مشخص شود که از چه نوع سؤالهایی در ارزشیابی می خواهیم استفاده کنیم، از سؤالات عینی یا سؤالات ذهنی. سؤالات ذهنی مستلزم پاسخنگاری است و شاگرد باید به زبان خودش به آنها پاسخ دهد. شکی نیست که این نوع پاسخها ممکن است به وسیله فردی که آنها را نمره گذاری می کند، بطور ذهنی تفسیر شود؛ از این رو، درجه ((درستی)) پاسخ بستگی به نقش نمره گذار دارد. آزمون عینی مستلزم آن است که شاگرد از یک مجموعه پاسخ که قبلاً فراهم شده است، یکی را انتخاب کند. بدین سان، نمره گذاری این نوع آزمون همیشه به یک طریق انجام می شود و بستگی به نقش نمره گذار ندارد.

ساختن سوالهای ذهنی ساده است، اما نمره گذاری آن مستلزم صرف وقت است و علاوه بر آن، امکان دارد که احساسات و برداشتهای شخصی نمره گذار دخالت کند. وانگهی نمره گذاری تغییراتی که در حیطه عاطفی و روانی - حرکتی رخ می دهند، به هیچ وجه با طرح سؤال نوشتنی امکان پذیر نخواهد بود و روش ارزشیابی آنها به مراتب مشکل تر از حیطه شناختی است. در این حالت، معلم می تواند از مشاهده مستقیم و مستمر حالات، رفتار و عملکرد یا روشهای مناسب دیگر استفاده کند.

اکثر صاحب نظران آموزشی معتقدند که نحوه ارزیابی میزان یادگیری شاگردان باید بدون فاصله پس از تدارک هدفهای آموزشی معلوم شود. این کار دو مزیت دارد: اولاً، احتمال اینکه پرسشها متناسب به هدفهای آموزشی انتخاب و تدوین شوند بسیار زیاد است؛ ثانیاً، اگر هدفهای آموزشی بوضوح بیان نشده باشند؛ می توان در آنها تجدید نظر کرد و هدفهای بهتر و صریح تری نوشت.

مسلم است که پس از بررسی میزان یادگیری شاگردان و عوامل مؤثر در آن باید اقدامات لازم را برای رفع نقایص و اشکالات موجود به عمل آورد. به چنین عملی اصطلاحاً ((اصلاح برنامه)) می گویند. اصلاح برنامه فقط شامل تغییر و افزایش فعالیت و میزان یادگیری شاگردان نیست، اگرچه متأسفانه در سیستم آموزشی ما، ارزشیابی یگانه ملاک گذراندن یک واحد درسی یا ارتقا از یک کلاس به کلاس دیگر است و در صورت عدم موفقیت، همه مسئولیتها متوجه شاگرد است. درحالیکه معلم میتواند در اصلاح برنامه به دستکاری و اصلاح عوامل متعددی مانند تجدید نظر در مورد اهداف، محتوای آموزشی، روش تدریس، زمان اجرای برنامه و اصلاح روشهای ارزشیابی و ... اقدام کند.

### روش های ارزشیابی

اگر چه هر معلمی با توجه به صلاحدید و قدرت خلاقیت خویش، روش خاص خود را در ارزیابی به کار می برد، ولی به طور کلی روش های ارزیابی را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) کتبی (نوشتاری) که بیشتر ارزیابی ها با این روش است. آزمون های کتبی نیز به دو شیوه ی تشریحی و تستی (عینی) برگزار می شوند که در شیوه ی اول گاهی پاسخ ها به صورت محدود است و گاه وسیع و گسترده، یعنی معلم به صورت تحلیلی پاسخ می طلبد. ارزشیابی تستی نیز به چهار شکل صحیح غلط، چندگزینه ای، جورکردنی و کامل کردنی صورت می گیرد.

ب) شفاهی (گفتاری) که محدود به مواقع خاص است. گاهی پس از آزمون کتبی، جهت کسب اطلاعات بیشتر آزمون شفاهی صورت می گیرد، مانند مصاحبه های بعد از آزمون کتبی که در برخی مؤسسات وجود دارد و گاهی اصل متن آموزشی با صلاحدید معلم به صورت شفاهی آزموده می شود تا قدرت تحلیل و بررسی و عمق دریافت فراگیر برای معلم ثابت گردد.

ج) عملی که مربوط به متن های خاصی می شود. در مواردی که سنجش افراد به کاربرد برخی وسایل و یا به عمل آوردن یک پدیده ی تجربی منوط است، از امتحان عملی استفاده می شود، توجه به امکانات موجود در یک مؤسسه ی آموزشی از نکات مهم در این نوع آزمون است.

## روشهای مختلف ارزشیابی پیشرفت تحصیلی:

اغلب معلمان از ارزشیابی برداشتی محدود به انواع آزمون های کتبی و سوالات امتحانی دارند در صورتی که بسیاری از ارزشگذاری های معلمان بر اساس مشاهده فعالیت هایی است که شاگردان در درون مدرسه انجام می دهند مثل وقت شناسی، انجام دادن مطلوب فعالیت های آموزشی یا احساس عدم امنیت شاگردی با شاگردان دیگر مقایسه کردن یا وقتی درباره حس همکاری آنان در فعالیت های آموزشی قضاوت می کنیم و . . . همه ارزشیابی هایی هستند که بر مشاهدات رفتار شاگردان در درون مدرسه و موقعیت های آموزشی استوار هستند .

پس اگر معلم خود را از قید ارزشیابی های کتبی و شفاهی معمول برهاند و روش های ارزشیابی را با روش های مختلف، عمق و محتوا ببخشد بیشتر می تواند به اعتبار روش ارزشیابی خود متکی باشد و به آن اطمینان کند.

اگرچه روش مشاهده نیز معایب و محدودیت هایی همچون موقعیت های خاص هر شاگرد و تفاوت میزان ها و مقیاس های مشاهده کنندگان مختلف دارد باید توجه کرد که ارزشیابی شاگردان در موقعیتی واقعی و با توجه به ویژگی های خاص خود صورت گیرد و باید به کلیه روش هایی که به نحوی ضریب اعتماد نتایج ارزشیابی را بالا می برد توجه کافی مبذول داشت.

پسدر مواردی که تهیه آزمون های مناسب میسر باشد به کارگیری روش های آزمون بهتر است ولی نباید فراموش کرد که بسیاری از جنبه های مختلف رفتار شاگردان را نمی توان به مرحله آزمون های ساده تنزیل داد و باید آنها را در موقعیت واقعی سنجید روش های ارزشیابی :

معلم می تواند از مجموع روش های زیر یا آزمون های ترکیب شده (آزمون های موقعیتی) استفاده کند.

۱. ارزشیابی از طریق مشاهده:

الف) مشاهده از لحاظ تعمق و دقت:

مشاهده سطحی: تکیه بر شناخت صفات ظاهری رفتار به صورت کلی و عمل و عکس العمل های آشکار فرد

مشاهده عمقی: کشف حقایق و واقعیت های درونی فرد

ب) مشاهده از لحاظ خارجی یا داخلی بودن:

تصویر خارجی (مشاهده رفتار های فرد در حین عمل): تحت تاثیر نظر ها و غرض های مشاهده کننده و تماس های محدود او واقع می شود.

تصویر داخلی (گزارش فرد از مشخصات و خصوصیات خود): دارای محدودیت های ناشی از خود شناسی و غلو یا احساس کهنتری و محدودیت های ناشی از پرده پوشی عیوب باشد.

ج) مشاهده از لحاظ موقعیت :

موقعیت طبیعی : بررسی و ارزیابی شاگرد در موقعیت عادی

موقعیت مصنوعی : بررسی و ارزیابی شاگرد در موقعیتی که برایش به طور نامحسوس به وجود آورده ایم .

د) مشاهده مستقیم و غیر مستقیم :

مشاهده مستقیم : مشاهده و بررسی حالات رفتاری شاگردان به طور مستقیم که ممکن است در صورت آگاهی شاگرد از بررسی ، رفتار مصنوعی به خود گیرد.

مشاهده غیر مستقیم : مشاهده و بررسی رفتار شاگردان در وضع طبیعی یا مصنوعی که افراد مورد مشاهده نمی دانند در معرض ارزشیابی هستند.

محاسن روش مشاهده :

۱. دارای زمان نامعین است پس می تواند نشان دهنده فعالیت های طبیعی شاگردان باشد.

۲. تفاوت های فردی را مد نظر قرار می دهد.

۳. عدم آگاهی ارزشیابی شونده برای جلوگیری از رفتارهای مصنوعی

۴. قابلیت اجرایی برای همه گروه های آموزشی و سنی

محدودیت های روش مشاهده :

۱. به سبب دقت و هوشیاری مداوم ارزشیابی کننده این روش خسته کننده است .

۲. چون مستلزم صرف وقت است پس امکان بررسی دقیق و همه جانبه وجود ندارد .

۳. امکان ایجاد موقعیت مناسب برای همه شاگردان فراهم نیست .

۴. یکسان نبودن کیفیت برداشت و تغییر و تفسیر یک رفتار

۵. امکان باز شناختن یک رفتار در رفتارهای ترکیبی ممکن نیست.

۲. ارزشیابی از طریق انجام دادن کار :

وقتی تغییرات ایجاد شده در شاگرد در حیطه روانی- حرکتی باشد از ارزشیابی از طریق انجام کار استفاده میشود که با ارزشیابی از طریق روش مشاهده کاملا متفاوت است زیرا در این روش بر خلاف روش مشاهده شاگرد می داند که مورد ارزشیابی قرار می گیرد و شرایط ارزشیابی برای همه شاگردان یکسان است و معلم از طریق تغییرات انجام گرفته در عمل فرد و پیشرفت تحصیلی وی او را ارزشیابی می کند. در این روش مهارت و قدرت و سرعت عمل شاگرد مورد ارزشیابی قرار می گیرد و این روش همراه با روش های دیگر از ضریب اطمینان بالاتری برخوردار است.

محدودیت های روش انجام کار :

۱. بسیاری از ابعاد ذهنی و روانی شاگرد قابل سنجش نیست .

۲. نوع تعبیر و تفسیر نتایج برای معلمان مختلف ،متفاوت است .

۳. حالات عمومی و شخصیت آزماینده در نتایج ارزشیابی اثر می گذارد .

۳. ارزشیابی از طریق آزمون شفاهی :

آزمون :وسیله ای است برای بررسی مشاهدات منظم معلم از رفتار شاگرد و تفسیر مشاهدات و تبدیل آن به مقیاس های عددی و طبقه بندی شده

در ارزشیابی از طریق آزمون شفاهی پرسش و پاسخ هر دو به صورت شفاهی انجام می گیرد مانند مصاحبه و در صورتی که سوالات آن اندیشیده و مبتنی بر محتوای آموزشی و از قبل تهیه شده باشد و دور از هرگونه اغراض شخصی و ارفاق باشد می تواند بسیار مفید و دارای ارزش و اعتبار علمی باشد.

این آزمون وسیله خوبی برای سنجش معلومات ، قدرت بیان ، نظم فکری ، فرم استدلال ، تمرکز افکار و شناخت حالات درونی از نظر اضطراب و ترس است و زمانی کاربرد صحیح و بیشتری دارد که آزمون کتبی قادر به سنجش در آن زمینه نباشد.

محاسن روش ارزشیابی شفاهی :

۱. دارای ارزش تشخیص قوی است و می توان به علت اشتباهات شاگردان پی برد .

۲. چون این روش دارای باز خوردی فوری است پس به تشویق و تقویت انگیزش و یادگیری شاگرد کمک می کند .

۳. در این روش می توان مهارت های شاگردان را در رویارویی با واقعیت ها به دقت سنجید.

۴. در تقویت قدرت بیان و استدلال شاگردان و اظهار نظر در حضور جمع و معلم مفید است.

۵. روش مناسبی برای شاگردان دوره آمادگی و سال های اول دبستان است که هنوز قدرت آزمون کتبی را ندارند .

محدودیت های روش ارزشیابی شفاهی :

۱. واهمه دانش آموزان از گفتن آنچه می دانند به علت نقص بیان

۲. این روش به علت صرف وقت زیاد خسته کننده است و این خستگی تاثیر منفی روی دقت آزمایش دارد .

۳. چون مشاهده و ثبت پاسخ ها در حین پاسخ دادن دشوار است پس شاید بی دقتی و نظر شخصی وارد جریان ارزشیابی گردد.

۴. در مقایسه از نظر عینیت و اعتبار ، ارزشیابی شفاهی نسبت به ارزشیابی های کتبی که شامل نوعی اثر دائم رفتار ارزشیابی شونده است ، مزایای کمتری دارد.

۴. ارزشیابی از طریق آزمون کتبی

آزمون هایی که شاگرد باید به آنها کتبا پاسخ گوید تا معلم بتواند با بررسی آنها شاگردانش را دقیق تر بشناسد. بیش از دوپست نمونه آزمون در کتاب فرهنگ آزمون ها مطرح شده است.

آزمون پیشرفت تحصیلی به دو قسمت کلی تقسیم می شود:

۱ . آزمون های میزان شده

۲ . آزمون های معلم ساخته

۱. آزمون های میزان شده (مانند آزمون هوش و استعداد):

در این نوع آزمون ملاک و معیار نسبی اندازه گیری مورد استفاده قرار می گیرد و تهیه این نوع آزمون مستلزم تخصص و وقت بسیار است . و ویژگی این نوع آزمون داشتن پایایی و اعتبار عملی بودن و نورم یا هنجار است. این آزمون ها همراه با راهنمای دقیق به وسیله ی موسسات دولتی یا خصوصی برای اندازه گیری پیشرفت تحصیلی دوره های تحصیلی معین تهیه و همراه با راهنمای دقیق در اختیار معلمان و آزمایش کنندگان قرار می گیرد.

۲. آزمون های معلم ساخته :

آزمون هایی که معلمان برای ارزشیابی تحصیلی شاگردان خود با هدف سنجیدن اندازه توفیق شاگردان در رسیدن به هدف های دقیق آموزشی تهیه کرده و در طول دوره آموزش یا پایان آن اجرا می کنند.

این آزمون ها هم باید شامل ویژگی های آزمون های میزان شده (پایایی ، اعتبار ، عملی بودن) باشند.

در این آزمون ها معیار و ملاک مطلق اندازه گیری به کار می رود.

تفاوت های آزمون میزان شده و آزمون معلم ساخته :

۱. آزمون های میزان شده در مقایسه با آزمون های معلم ساخته به زمان و تخصص بیشتر نیاز دارد و آزمون های میزان شده قبل از اجرا باید تست شود که دارای پایایی و اعتبار و هنجار باشد در صورتی که آزمون های معلم ساخته پس از هر بار اجرا ،،بسهولت قابل تجدید نظر و اصلاح هستند.

۲. حاصل و نتایج آزمون های میزان شده مشخص و قطعی و قابل بررسی مجدد است و تابع نظر شخصی و نیست ولی آزمون معلم ممکن است دارای چنین ویژگی هایی نباشد.

۳. از آزمون های میزان شده برای مقایسه میزان پیشرفت شاگردان مناطق مختلف استفاده می شود در صورتی که آزمون های معلم ساخته چون با توجه به محتوا و هدف های ویژه دروس خاصی تهیه می شوند برای این منظور خیلی مفید نیستند.

۴. آزمون های میزان شده به وجود داده های هنجاری اشاره دارد که برای معنی دار کردن نمرات آزمون هنجارهای لازم را تهیه می کنند در صورتی که در آزمون های معلم ساخته به دلیل عدم مقایسه بین گروه های شاگردان نیازی به هنجار و هنجار یابی ندارد .

۵. آزمون های میزان شده صورت علمی دارند و درباره گروه های مختلف سنی و تحصیلی مورد استفاده قرار می گیرند و بر اساس ملاک و معیار های علمی میزان می شوند پس دارای قدرت اجرایی ،پیش بینی و تشخیص کافی هستند در صورتی که آزمون های معلم ساخته چنین خصایصی ندارند.

تنظیم طرح و جدول دو بعدی ارزشیابی:

پیش نویس آزمون باید در قالب دو بعد زیر نوشته شود و در کنار یکدیگر قرار گیرد :

۱. تعریف هدف های مورد نظر در ارزشیابی : یعنی اینکه معلم باید مشخص کند که شاگردانش چه نوع اعمالی را باید انجام دهند تا معلوم شود که آنان دانش ،ادراک ،مهارت و طرز فکری را که او آموزش داده کسب کرده اند یا نه ؟

۲. مشخص کردن دقیق محتوا: تحقق هدف های مربوط به عمل و جریان ، وابسته به مشخص کردن دقیق محتوا است . سپس معلم باید تعیین کند که سوالات آزمون خود را به چه صورتی در میان هدف ها و عنوان های درس توزیع کند که به سه نکته زیر باید دقت کند :

الف) توجه به اهمیت مطلب خاص درسی و هدف های آن

ب) مقدار زمانی که صرف آموزش آن مطلب شده

ج) تعیین نوع آزمون بر اساس هدف ها ، محتوا و روش های تدریس

انواع سوال در آزمون معلم ساخته :

۱. آزمون عینی :

در این آزمون هدف اندازه گیری توانایی شاگردان در باز شناسی مفاهیم و تعاریف درست است.

نمره گذاری در این نوع آزمون مستقل از نظر و قضاوت شخص مصحح انجام می گیرد و پاسخ درست از بین پاسخ ها توسط دانش آموز انتخاب می شود .

انواع آزمون عینی :

۱. پرسش های چند گزینه ای (مثل سوال های چهار گزینه ای )

۲. پرسش های صحیح و غلط : عیب این نمونه سوال ها این است که اگر شاگردان تنها به این گونه سوال ها عادت کنند یادگیری آنها جزئی و سطحی و کم اهمیت خواهد بود.

۳. پرسش های جور کردنی : چند پاسخ در برابر چند سوال قرار می گیرد و شاگرد باید تعیین کند که کدام پاسخ مربوط به کدام سوال است؟ در اینگونه پرسش ها باید به نکات زیر توجه کرد : الف) تعداد پاسخ بیشتر از تعداد سوال باشد . ب) سوال و پاسخ ها باید کوتاه و ساده نوشته شود . ج) ترتیب پاسخ ها تصادفی و نامنظم باشد . د) سوال و پاسخ های مربوط به هم متجانس باشد . ه) طریقه جور کردن باید در و دستور العمل آماده باشد .

محدودیت پرسش های جور کردنی : تنها مفروضات را اندازه می گیرند و در آن امکان اندازه گیری بخش اعظم محتوا میسر نیست.

۴. پرسش های کامل کردنی : پر کردن جای خالی عبارات حذف شده توسط شاگرد



نکات مهم در طرح پرسش های کامل کردنی :

الف) عبارات حذف شده باید از ارکان و مفاهیم مهم جمله باشد .

ب) در هر سوال نباید بیش از یک جای خالی گذاشته شود .

ج) بهتر است جای خالی در وسط یا آخر جمله باشد (د) مفهوم هر جمله باید فقط با یک کلمه یا عبارت کاملاً معین و مشخص تکمیل شود.

مزایای پرسش های کامل کردنی :

شاگرد را به تفکر و جستجو و کشف و میدارد و مجبور می شود که بر حافظه خود فشار آورد تا لغت یا عبارت مناسب را پیدا کند.

محدودیت پرسش های کامل کردنی :

گاهی به جای کلمه مورد نظر لغت دیگر را نیز می توان در جای خالی قرار داد که مورد نظر مصحح نباشد پس برای تصحیح به آگاهی و تفحص بیشتر نیاز دارد .

۵ . پرسش های کوتاه پاسخ : همان پرسش های کامل کردنی است که به صورت جمله سوالی نوشته می شود که جواب آن یک یا دو کلمه یا یک عبارت کوتاه است. از این نوع پرسش ها می توان برای اندازه گیری معلومات لغوی ، تاریخ های مهم ، تطبیق علائم ، معانی و مفاهیم اصطلاحات علمی ، اطلاعات عمومی و غیره استفاده کرد .

محدودیت پرسش های کوتاه پاسخ :

زمینه ای برای بروز ابتکار ، طراحی و نظم فکری فراهم نیست و می تواند عادات نا مطلوبی در مطالعه به وجود آورد.

۲ . آزمون های انشایی یا تشریحی :

رایج ترین نوع آزمون های معلم ساخته اند و برای اندازه گیری سطوح بالای هدف های آموزشی در حیطه شناختی مانند تحلیل ، ترکیب و قضاوت ارزشیابی بسیار مفیدند.

محدودیت های آزمون انشایی یا تشریحی :

۱ . دخالت مصحح در تصحیح آزمون و کاستن از دقت و عینیت نمرات

۲ . وقت گیر بودن تصحیح اوراق

۳. ممکن است شاگرد به علت ضعف نگارش نتواند آنچه را می داند به روشنی بیان کند.

۴. امکان سنجش در بسیاری زمینه ها مانند سرعت انتقال و انتخاب، آمادگی ذهنی و ... نیست.

## فصل هشتم

### پاور پوینت

در طراحی پاور پوینت ها باید دقت داشت تا آنچه که قرار است از زبان سخنران بیان شود و سخنران باید بتواند هماهنگی مناسبی بین اسلاید ها و مطالبی که می گوید برقرار کند. بدین ترتیب می تواند با ارجاع به موقع مخاطب به اسلاید و با نمایش یک تصویر، یک جمله و یا یک کلمه تاثیر مناسبی بر مخاطب گذاشت.

استفاده از اسلاید ابزاری است که به سخنران یا مدرس کمک میکند تا میزان اثر بخشی مطالبی که بیان میکند را بالا ببرد.

مواردی که در تهیه یک پاور پوینت باید لحاظ شود بدین شرح می باشد:

- سایز فونت و فاصله خطوط

متن باید گویا و واضح باشد، فاصله سطر ها و شماره فونت حروف از همه نقاط کلاس قابل خواندن باشد.

- انتخاب متن مناسب

پاور پوینت باید در یک نگاه خوانده شود و مخاطب را به سخنرانی علاقمند نموده و ذهنش با بحث آشنا شود.

- انتخاب رنگ مناسب

ترکیب رنگ قرمز و سیاه و یا زرد و سیاه در ابتدا جذاب است اما در بلند مدت مخاطب را خسته میکند. پس شاید بتوان از آن برای شروع استفاده کرد. اما برای متن اصلی مناسب به نظر نمیرسد. در مقابل ترکیب آبی و یا آبی تیره و سفید یا کرم آرامش بخش است.

- انتخاب افکت

از افکت های زیاد انیمیشن بپرهیزید.

- استفاده از فیلم های کوتاه و مرتبط با موضوع
- استفاده از عکس های مناسب با موضوع درسی
- استفاده از فایل های صوتی
- پاور پوینت فقط جای مطالب مهم نه صفحات پر از متن
- مدیریت زمان با توجه به تعداد اسلاید ها

آنچه لازم به ذکر است در خصوص تهیه پاور پوینت ، نمایش اهداف جلسه در اولین اسلاید و یکدست بودن فرم ظاهری صفحات و لحاظ کردن آرم مؤسسه یا مرکز آموزشی در قسمت بالایی اسلاید ها و ذکر عنوان درس یا موضوع مورد بحث در قسمت نوار بالایی اسلاید ، و نتیجه گیری در اسلاید پایانی جلسه از مهمترین مواردی بود که عنوان شد. اکنون شما را با اصول کاربردی پاور پوینت در مبحث بعدی آشنا می کنیم.

### اصول کاربردی پاور پوینت براساس طراحی هفتگانه چند رسانه ای مایر

۱. اصل چندرسانه ای : دانش آموزان زمانی خوب یاد می گیرند که از کلمات و تصاویر در کنار هم استفاده شود نه اینکه تنها از کلمات استفاده شود.

#### منطق نظری:

زمانیکه کلمات و تصاویر در کنار هم ارائه می شوند، دانش آموزان فرصت ساختن مدل های ذهنی تصویری و کلامی و نیز ایجاد ارتباط میان آنها را بدست می آورند. زمانیکه تنها کلمات ارائه می شوند، دانش آموزان فرصت ایجاد یک مدل ذهنی کلامی را دارند؛ اما این احتمال کمتر است که بتوانند یک مدل ذهنی تصویری را ایجاد کند و ارتباطاتی را میان مدل های ذهنی تصویری و کلامی بوجود آورد.

۲. اصل مجاورت مکانی : دانش آموزان زمانی خوب یاد می گیرند که در صفحه یا صفحه نمایشگر، تصاویر و کلماتی که مربوط به هم هستند نزدیک به هم یا در کنار هم به نمایش در آیند تا اینکه دور از هم به نمایش در آیند.

#### منطق نظری:

وقتی بر روی صفحه یا صفحه نمایشگر، کلمات و تصاویر مربوط به هم نزدیک یکدیگر یا در کنار هم قرار دارند یادگیرندگان مجبور نیستند منابع شناختی خود را برای جستجوی دیداری صفحه یا صفحه نمایشگر صرف کنند به احتمال زیاد یادگیرندگان قادر به نگهداری هر دوی آنها در حافظه فعال خود در آن واحد هستند. وقتی کلمات و تصاویر مربوط به هم دور از یکدیگر بر روی صفحه یا صفحه نمایشگر قرار دارند، یادگیرندگان مجبورند منابع شناختی خود را برای جستجوی دیداری صفحه یا صفحه نمایشگر، برای [پیدا کردن] کلمات و تصاویر مربوط به هم، صرف کنند. بنابراین احتمال کمی وجود دارد که یادگیرندگان قادر باشند هر دوی آنها را در حافظه فعال خود در آن واحد حفظ و نگهداری کنند.

۳. اصل مجاورت زمانی: زمانیکه کلمات و تصاویر مربوط به هم، به جای اینکه بصورت پیاپی و پشت سرهم ارائه شود؛ بصورت همزمان ارائه می شود دانش آموزان بهتر یاد می گیرند.

#### منطق نظری:

زمانیکه بخش انیمیشن و بیان شفاهی (یا گفتار گوینده) مربوط به آن در یک زمان ارائه می شوند، این احتمال زیاد هست که یادگیرنده بتواند بازنمایی های ذهنی هر دو را در حافظه فعال خود در یک زمان نگهداری کند و بنابراین احتمال بیشتری وجود دارد که یادگیرنده قادر باشد ارتباطات یا پیوندهای ذهنی میان بازنمایی های دیداری و کلامی برقرار کند.

زمانیکه بین بخش انیمیشنی و بیان شفاهی مربوط به آن از لحاظ زمانی فاصله وجود دارد احتمال کمی وجود دارد که یادگیرنده قادر باشد بازنمایی های ذهنی هر دو را در حافظه فعال خود در یک زمان نگهداری کند و بنابراین احتمال کمتری هست که او قادر باشد پیوندها یا ارتباطات ذهنی بین بازنمایی های دیداری و کلامی برقرار سازد. [حتی] اگر زمان میان شنیدن یک جمله و دیدن بخش انیمیشنی مربوط به آن کوتاه باشد در این صورت نیز باز این امکان هست که یادگیرنده بتواند پیوند ها یا ارتباطاتی را بین تصاویر و کلمات برقرار سازد. از طرف دیگر اگر یادگیرنده یک متن طولانی را گوش کند و انیمیشن کاملی را در زمان های جداگانه تماشا کند در این صورت احتمال کمی وجود دارد که یادگیرنده بتواند پیوند هایی را بین تصاویر و کلمات برقرار سازد.

۴. اصل پیوستگی یا انسجام: دانش آموزان زمانی خوب یاد می گیرند که از گنجانده شدن مواد درسی نامربوط و نا مرتبط جلوگیری شود. اصل انسجام یا پیوستگی می تواند درسه تعبیر یا برگردان تکمیلی بخش بندی شود: (۱) زمانیکه ارائه چند رسانه ای گیرا و جالب توجه است اما تصاویر و کلمات نامرتب اضافه شده اند به یادگیری دانش آموز لطمه وارد می شود، (۲) زمانیکه ارائه چند رسانه ای گیرا و جالب توجه است اما اصوات و موسیقی نامرتب اضافه شده است به یادگیری دانش آموز لطمه وارد می شود، (۳) زمانیکه کلمات [و تصاویر] غیر ضروری از ارائه چند رسانه ای حذف شوند یادگیری دانش آموز بهبود پیدا می کند.

#### منطق نظری:

مواد درسی نامربوط یا بی ربط، منابع شناختی را در حافظه فعال به چالش می کشند و می توانند توجه و آگاهی را از مواد درسی مهم منحرف کنند، می توانند فرآیند سازماندهی مواد درسی را مختل سازد و همچنین می توانند باعث شوند که یادگیرنده مواد درسی را به شکل نامناسبی سازماندهی کند.

۵. اصل کانال های حسی: دانش آموزان از انیمیشن و بیان شفاهی بهتر از انیمیشن و متن روی صفحه [مانیتور] یاد می گیرند؛ به عبارت دیگر دانش آموزان زمانی خوب یاد می گیرند که کلمات موجود در پیام های چند رسانه ای به جای متن چاپی به صورت گفتاری ارائه شود.

### منطق نظری:

زمانیکه تصاویر و کلمات هر دو بصورت دیداری ارائه می شود (همانند انیمیشن و متن [چاپی]) ظرفیت کانال تصویری/دیداری پر می شود؛ در حالی که کانال کلامی/شنیداری بدون استفاده می ماند. زمانیکه کلمات بصورت شنیداری ارائه می شود آنها می توانند در کانال کلامی/شنیداری پردازش شوند، بدین ترتیب کانال تصویری/دیداری، فقط برای پردازش تصاویر اختصاص پیدا می کند.

۶. اصل افزونگی یا مازاد: دانش آموزان از طریق انیمیشن و بیان شفاهی بهتر از انیمیشن، بیان شفاهی و متن [چاپی] یاد می گیرند.

### منطق نظری:

وقتی تصاویر و کلمات هر دو بصورت دیداری ارائه می شود (همانند انیمیشن و متن چاپ شده) ، در این صورت امکان دارد ظرفیت کانال دیداری پر شود.

۷. اصل تفاوت‌های فردی: تاثیرات طراحی [آموزش چندرسانه‌ای] بر یادگیرندگان دارای دانش کمتر نسبت به یادگیرندگان دارای دانش بیشتر و همچنین بر یادگیرندگان دارای [درک] فضایی بالا نسبت به یادگیرندگان دارای [درک] فضایی پایین تاثیرگذارتر و موثرتر است.

### منطق نظری:

یادگیرندگان دارای دانش بیشتر قادرند تا از دانش قبلی خودشان برای جبران فقدان راهنمایی در ارائه [چندرسانه‌ای] بهره ببرند- نظیر شکل دادن مناسب ذهنی به تصاویر از طریق کلمات- در صورتی که یادگیرندگان دارای دانش کمتر به میزان کمتری احتمال دارد که قادر باشند به هنگامی که ارائه چندرسانه‌ای فاقد راهنمایی است، خود را در یک فرآیند پردازش شناختی درگیر سازند. یادگیرندگان دارای [درک] فضایی بالا برای یکپارچه کردن بازنمایی‌های دیداری و شنیداری از ارائه‌های چند رسانه‌ای تأثیرگذار، ظرفیت شناختی را در اختیار دارند؛ در مقابل، یادگیرندگان دارای درک فضایی پایین باید ظرفیت شناختی خیلی زیادی را برای نگهداری تصاویر ارائه شده در حافظه خود اختصاص دهند.

منابع فارسی

- ۱ - احدیان محمد - آقا زاده محرم - ۱۳۷۸ - راهنمای روش های نوین تدریس - نشر آبیژ - چاپ اول
- ۴ - جوینس بریس - ویل مارشال - کالهون وایلی - ۱۳۸۰ - الگوهای تدریس ۲۰۰۰ - ترجمه محمد رضا بهرنگی
- ۵ - دونالد سی اورپیچ - جی هاردر رابرت - کالاهان ریچارد سی - گیبسون هری رابلیو - ۱۳۷۹ - ترجمه مهجور سیامک  
رضا - غیائی پروین - نشر سامان - چاپ اول
- ۶ - شعبانی حسن - مهارت‌های آموزشی و پرورشی - ۱۳۸۰ - نشر سازمان مطالعه و تدوین کیت علوم انسانی دانشگاه ها ( سمت ) - چاپ یازدهم
- ۷ - کرامتی محمد رضا - ۱۳۸۲ - نگاهی نو و متفاوت به رویکرد مشارکتی - نشر آئین تربیت - چاپ اول
- ۹ - کرامتی محمد رضا - قربانی محمود - فتح آبادی جواد - ۱۳۸۲ - نظارت و راهنمایی آموزشی - نشر پژوهش توس - چاپ اول
- ۱۰ - مشایخ فریده - دیدگاه‌های نو در برنامه ریزی آموزشی - ۱۳۸۱ - سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها ( سمت ) چاپ اول
- ۱۱ - نشریه آشتی با علوم - ۱۳۸۲ - چه کسی را آموزش دیده می دانید - شماره ۳

## References

منابع لاتین

- ۱ – Johnson.D.and R.Johnson(۲۰۰۱)cooperative lerning .<http://www.clcr.com>
- ۲ – Johnson.D.and R.Johnson(۲۰۰۱).journal ofedu catinal/Resherch
- ۳ – Slavin.Roberte.Research on cooperative learning: consus and contoovry.Educational leadership vol.۴۷.No.۴

DownloadTest.ir